

آموزش زبان فارسی

دوره مقدماتی

کتاب اول

تألیف

دکتر یدالله ثمره



آزفا



٢٢٣

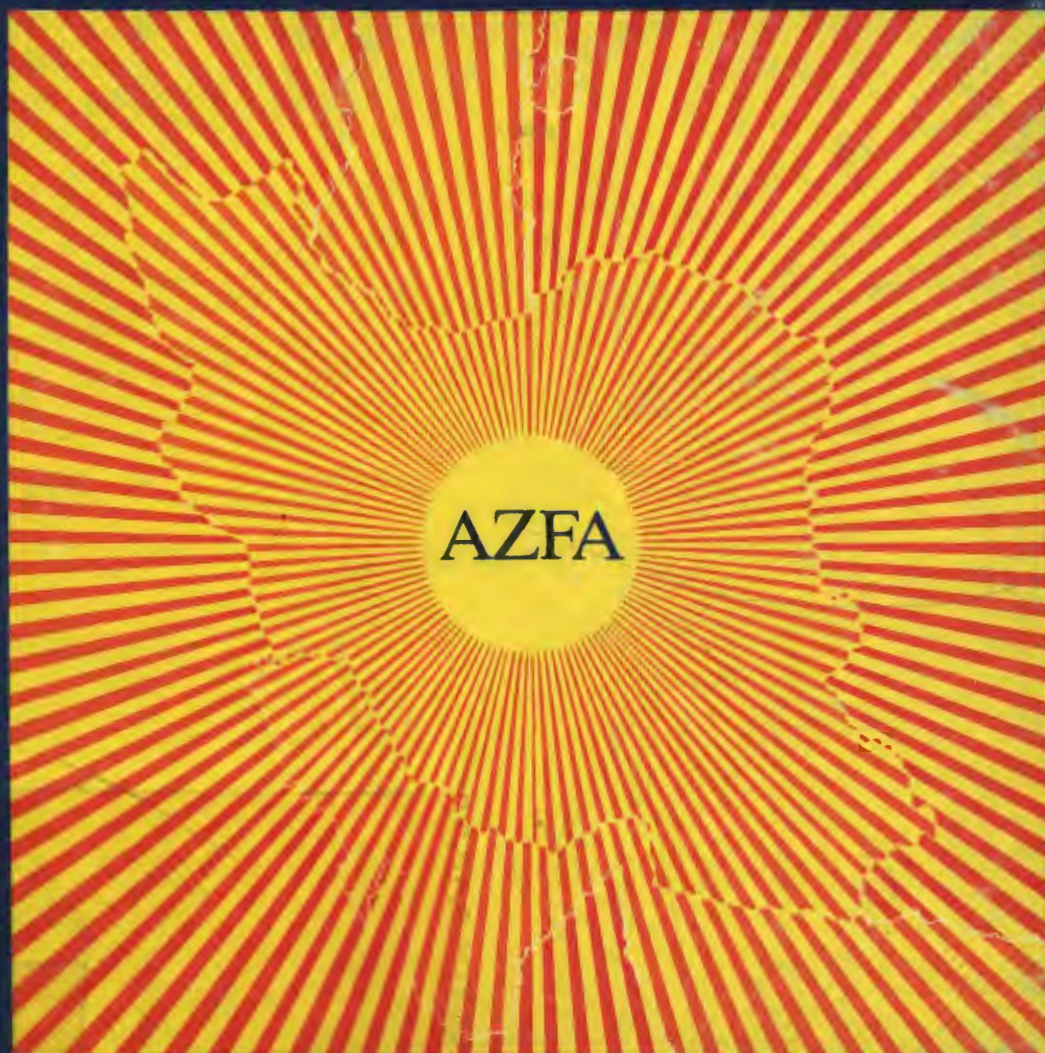
PERSIAN LANGUAGE TEACHING

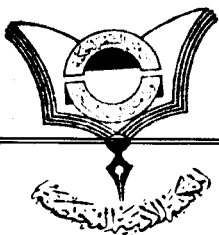
Elementary Course

BOOK 1

by

Yadollah Samareh Ph. D.





آزفا
۱

آموزش زبان فارسی

دوره مقدماتی

کتاب اول

تألیف

دکتر یدالله ثمره

استاد دانشگاه تهران

شماره برگه فهرست نویسی کتابخانه ملی ۵۸۰ - ۶۶ م

- نام کتاب: آموزش زبان فارسی (آزفا)، کتاب اول، دوره مقدماتی، شماره ردیف ۱
- مؤلف: دکتر یدالله ثمره
- ناشر: انتشارات بین المللی الهدی
- اداره کل روابط و همکاریهای بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- نوبت چاپ: چاپ سوم
- تعداد: هفت هزار نسخه
- تاریخ انتشار: ۱۳۷۲ هجری شمسی
- چاپ: چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
پیش‌گفتار	یک
راهنمای تدریس و استفاده از کتاب	بنج
	
درس ۱	۱
صداها و الفبای فارسی	۱
درس ۲	۱۳
صداها و الفبای فارسی	۱۳
ترتیب الفبایی فارسی	
واکها	۲۶
همخوانها	۲۷
درس ۳	۳۰
تشدید (س)	۳۲
۱. این، آن	۳۴
عدد اصلی	۳۴
۲. جمله ساده	۳۷-۳۸
گفت و شنود	۴۲

موضوع	صفحه
درس ۴	۴۴
۳. معرفه و نکره	۴۸
جای فعل در جمله	۴۹
۴. مفرد و جمع	۵۰
۵. اسم و صفت	۵۳
صفت مفرد برای موصوف جمع	۵۴
توالی صفات	۵۴
۶. تعجب	۵۶
۱- ۶ چه / عجب + اسم	۵۶
۲- ۶ چه / عجب + صفت / فعل	۵۷
۷. چه + اسم (سؤال)	۵۸
گفت و شنود	۶۰
درس ۵	۶۲
۸. پسوندهای «بودن»	۶۷
استعمال ضمائر شخصی با پسوندهای «بودن»	۶۸
۹. اضافه	۷۱
۱۰. مالکیت، مال من ...	۷۶
۱۱. ضمیرهای ملکی پیوسته	۷۹
۱۲. خود	۸۱
گفت و شنود	۸۵

موضوع	صفحه
درس ۶	۸۷
۱۳. صفت برتر	۹۲
۱۴. صفت برترین	۹۴
۱۵. مصدر	۹۷
۱- ۱۵ ستاک گذشته	۹۷
۱۶. گذشته ساده	۹۸
۱۷. حال اخباری	۱۰۲
استعمال حال برای آینده	۱۰۳
همخوانهای میانجی	۱۰۴
هستن، بودن	۱۰۶
گفت و شنود تلفنی	۱۱۱
درس ۷	۱۱۳
«تا»	۱۱۷
۱۸. مفعول صریح و مفعول غیر صریح	۱۱۸
۱- ۱۸ اسم / ضمیر + را	۱۱۸
۲- ۱۸ حرف اضافه + اسم / ضمیر	۱۱۸
عدد مرکب	۱۲۱
نیم، نصف، نصف	۱۲۳
چند، چندتا، تا، چقدر	۱۲۴
قبل، قبل از، قبلاً	۱۲۷
بعد، بعد از، بعداً	۱۲۷

۱۲۹	۱۹. فعل امر
۱۳۴	۲۰. فعل منفی
۱۳۴	هیچ، هیچکس، هیچ چیز، هیچوقت، هرگز
۱۳۵	نیستم، نیستی، ...
۱۴۱	گفت و شنود
۱۴۴	درس ۸ (دوره)
۱۵۴	کلید تمرینها
۱۹۳	واژه نامه
۱۹۳	فارسی - انگلیسی
۲۱۵	انگلیسی - فارسی
۲۳۶	واژه ها، عبارتها و جمله های اصطلاحی
۲۳۷	راهنمای استفاده از کتاب (به زبان انگلیسی)
۲۴۰	پیش گفتار (به زبان انگلیسی)

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرن حاضر زمانه رویارویی فرهنگهاست. زبان فارسی نیز که محمل فرهنگ ایرانست به عرصه این رویاروییها فراخوانده شده است. ضرورتهای تاریخی ما را مجبور کرده که برای حفظ کیان فرهنگی خود در عرصه‌های مختلف در تلاشهایی که برای گسترش فرهنگ کشورمان مؤثر است فعالانه مشارکت ورزیم.

بیگانگان با این زبان، جمعی در پاسخ به ضرورت فرهنگی جامعه خود به سراغ ما خواهند آمد و جمعی را ما وظیفه داریم به این قلمرو وارد کنیم. این امر محقق نمی‌شود مگر با به کار گرفتن مساعی و تلاشهای بیشتر و به وجود آوردن دواعی و انگیزه‌های جدی برای جستجوگرانی که در عرصه فرهنگ انسانی به تحقیق و تفحص مشغولند.

کلید آشنایی دیگران با مجموعهٔ موارث فرهنگی ما زبان ماست، بی‌هیچ شبهه‌ای شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی، ایرانی ما بدون آشنایی با زبان فارسی میسر نیست. وظیفهٔ ماست که دست‌کم با آنانکه به صورتهای گوناگون به عرصه‌های فرهنگ ما روی می‌آورند مساعدت و همراهی کنیم و گام نخست این مساعدت چاپ و نشر کتابهای بایسته و شایسته است و در اختیار طالبین قرار دادن آنها.

در پایان سدهٔ نوزدهم که ایران در کشاکش قدرتهای بزرگ آن روزگار نقش حساسی پیدا کرد شناخت ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی، ایرانی ما برای بیگانگان اهمیت بسیار یافت، کرسیهای تدریس زبان فارسی و ایرانشناسی دایر گردید و بخشی از همت اهل فن مصروف تدوین کتابهای آموزش زبان فارسی شد. از تدوین نخستین کتابها تا به امروز حدود یک قرن می‌گذرد. در گذار این روزگار کتابهای بسیار تدوین شده است اما اغلب، تدوین این کتابها تابع قاعده و قانون خاصی نبوده و تنها ذوق مؤلف کتاب تعیین‌کنندهٔ کیفیت تدوین بود.

بر همگان مبرهن است که تدوین کتاب آموزشی برای آنانکه اهل زبان نیستند با کتابهایی که برای متکلمین به یک زبان تدوین می‌کنند تفاوت اساسی دارد. تألیف این کتابها تلاشی مضاعف را می‌طلبد

چراکه مؤلف باید کتاب را بر مبنای بسیاری از ضوابط و اصول زبان‌شناسی، روانشناسی و... تدوین کند تا کیفیت بهروری بیشتر گردد.

شاید بتوان به جرأت ادعا کرد کتاب «آزفا» یکی از بهترین کتابهایی است که با در نظر گرفتن ویژگیهایی که یک کتاب علمی باید داشته باشد تدوین شده است این سخن به این معنا نیست که کتاب «آزفا» خالی از لغزش و خطاست ولی بی‌شبهه یکی از کم خطاترین کتابهای آموزش زبان فارسی است. طی چند سالی که از تدوین این کتاب گذشته است، کتاب برای خود اعتباری کسب نموده و در دانشگاههای خارج و حتی دانشجویان خارجی که در دانشگاههای ایران مشغول به تحصیلند به عنوان متن آموزشی مورد قبول واقع شده است.

زبان پارسی حتی اگر در صدد فتح قلمروهای جدید نباشد و بخواهد تنها از کیان فرهنگی خود دفاع کند گستره‌ای به وسعت «حلب تا کاشغر» را در بر می‌گیرد. ساکنان این گستره فراخ دامن اگر بخواهند به شکل جدی با فرهنگ خود آشنا شوند چاره‌ای ندارند مگر اینکه با زبان فارسی آشنا باشند. چاپ جدید مجموعه آزفا که از سوی انتشارات بین‌المللی الهدی و اداره کل روابط و همکاریهای بین‌المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت می‌گیرد پاسخی است به نیازهای طالبان در اقصی نقاط عالم خاک، بدین امید که این تلاش مثمر ثمر باشد.

ناشر

به نام خدا

پیش گفتار

این کتاب، نخستین بخش از دوره مقدماتی «آموزش زبان فارسی» (آزفا) است، مجموعه کامل آزفا شامل سه دوره مقدماتی، متوسطه، و عالی است. هدف از تدوین این مجموعه آموزش خط و زبان فارسی به خارجی‌ان از آغاز تا مرحله پایانی آنست تا زبان‌آموز بتواند از رادیو، تلویزیون، روزنامه و متون نظم و نثر فارسی بهره‌مند گردد.

دوره مقدماتی شامل دو کتاب است که طی آن زبان‌آموز با فارسی مستداول گفتاری و نوشتاری در حد نیازمندیهای عملی روزمره آشنا می‌گردد. در پایان این دوره وی قادر خواهد بود با فارسی زبانان ارتباط زبانی برقرار کند، متون فارسی در حد دوره تحصیلات ابتدائی را بخواند و بفهمد، و نیز اصطلاحات و ساختهای دستوری زبان گفتاری را دریابد و به کار برد.

زبان فارسی، مانند هر زبان دیگر، دارای دو گونه گفتاری و نوشتاری است. تفاوت دو گونه مذکور گاه به اندازه‌ایست که گوینده غیربومی در درک آن با اشکال روبه‌رو می‌شود و خود را ناگزیر از آموزش می‌بیند. ویژگی گونه گفتاری کوتاه‌سازی برخی واژه‌ها و افعال از طریق حذف، تغییر و یا همگون‌سازی پاره‌ای از صداهاست. جای اجزاء جمله چندان ثابت نیست و نیز گاهی جزء یا اجزائی از جمله حذف می‌گردد. به عنوان نمونه‌ای از این تفاوتها به چند مثال زیر توجه نمائید؛ صورت اول گونه نوشتاری است و صورت دوم گونه گفتاری:

I sit	می‌شینم	می‌نشینم
They go	می‌رن	می‌روند
Bread	نون	نان
He came home	اون اومد خونه	او به خانه آمد

در دوره مقدماتی هر دو گونه از زبان مورد توجه قرار گرفته و پا به پای گونه نوشتاری شکل گفتاری واژه‌ها و افعال و جمله‌ها نیز داده شده است.

از میان لهجه‌های گوناگون فارسی، لهجه تهرانی که لهجه معیار یا «استاندارد» محسوب می‌شود و در رادیو، تلویزیون، و فیلمهای سینمایی و غیره به کار می‌رود انتخاب گردیده است. دستور زبان به طور غیرمستقیم و در خلال عبارتها و جمله‌ها مطرح می‌گردد. یعنی همان‌طور که کودک زبان مادری خود را می‌آموزد، منتهی چون خواننده این کتاب خود از قبل با مفاهیم دستوری زبان مادری خویش آشناست لذا معمولاً چکیده‌ای از هر مطلب دستوری به صورت یک فرمول ارائه گردیده و نیز توضیحی مختصر درباره آن به زبان انگلیسی ساده در پانویس صفحه مربوطه آمده است. برای هر مطلب دستوری مثالهای فراوان و تمرینهای گوناگون، و گاه طولانی، که همه دارای کاربرد روزمره هستند داده شده است تا از این طریق زبان‌آموز خود را در محیط فارسی زبان احساس کند و در نتیجه اشتیاق آغازین برای یادگیری زبان در او تداوم یابد. استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسطه فقط در حد ضرورت صورت گرفته است. البته معادل واژه‌ها و ترجمه بسیاری از جمله‌های نمونه به انگلیسی داده شده است. این ترجمه‌ها بیشتر صورت واژه به واژه دارد تا ترجمه سلیس، زیرا هدف زبان فارسی است نه انگلیسی و ترجمه واژه به واژه بهتر می‌تواند ویژگیهای دستوری جمله فارسی را نشان دهد. از این روست که گاه بعضی از جمله‌های انگلیسی ممکن است غیرمعمول جلوه کند.

از آنجا که تلفظ صحیح واژه‌ها، عبارتها و جمله‌ها و نیز آهنگ صدا نقش بنیادین را در گفتار به عهده دارد سعی شده است حداکثر استفاده از وسایل سمعی و بصری به عمل آید تا هم کار زبان‌آموزی را آسان‌تر و دلپذیرتر نماید و هم در عین حال بیشترین نتیجه را در کمترین زمان به دست دهد. از این رو تمام مطالب کتاب بر روی نوار «کاست» ضبط گردیده که باید همراه با کتاب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین در نظر است که پاره‌ای فیلمهای کوتاه «ویدیویی» بر پایه جمله‌ها و گفت و شنودهای مندرج در کتاب فراهم گردد که بی‌شک تأثیر شایان در امر زبان‌آموزی خواهد داشت.

لازم به یادآوریست که کتاب و نوارهای مربوط به آن می‌تواند، در صورتی که معلم فارسی‌زبان فراهم نباشد، به طور خودآموز مورد استفاده قرار گیرد مشروط بر آن که با دقت در شنیدن نوار و تکرار کافی سعی شود واژه‌ها و جمله‌ها همان‌طور که شنیده می‌شوند تلفظ گردند. با این حال وجود معلم فارسی زبان در ارزیابی تلفظ و تصحیح آن بسیار مفید و کارساز خواهد بود. چنان که می‌دانیم، زبان فارسی در طی قرون نقشی بس ارزنده در تجلی ظریف‌ترین

اندیشه‌ها و بیان لطیف‌ترین احساسات و عواطف انسانی به عهده داشته است. بزرگانی چون فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر شاهکارهای جاویدان خود را به این زبان پدید آورده‌اند. از این‌روست که یادگیری زبان فارسی و تسلط بر آن در حکم کلیدی است برای دسترسی به گنجینه‌ای بس غنی و شگفت‌انگیز. و امید است که مجموعه «آموزش زبان فارسی» (آزفا) بتواند خدمتی، ولو اندک، در جهت تسهیل امر یادگیری این زبان به علاقمندان آن عرضه نماید.

در اینجا لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار استاد محترم زبانهای باستانی در دانشگاه تهران که نسخه دست‌نویس این کتاب را به دقت از نظر گذرانده نظرات و پیشنهادهای بسیار مفیدی ارائه نمودند صمیمانه سپاسگزاری نمایم. باید اذعان کنم که جمعیت خاطری که هنگام تألیف این کتاب داشته‌ام مرهون همسرم دکتر ایران کلباسی است.

دکتر یدالله نمره

استاد دانشگاه تهران

•••

راهنمای تدریس و استفاده از کتاب

۱. نشانه‌هایی که در این کتاب به کار رفته به قرار زیر است:

الف - صورت گفتاری واژه‌ها و عبارتها و جمله‌ها بین دو قلاب به صورت [] آمده است.
ب - چون ترجمه انگلیسی معمولاً واژه به واژه است، بنابراین آنچه که در انگلیسی هست ولی در فارسی نیست بین دو ابرو به صورت () آمده و آنچه که در فارسی هست ولی در انگلیسی نیست به صورت (=) دیده میشود. به عنوان مثال:

زیباست (It) is pretty.

هوا سرد است It (=the air) is cold.

پ - علامت { } به معنی ارزش یکسان کلمات داخل آنست یعنی انتخاب مساوی.
ت - نشانه / به معنی or = یا است.

۲. کتاب حاضر دارای هشت درس است که فراگیری آن به حدود هشت هفته زمان نیاز دارد. در هر هفته حدود ۶ ساعت کار در کلاس و نیز دست‌کم ۶ ساعت کار در منزل توسط زبان‌آموز جهت حل تمرین‌ها و گوش دادن به نوار و تکرار آن باید در نظر گرفته شود.

۳. درسهای اول و دوم که مخصوص آموزش صداها و خط فارسی است از اهمیت ویژه برخوردارند و تا حصول اطمینان از این که زبان‌آموز آنها را به درستی فرا نگرفته نباید به درس دیگر پرداخت. تمام دقت زبان‌آموز باید متمرکز بر نحوه تلفظ صداها باشد و بنابراین نباید از وی خواست تا معنی واژه‌های این دو درس را به ذهن بسپارد.

در مورد واژه‌ها، تفاوت بین صداهای a و ā (آ و اَ)، e و i (ای وِی)، o و u (او وُ وِ)، ey و e (ای وِی)، ow و o (اُو وِ) باید به درستی درک شود. این کار به وسیله تسمین و تکرار زیاد امکان‌پذیر خواهد بود.

۴. در آغاز هر درس واژگان مربوط به آن درس دیده میشود. تلفظ هر یک از واژه‌ها باید ابتدا از نوار پخش گردد و سپس از زبان آموز خواسته شود تا آنرا تکرار کند. معلم باید تلفظ زبان آموز را ارزیابی و تصحیح نماید. این روش باید در مورد یک یک زبان آموزان اعمال گردد.

۵. پس از واژگان، نوبت به نکات دستوری و جمله‌های نمونه می‌رسد. جمله‌های نمونه که با عنوان «بشنوید و تکرار کنید» مشخص شده‌اند حاوی نکات دستوری می‌باشند و باید پس از شنیده شدن از نوار توسط یک یک زبان آموزان تکرار شود. تلفظ زبان آموز باید بوسیله معلم ارزیابی و تصحیح گردد. نکات دستوری جمله‌های نمونه باید به وسیله معلم حتی الامکان به زبان فارسی تشریح گردد. البته این کار در اوائل قدری مشکل است اما می‌توان از زبان ایما و اشاره و یا بعضی نشانه‌ها بر روی تخته سیاه استفاده کرد. مثلاً، می‌خواهیم به زبان آموز بگوئیم که کاربرد ضمائر اشاره «این و آن» برای مفرد و جمع، برخلاف انگلیسی، یکسانست. عبارت «این مرد» و مقایسه آن با «این مردها» حاوی همین نکته است. می‌توان روی تخته چنین نوشت:

این مرد

این مردها

این ~~اینها~~ مردها

۶. تمرین‌هایی که مستلزم فکر می‌باشند مانند «به فارسی بنویسید» (ترجمه از انگلیسی به فارسی)، «جمله بسازید»، «واژه درست را انتخاب کنید» و یا «جاهای خالی را پر کنید» مخصوص کار در منزل است. البته معلم باید قبلاً روش حل تمرین را به زبان آموز بگوید. بعضی از این گونه تمرین‌ها را که نیازمند فکر کمتری هستند می‌توان به طور جمعی در کلاس حل کرد. جواب این تمرین‌ها در پایان کتاب زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آمده است ولی زبان آموز باید فقط بعد از حل تمرین و به منظور ارزیابی جوابهای خود به آن مراجعه نماید.

۷. تمرین‌هایی که حاوی گفت و شنود هستند حتماً باید در کلاس توسط خود زبان آموزان و با کمک معلم پس از شنیده شدن از نوار اجرا شوند. گفتگوها دو نفره یا گاهی بیشتر هستند. جمله‌های این تمرین‌ها معمولاً نمونه بوده و می‌توان با جایگزین کردن واژه‌های آنها دهها جمله دیگر ساخت. به عنوان مثال، تمرین ۱۷ گفت و شنود است بین علی و پروین. معلم باید خود در نقش علی جمله‌های مربوط به علی را از یک یک زبان آموزان سؤال کند و نیز همین جمله‌ها را با تغییر واژه از زبان آموزان بپرسد تا آنان نیز در جواب جمله‌های متفاوت بسازند. مثلاً، به جای

«نادر امشب، کجاس؟» پرسیده شود «آن مرد امروز کجاس؟» و غیره. زبان این گونه تمرین‌ها صرفاً محاوره‌ای یا گفتاری است، بنابراین باید دقت شود که آهنگ صدا و جای تکیه در واژه‌ها به درستی رعایت گردد.

۸. تکلیف منزل زبان آموز حتماً باید توسط معلم بررسی گردیده اشتباهات آن به وی گوشزد گردد. این کار را می‌توان به صورت جمعی در کلاس انجام داد، بدین معنی که از یک یک آنان خواسته شود تا آنچه را که نوشته‌اند بخوانند و اشتباهات آنان توسط معلم توضیح داده شود. در مواردی که تصحیح کلاسی به دلیل صرف وقت زیاد مقدور نیست معلم باید تکالیف را در منزل تصحیح نموده و جلسه بعد موارد اشتباه را توضیح دهد. البته کلید تمرین‌ها کمک مؤثری در این باره به معلم می‌کند زیرا زبان آموز می‌تواند تکلیف خود را از روی آن تصحیح کند. ولی بسیار اتفاق می‌افتد که دلیل چیزی را نمی‌فهمد که در این صورت باید توسط معلم توضیح داده شود.

۹. باید توجه داشت که حتی ساده‌ترین مسائل زبانی که برای معلم فارسی زبان بدیهی و واضح می‌نماید ممکن است برای زبان آموز مسئله‌ای مشکل جلوه کند. از این رو رفتار معلم باید چنان صمیمانه و توأم با مهربانی باشد که زبان آموز بتواند هر نوع مشکلی را به راحتی مطرح سازد.

۱۰. کلید هر تمرین به جای خود آن تمرین بر روی نوار ضبط شده است، بنابراین، بخشی زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آن گونه که در پایان کتاب دیده می‌شود بر روی نوار وجود ندارد.

۱۱. زبان آموز باید معنی تمام واژه‌های خوانده شده و نیز جمله‌های نمونه و جمله‌های اصطلاحی را به ذهن بسپارد.

۱۲. باید زبان آموز را ترغیب نمود تا آنجا که ممکن است در ساعات غیر کلاسی به نوار گوش فرا دهد و خود آنرا تکرار کند، زیرا، چنان که می‌دانیم، اساس کار زبان آموزی بر شنیدن و تکرار استوار است. هرچه بیشتر به این دو نکته توجه شود نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

۱۳. کلاس زبان باید زنده و باروح و توأم با حوصله و مهربانی اداره شود. در غیر این صورت اشتیاق زبان آموز به تدریج فروکش کرده در نتیجه از تعداد شرکت کنندگان به طور روزافزون کاسته می‌گردد.

۱۴. در شروع دوره برای هر زبان آموز باید یک پرونده تحصیلی تشکیل گردد که در آن میزان حضور در کلاس، میزان شرکت در فعالیتهای کلاسی، میزان پیشرفت، نمرات دیکته و تکالیف منزل، نمرات آزمونهای کلاسی، نظرات معلم درباره چگونگی کار زبان آموز به طور مرتب

منعکس گردد.

۱۵. در پایان هر دو هفته یک آزمون مختصر کلاسی، کتبی یا شفاهی، از مطالب خوانده شده باید برگزار شود تا میزان پیشرفت زبان آموز به درستی ارزیابی گردد. در پایان کتاب نیز آزمون اصلی باید به عمل آید و نتیجه آن در پرونده زبان آموز ضبط شود.

۱۶. مسلماً نمی توان ادعا کرد که کتاب، خالی از هرگونه نقص و عیب است، ولی می توان با استفاده از نظرات ارزنده و پیشنهادهای سازنده مدرسین آن که بی شک از دلسوزی و خیرخواهی آنان سرچشمه می گیرد در جهت بهبود آن کوشید. بنابراین صمیمانه استدعا دارد مسائل و مشکلات عملی را که در ارتباط با تدریس کتاب وجود دارد از طریق نمایندگی فرهنگی منعکس سازند تا در چاپهای بعدی مورد توجه قرار گیرد.

از خدای بزرگ موفقیت آن همکار گرامی را در این خدمت فرهنگی مسئلت دارد.

مؤلف

دَرس ۱

Lesson One

صداها و اَلِفبای فارسی

Persian Sounds and Alphabet

Exercise 1

تمرین ۱

Listen and repeat :

بشنوید و تکرار کنید :

ā, as in «car» ا آ

b, as in «baby» ب ب

father بابا with با water آب

with water با آب fit باب

p, as in «pepper»

پ پ

باب باپ باپا with foot

t, as in «attempt» but dental

ط ت

آت تا طا تاب تات طاط

your father بابات with your foot باپات

ع ع ع ع ع ع

عآ آع آء طاع باء

r, as in «rare» but slightly rolled

ر

dark تار votes آراء load بار shame عار

1. Hamze, made by the sudden opening of the larynx. This sound is rather similar to a slight cough.

Exercise 2

تمرین ۲

Listen and repeat :

بشنوید و تکرار کنید :

ا, as in «cat» ا ا

ز, as in «zero» ز ز ز ز

gold زر of, from از

miserable زار ضا ظا زا

greed آرز ظاء ضرب multiplication

secret راز تاز باز open, hawk

acquittance برائت 9th Iranian month آخر

d, as in «deed» but dental

د

take

بَرْدَار

gallows

دَار

door, in

دَر

faithful to a secret

رازدار

juicy

آبدار

wind

باد

habitable

آباد

pain

دَرْد

yellow

زَرْد

bad

بَد

reject

طَرْد

(he/she) hit

زَد

next

بَعْد

loss, harm

ضَرَر

habit

عِلَات

(he/she) has

دَارَد

flour

آرد

brother

بِرَادَر

cloud

أَبَر

(he/she) gave

داد

zh, as in «pleasure»

ژ

torpedo اثر دَر ژا ژاژ

ژاب باژ تاژ پژ بژ دژ

n, as in «none»

ن

ن

bread نان نا that آن

pomegranate انار نار

(woman, wife) زن ناب unfit ناباب pure ناب

(he/she) did not give نداد (he/she) does not have ندارد

(he/she) did not hit نزد spearmint نعناع

Exercise 3

تمرین ۳

Write as one word :

به صورت یک واژه بنویسید:

ب + ا + د + ا + ر + ا + ر

ض + ا + ر + ا + ر

wise

د + ا + ن + ا

ignorant

ن + ا + د + ا + ن

ن + ا + د + ا + ر + ا + د

ب + ا + ب + ا

ع + ا + د + ا + ت

shining

ت + ا + ب + ا + ن

barren

ن + ا + ز + ا

rain

ب + ا + ر + ا + ن

free

آ + ز + ا + د

harm

آ + ز + ا + ر

tongue, language

ز + ا + ب + ن

ا + ب + ز + ر

violent throw

پ + ا + ت + ر + ب

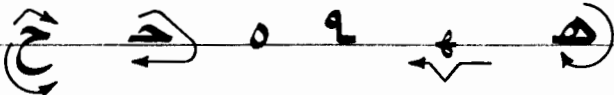
Exercise 4

تمرین ۴

Listen and repeat :

بشنوید و تکرار کنید :

e, as in «nest» 

h, as in «hospital» 

clouds ابرها every, each هَر thousand هزار

lovely! بَه بَه to به refusal اِبا those آنها

sigh آه shabby شَرِنْدِه fresh تازه office اداره

rein دَهَنَه iron آهن appearance ظاهِر way راه

ready, present حاضِر heat, temperture حرارت

designer طَرّاح (س = طرّاح) possessing حائِز

m, as in «mummy»

م م

ما من

combat, fight

زَمَ

feast

بَزَمَ

disease

مَرَضَ

prohibition

مَنَعَ

building

عِمَارَت

doctrine

عِرَام

respect

إِحْتِرَام

favour

مَرْحَمَت

moon, month

مَاه

uproar

هَمِيَه

letter

نَامِه

guest

مِهَان

bathroom

حَبَام (= حَم مَاه)

gh, more or less similar to the French «r» in «rue»

ق ق غ غ غ غ

cube sugar قنر reading قرائت

cutting قطع piece قطعه

shining (س = برراق) برراق

confectioner (س = قن ناد) قناد

brain مغز electricity برق

fate قضا food غذا

request تقاضا hot داغ

تمرین ۵

Write as one word:

بصورت یک واژه بنویسید:

hot water with sugar ق + اَ + ن + د + ا + غ

sugar-bowl ق + اَ + ن + د + ا + ن

hostess م + اَ + ه + م + ا + ن + د + ا + ر

opposed ض + اَ + د + د (د = د + د)

discipline ن + اَ + ظ + ا + م

good order ن + اَ + ظ + م

prison ز + اَ + ن + د + ا + ن

disturbance of mind ا + ض + ط + اَ + ر + ا + ب

dragon ا + ث + د + اَ + ه + ا

uproar ه + اَ + م + ه + اَ + م + اَ

cheap ا + اَ + ر + ز + ا + ن

returning

ا + ا + ع + ا + د + ا

point of death

ا + ح + ت + ا + ض + ا + ر

particle

ذ + ا + ر + ر + ا

quantity

م + ا + ق + د + ا + ر

درس ۲

صداها و الفبای فارسی

تمرین ۶

بشنوید و تکرار کنید:

Q, as in the French word «mode» و اُ اِ

V, as in «vast» و

thou تو two دو art هنر room اتاق

word واژه medicine دوا nine نه

F, as in «fat»

ف ف

eruption

فَوْارٍ

horizon

أُفُق

snow

بَرْف

agreeable

مُوافِق

agreement

مُوافَقَت

L, as in «lip»

ل ل

doer, agent

فَاعِل

verb

فِعْل

kindness

لُطْف

sheet

بَلَّافَه

tulip

لَالَه

dumb

لَال

birth

(تَوَلَّد = ل ل)

U, as in «pool»

و و

he, she

اُو

س ص ث S, as in «safe»

دوست friend سوزن needle

صورت face لوس spoiled

ثلث one third حرص greed

ثواب spiritual reward اثاث furniture

ش ش sh, as in «shame»

شور salty شورش rebellion

شرور wicked

تمرین ۷

Write as one word:

بصورت یک واژه بنویسید:

ف + ا + ع + ل

easy

س + ه + ل

offspring, result

ث + م + ر + ل

constant, steady

ث + ا + ب + ت

cough

س + ا + ر + ف + ل

professor, master

ا + س + ت + ا + د

witness

ش + ا + ه + ل + د

pious foundation

و + ا + ق + ف

object of verb

م + ا + ف + ع + و + ل

mice

م + و + ش + ه + ا

nineteen

ن + و + ز + د + ا + ه

thunderbolt

ص + ا + ع + ر + ق + ت

wistle

س + و + ت

inheritance

و + ر + ا + ث + ع + ت

peace, compromise

ص + ل + ح + ع

wealth

ث + ع + و + ر + ع + ت

تمرین ۸

بشنوید و تکرار کنید:

Ow, as in «no» اَو اُو

times اَوْقَات

oil, grease رُوغْن state of affairs اَوْضَاع

far away دَوْر cycle, turn دَوْر consultation شَوْر

vine مَو new نَو

K, as in «cake» كَ كِ

dull كُودَنْ wound up كُوك

work, job كَار soft wool كَرَك blind كُور

star كُوكَب worm كَرَم paper كَاغَز

g, as in «egg»

گ گ

warm

گرم

cow

گاو

walnut

گردو

pit

گودال

neck

گردن

deep

گود

cat

گربه

wolf

گرگ

dog

سگ

تمرین ۹

بشنوید و تکرار کنید:

l, as in «sheep» ای ی سی

Y, as in «yes» ی سی

tray سینی milk, lion, tap شیر this این

namely یعنی assistance یاری one یک

objection ایراد try, effort سعی

freedom آزادی

l, as in «jet» ج ج

ivory عاج answer جواب creation ایجاد

sock, stocking جوراب pocket جیب

Ch, as in cheese

چ

چ

mushroom قارچ helpless بیچاره thing چیز

nowhere هیچ جا nothing هیچ چیز screw, twist پیچ

ey, as in pay

ای

ای

ای

Kh, as in scotish word «loch»

خ

خ

خ

animal حیوان field, square میدان portico ایوان

mean, humble خوار thorn خار cane, reed نی

nail میخ relative خویش ploughshare خیش

soaked خیس much, a lot خیلی hole سوراخ

تمرین ۱۰

بصورت یک واژه بنویسید:

they ای + ش + ا + ن

you ش + ء + م + ا

complaint ش + ر + ک + ا + ی + ء + ت

lane, alley ک + و + چ + ر

street خ + ی + ا + ب + ا + ن

help, aid ک + ء + م + ء + ک

dirty ک + ء + ث + ی + ف

lamp چ + ر + ا + غ

I wish ای + ک + ا + ش

flower گ + ء + ل

walking گ + ء + ر + د + ر + ش

judge

ق + ا + ض + ی

correct, true

ص + ک + ح + ی + ح

no

ن + ک + خ + ر + ی + ر

good

خ + و + ب

young

ج + ک + و + ا + ن

preaching

م + و + ع + ر + ظ + ر

occasion, time

م + و + ق + ر + ع

descriptions

اُ + و + ص + ا + ف

new-born child

ن + و + ز + ا + د

box

ص + ک + ن + د + و + ق

festival

ع + ر + ی + د

تمرین ۱۱

write in Persian letters :

با حُرُوف فارسی بنویسید :

difficult *sakht*

tonight *emshab*

sweet *shirin*

last night *dishab*

desert *biâbân*

hungry *gorosne*

son, boy *pesar*

again *dobâre*

daughter, girl *dokhtar*

window *panjere*

man *mard*

pretty *ghashang*

house *khâne*

cool *khonak*

book *ketâb*

small *kuchak*

big, great *bozorg*

slowly *âheste*

here *injâ*

always *hamishe*

there *ânjâ*

mother *mâdar*

today *emruz*

pencil *medâd*

yesterday *diruz*

light *rowshan*

ruffled *zhulide*

glasses *eynak*

تمرین ۱۲

با حُرُوف فارسی بنویسید :

write in persian letters :

dreamy

hospital

land

saucepan

beautiful

zigzag

predicate

utterance

yellow

butcher

payment

shamelessly

caravan

invisable

guarantee

agreculture

holiday

large

measure

vivid

movement

gentleman

pleasure

prospect

stupidity

ترتیب الفبائی فارسی

Persian Alphabetic Order

واکها

Vowels

نام صدا Name of sound	تلفظ صدا Pronunciation of the sound	نشانه خطی صدا Written symbol of the sound	
		شکل چاپی printing form	شکل دستنویس Hand-written form
اَلِف	ā	آ	آ
زَبَر، فَتَحَه	a	اَ	اَ
زیر، کَسْرَه	e	اِ	اِ
پیش، ضَمّه	o	اُ	اُ
واو	u	او	او
واو	ow	اُو	اُو
ی	i	ای	ای
ی	ey	ایِ	ایِ

ترتیب الفبائی فارسی

همخوانها

Consonants

نام صدا	تلفظ صدا	نشانه خطی صدا	
		شکل جایی	شکل دستنویس
ب	b	ب	ب
پ	p	پ	پ
ت	t	ت	ت
ث	s	ث	ث
جیم	j	ج	ج
چ	ch	چ	چ
ح	h	ح	ح
خ	kh	خ	خ
دال	d	د	د
ذال	z	ذ	ذ

نام صدا	تلفظ صدا	نشانه خطی صدا	
		شکل جایی	شکل دست‌نویس
رِ	r	ر ر	ر ر
زِ	z	ز ز	ز ز
ژِ	zh	ژ ژ	ژ ژ
سین	s	س سه	س سه
شین	sh	ش شه	ش شه
صاد	s	ص سه	ص سه
ضاد	z	ض ضه	ض ضه
طا	t	ط ط	ط ط
ظا	z	ظ ظه	ظ ظه
عین	vowel sound	ع ع ا ع	ع ع ا ع
غین	gh	غ غ ا غ	غ غ ا غ

نام صدا	تلفظ صدا	نشانه خطی صدا	
		شکل جایی	شکل دستنویس
فِ	f	ف ف	ف ف
قاف	gh	ق ق	ق ق
کاف	k	ک ک	ک ک
گاف	g	گ گ	گ گ
لام	l	ل ل	ل ل
میم	m	م م	م م
نون	n	ن ن	ن ن
واو	v	و و	و و
هَ	h	ه ه ه ه	ه ه ه ه
ی	y	ی ی	ی ی

درس ۳

بخش ۱

Part I

Vocabulary

واژگان

that, it

آن [اون]^۱

this

این

he, she

او [اون]

place

جا

there

آنجا [اونجا]

here

اینجا

where?

کُجا؟

day

روز

night

شب

1 - Many words and sentences have a spoken form rather different from their written form. From now on you will see the spoken form in [].

year	سال
today	امروز
tonight	امشب
this year	امسال
yesterday	دیروز
last night	دیشب
last year	پارسال
table	میز
chair	صندلی
book	کتاب
notebook	دفتر
paper	کاغذ
pen	قلم
pencil	مداد
one, a	یک [یه]
two	دو
three	سه
four	چهار [چار]

five	پنج
six	شیش [شیش]
seven	هفت [هف]
eight	هشت [هش]
nine	نه
ten	ده
man	مرد
woman	زن
sir, gentleman	آقا
madam, lady	خانم
father	پدر
mother	مادر
son, boy	پسر
daughter, girl	دختر
child	بچه (= بچ = بچه) ^۱
sister	خواهر (= خاهر)
brother	برادر

1 – The sign « ω » above a letter indicates a prolonged articulation of the sound involved.

house, home	خانه [خونه]
house	مَنْزِل
room	اُتاق
hour, watch, clock, time	سَاعَت
a female name	ژاله
a female name	پَروین
a male name	ناصر
a male name	عَلّی
(he, she) has	دارَد [داره].
is	اَسْت / سَت [س / س = ه / ه]
are	هَسْتَنَد [هَسْتَن / ن]
come	بیا
go	بُرُو
now	حالا
and	وَ [ا = و]
yes	بَلِه
what?	چه
what?	چی

what is?

چیست (= چی است) [چیه]؟

who?

کی؟

who is?

کیست (= کی است) [کیه]؟

تمرین ۱۳

بشنوید و تکرار کنید :

۱.

this man

این مَرَد

این زَن

این میز

آن خانه [اون خونه]

آن مَرَد

آن خائِم

one man

یک مَرَد [یه مَرَد]

دُو مَرَد

دِه مَرَد

یک مِدَاد [یه مِدَاد]

1 – The noun following the cardinal numbers must be in the singular form. For the other categories of the numbers, see book 2.

سه مداد

یک شب [یه شب]

هفت شب [هف شب]

these two men

این دو مرد

آن سه مداد [اون سه مداد]

day and night

روز و شب

سه روز و چهار [چار] شب

این سه روز و چهار شب

این دو پسر و آن سه دختر

بیا اینجا

برو آنجا [اونجا]

این چیست [چیه]؟

(It) is seven o'clock .

ساعت هفت است [هفته].

تمرین ۱۴

write in Farsi and repeat :

بفارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. That room

14. Seven books and eight pens

2. This book

15. One book and one pen

3. This father

16. These two children

4. That mother

17. Those nine tables

5. This child

18. This table and those ten pencils

6. That sister

19. Father and son

7. That brother

20. This mother and daughter

8. This clock

21. That sister and brother

9. This lady and this gentleman

22. Five brothers and four sisters

10. Man and woman

23. One day and night

11. That man and this woman

24. That one room

12. Three chairs

25. Those ten rooms

13. One chair

26. Eight hours

بخش ۲

Part II

تمرین ۱۵

بشنوید و تکرار کنید:

۲.

This is.

این است

is this

[اینه]

is this

This is a table.

این یک میز است.

is table a this

[این یه میزه]

is table a this

1. ه / ا (e) is suffixed to words ending in a consonant or the vowel i.

That is a chair.

آن یک صندلی است.

[اون یه صندلیه]

is chair a that

He is a gentleman.

او یک آقا است (= است)

[او/ اون یه آقا س]

is gentleman a he

آن یک خانه است.

[اون یه خونه س]

is house a that

Ali is here.

علی اینجا است [س]

is here Ali

Where is he?

او کجاست [س]؟

is where he

1. س (s) is suffixed to words ending in a vowel.

2. when the final vowel of the word is e, it changes into the vowel a and then takes س (s).

Jaleh is there.

ژاله آنجا ست.

is there Jaleh

[ژاله اونجاس]

Is Jaleh there?

ژاله آنجاست؟

بله، او آنجاست [اونجاس]

is there she yes

What is that?

آن چیست؟

[اون چیه؟]

Who is this woman?

این زن کیست؟

[این زن کیه؟]

تمرین ۱۶

Write in Farsi and repeat :

به فارسی بنویسید و تکرار کنید :

1. Who is that man?
2. This lady has three children.
3. Where is she today?
4. He is there tonight.
5. There are six books and eight notebooks here.
6. Where are those nine men and ten women?
7. That gentleman has five brothers and one sister.
8. Who are this man and that woman?
9. This house has four rooms.
10. Those two tables and ten chairs are there.
11. Has Ali (any) son?
12. Yes, he has two sons.
13. This man is Ali and that lady is Parvin.
14. Who are these six women?
15. Where is Nader?
16. He is here.

17. Where is she now?

18. Come here tonight.

19. Go home now.

20. It is four o'clock.

21. Jaleh has three watches.

بشنوید و تکرار کنید:

علی: [این چیه؟

پروین: این یه قلمه.

علی: اون چیه؟

پروین: اون یه مرده.

علی: اون آقا کیه؟

پروین: اون آقا، نادره.

علی: این خانم و اون آقا کی هستن؟ / کین؟

پروین: ژاله و نادر

Has Jaleh (any) daughter?

علی: ژاله دختر داره؟

پروین: بله، او یه دختر داره.

علی: اینجا کُجاس؟

پروین: اینجا اصفهانه.

علی: اونجا چیه؟

پروین: اونجا یه میز و شیش صندلیه.

علی: کی اونجاس؟

پروین: چار پسر و هف دختر.

علی: نادر امشب کُجاس؟

پروین: او امشب اینجاس.

علی: حالا اون دو خواهر و سه برادر کجا هستن؟

پروین: اون دو دختر و سه پسر حالا اینجان.

Has Nader (any) children?

علی: نادر بچه داره؟

پروین: بله، او یه بچه داره.

علی: اون بچه، پسره یا دختر؟ Is that child (a) boy or (a) girl?

پروین: بچه، دختره.

علی: اون مادر و بچه امروز کُجان؟

پروین: خونه هستن.]

درس ۴

بخش ۱

واژگان

good, nice, well

خوب

bad

بد

beautiful

زیبا

pretty, nice, beautiful

قشنگ

ugly, nasty

زشت

clean, tidy

تمیز

dirty

کثیف

old

کهنه

old

پیر

wise

دانا

young, youth

جوان [جَوون]

new	نُو
big, large, great	بُزُرْگ
small	کوچَک [کوچیک]
tiny, very small	رِیز
cold	سَرَد
cool	خُنْک
warm	گَرْم
hot	داغ
thirsty	تَشْنَه
hungry	گُرْسَنَه [گُشنه]
white	سِفید
black	سِیَاه
yellow	زَرَد
green	سَبَز
sweet	شیرین
sour	تُرْش
apple	سِیب
grape	اَنگُور

lemon	لیمو
thing	چیز
door	دَر
window	پَنجره
wall	دیوار
open	باز [واز]
closed, shut	بسته
water	آب
weather, air	هوا
horse	اَسب
dog	سگ
cat	گربه
week	هَفته
month, moon	ماه
minute	دَقِيقه [دَيقه]
second	ثانیه
tomorrow	فَردا
the day after tomorrow	پَس فردا

the day before yesterday	پَرِیروز
slowly, gently	یَواش
slowly, gently	آهسته
fast, quick, quickly	تُند
all	همه
all of	همه (= همه‌ی)
all of	تمام
always, all the time	همیشه
when?	کی؟
which?	کدام [کدوم]؟
how?	چطور؟
again	دوباره
(he, she, it) was.	بود
(they) were.	بودند [بودن]
(he, she, it) went.	رفت
(they) went.	رفتند [رفتن]
(he, she, it) came.	آمد [اومد]
(they) came.	آمدند [اومدن]

مَعْرِفَه وَ نَكْرَه

Indefinite definite

$$\text{مَعْرِفَه}^1 + \left\{ \begin{array}{l} - \text{ی} \\ \text{يَك} [\text{یه}] - \\ \text{يَك} \dots \text{ی} \end{array} \right\} \leftarrow \text{نَكْرَه}^2$$

a man

مَرَد + ی ← مَرَدِی

a man

يَك [یه] + مَرَد ← يَك [یه] مَرَد

a man

يَك [یه] + مَرَد + ی ← يَك [یه] مَرَدِی

1. The definite is usually without any symbol. 2. The indefinite is expressed in three ways: a) by adding an - i to the end of the noun; b) by putting the word *yek* "one, a" before the definite noun; c) by using both *yek* and - i. The latter is the most common spoken form.

تمرین ۱۸

بشنوید و تکرار کنید:

گُرَبه‌ای اینجاست^۱ [س]

یک اَسب آنجا بود.

[یه اَسبی اونجا بود]

دیروز یک خائِم آمد اینجا.

[دیروز یه خائمی اومد اینجا]

یک [یه] سَگ همیشه آنجاست [اونجاس].

یک هَفته هَفت روز است.

[یه هفته هَف روزه]

دَری باز بود.

[یه دری واز بود]

چیزی.

[یه چیز]

[یه چیزی]

1. The verb usually comes at the end of the sentence.



مُفْرَد و جَمْع

plural

singular

۴.

مفرد + «ها» [ا] ← جمع

men	مرد + ها ← مَردها
horses	اَسب + ها ← اَسبها
horses	[اَسب + ا ← اَسبا]

تمرین ۱۹

بشنوید و تکرار کنید:

those, they.	آنها [اونا]
the fathers.	پدرها [پدرا]
some fathers.	پدرهایی (= ی)
some fathers.	[پدرایی]
the books.	کتابها [کتابا]
some books.	کتابهایی [کتابایی]

some books. [یه کتابایی]

the things. چیزها

some things. [یه چیزایی]

آن بچه (= بیچ چه)

هفت بچه

آن هفت بچه

بچه‌ها

بچه‌هایی

آن [اون] بچه‌ها آمدند [اومدن]

Everybody (= all) went. همه رفتند [رفتن]

All of them went. همه (= ی) آنها رفتند.

تمام بچه‌ها رفتند.

all the night. همه شب

all the night. تمام شب

all nights. همه شبها

all nights. تمام شبها

این پنج پسر دوباره آمدند [اومدن]

When did these ladies come here? این خانمها کی اینجا آمدند؟

بخش ۲

تمرین ۲۰

به فارسی بنویسید:

1. The door was closed.
2. A door was shut.
3. All doors were closed.
4. All these doors were closed.
5. Some doors were shut.
6. A man was here yesterday.
7. All men were always there.
8. Some men were here the day before yesterday.
9. All children came.
10. Those three ladies went the day before yesterday and came (back) yesterday.
11. When did that boy come here?

۵.

اِسْمَ وَ صِفَتِ

adjective

noun

اِسْمَ + { يَ } + صِفَتِ

مَرَد + يَ + گُرُسَنَه ← مَرَدِ گُرُسَنَه the hungry man.

هَوَا + يَ + خُوب ← هَوَايِ خُوب good weather.

تمرین ۲۱

بشنوید و تکرار کنید:

دخترِ زیبا

مَرَدِ جَوَان

1. The adjective usually follows the noun. It is joined to the qualified noun by an -e (or -ye when the word ends in a vowel other than /) to the end of the noun.

هَوایِ سَرَد

لیمویِ تُرَش

پَنَجِرَه (= ی) باز

خانَه (= ی) بزرگ

خانَه بزرگی^۱

a big house

چیزِ خوب

bad things.

چیزهایِ بَد^۲

مردهایِ گُرسنه

some big houses.

خانه‌هایِ بزرگی

which beautiful girl?

کدام [کدوم] دخترِ زیبا؟

which big houses? کدام [کدوم] خانه‌هایِ [خونه‌هایِ] بزرگ؟

these two closed windows.

این دُو پَنَجِرَه (= ی) بسته

that pretty white cat.

آن گُربهٔ سِفیدِ قَشَنگ^۳

this old and dirty door.

این دَرِ کثیف و کهنه

1. The indefinite suffix – i is attached to the adjective.

2. Plural nouns always take singular adjectives.

3. Adjectives can follow each other by either – e joined to the preceding one or va, o "and" between the two.

تمرین ۲۲

بشنوید و بنویسید :

هوای گرم.

پَرِروز هوا گرم بود.

اسب سفید.

این اسبها سفید هستند.

سیبهای سبز ترش هستند.

انگورِ زرد شیرین است.

آن پدرِ پیر سه پسرِ جوان دارد.

این مادرِ جوان دو بچهٔ کوچکِ تمیز دارد.

Those old women went slowly. آن زنهای پیر آهسته رفتند.

اینجا همیشه هوا سرد است.

آن چیزهای خوب کجا هستند؟

[اون مردِ گُشنه کی اومد؟]

۱ - ۶ { چه عَجَبْ } + اسم ... + ی ! ! What a!

چه + شَب + ی ← چه شَبی! What a night!

عَجَب + شَب + ی ← عَجَب شَبی! What a night!

تمرین ۲۳

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی! What a day!

عَجَب روزی! What a day!

چه روزِ خوبی! What a nice day!

بِهَبَه عَجَب روزِ خوبی! How nice! What a nice day!

بِهَبَه چه خانه (= ی) تمیزِ زیبایی! How nice! What a beautiful clean house!

چه پنجره زشت و کهنه ای (= ی)! What an old and ugly window!

عَجَب شَب سردیست [سردیه]! What a cold night it is!

چه مُعَلِّم خوبی!

چه خانه هائی! What houses!

چه لیموهای شیرینی! What sweet lemons!

1. Surprise is expressed by the word **che** 'what' before nouns, adjectives, adverbs, and an-! after them. When the surprise is great and intensive, the word *ajab* 'wonder' is used.

۲ - ۶ { چه } + { صِفَت }
 how.....! { فعل }
 how bad (it is)! چه بد!

how sour it is! عَجَب تُرْشِه!
 عَجَب + تُرْشِه

تمرین ۲۴

بشنوید و تکرار کنید:

How nice! چه خوب!

How beautiful it is! چه زیباست!

How nice it is! عَجَب خوبه!

How nice it is! چه خوبه!

How bad it is! چه بد!

How fast she went! عَجَب تُوْد رَفْت!

How slowly he, she, it came! [چه یواش اوَمَد!]

چه سَرْدِه!

این سِیْب عَجَب تُرْشِه!

[اون مَرْدِ پیر عَجَب گُشْنَه س!]

هوا عَجَب گَرْمِه!

این آب چه کَثِیف و داغِه!

۷. چه + اسم... + ی؟

چه پول + ی ← چه پولی؟ What money?

چه کتاب + ی ← چه کتابی؟ What book?

تمرین ۲۵

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی؟ What day?

چه روزی! What a day!

چه کتابِ کهنه‌ای؟ What old book?

چه کتابِ کهنه‌ای! What an old book!

چه کاغذهایی؟ [چه کاغذایی؟] What papers?

[چه کاغذایی!] What papers!

چه قلم‌های سیاهی؟ [چه قلم‌های سیاهی؟] What black pens?

چه کسی^۲ آنجاست؟ [چه کسی اونجاست؟] What person is there?

چه کسی دیروز اینجا بود؟ What person was here yesterday?

چه چیزهای قشنگی اینجا است! What pretty things are here!

1. چه is only a question word when it is stressed. In this case, the structure has no implication of surprise. 2. kas = person

تمرین ۲۶

Make sentences:

جمله بسازید:

۱. سیاه ، گُربه ، آنجا ، است.
۲. این ، گرم ، آب ، است.
۳. آست ، او ، تشنه ، و ، گُرسنه.
۴. آن ، زرد ، سگ ، بچه ، پنج ، دارد.
۵. خاتم ، این ، جوان ، پسر ، دارد ، یک.
۶. ترش ، بد ، است ، انگور.
۷. کُهنه ، پنجره ، و ، است ، کثیف.
۸. اینجا ، بنشین ، و ، بیا.
۹. کثیف ، دیوار ، است ، زشت.
۱۰. مرد ، پیر ، و ، تمیزی ، بود ، اینجا.

تمرین ۲۷

بشنوید و تکرار کنید:

ناصر: ^۱[سَلام].

پروین: ^۲سَلام.

ناصر: امروز هوا چطوره؟

پروین: یه کمی ^۳سَرده.

ن: هوای سَرده خوبه؟

پ: نه زیاد. ^۴

ن: پریروز هوا چطور بود؟

پ: خیلی ^۵گرم بود.

ن: اون پنجره بازه؟

پ: نه، ^۶بسته س.

ن: اون زنهای جَوون کی رَفَتَن خونه؟

پ: اونا پریروز اینجا بودن ولی ^۷دیروز همه رفتن.

1. A male name. 2. hello. 3. A female name, 4. a little. 5. not much. 6. very, much. 7. no. 8. but.

ن: اون زنِ پیر گُرسنه س؟

پ: بله، خیلی گُشنه س.

ن: دَرِ بزرگ بازه.

پ: دَرِ کوچیک هم^۱ وازه.

ن: این سیبای سبز همه تُرشن.

پ: آنگورام (= انگورها هم) تُرشن.

ن: ساعت چنده^۲؟

پ: هفت و یازده^۳ دقیقه.

ن: خُداحافظ^۴.

پ: خُداحافظ.

1. too, also. 2. What is the time? 3. eleven, 4. bye bye, good bye.

درس ۵

بخش ۱

واژگان

head	سر
hair	مو
eyebrow	آبرو
eye	چشم [چشم]
lip	لب
face	صورت
ear	گوش
hand	دست
foot, leg	پا
skin	پوست

friend	دوست
wife	زَن، خانم
husband	شوهر
name	اسم
teacher	مُعَلِّم
professor	اُستاد
student, pupil	شاگرد
university student	دانشجو
elementary school	دِستَان
secondary school	دَبیرِستان
university	دانشگاه
tea	چای [چایی]
cube sugar	قند
sugar	شِکر
milk	شیر
coffee	قهوه
bread	نان [نون]
cheese	پنیر

butter	کَرِه
yoghurt	ماست
date (palm)	خُرْمَا
fruit	میوه
cherry	گیلاس
pear	گلابی
peach	هَلُو
orange	پُرْتِقَال
tangerine	نارِنگی
garden	باغ
tree	دِرَخْت
unripe	کال، نارَس
condition (of health), present	حال
fat	چاق
thin	لاغر
light	سَبْک
heavy	سَنگین
salty	شور

bitter	تلخ
right	راست
left	چپ
colour	رنگ
red	قرمز، سُرخ
blue	آبی
brown	قهوه‌یی
animal	حیوان [حیوون]
ass, donkey	خر، اُلاغ
cow	گاو
calf	گوساله
sheep	گوسفند
meat, flesh	گوشت
city	شهر
country	کشور
eleven	یازده
twelve	دوازده
thirteen	سیزده

fourteen	چهارده [چارده]
fifteen	پانزده [پونزده]
sixteen	شانزده [شونزده]
seventeen	هفده [هيوده]
eighteen	هجده [هيژده]
nineteen	نوزده
twenty	بيست [بيس]
still, yet	هنوز
below, underneath	زير
top, surface	رو

مَن ← مَ
am

تُو ← ی
are you (sing.)

او ← [اون] ست [ه]
is he/ she/ it he/ she

ما ← یم
are we

شُما ← ید [ین]
are you

ایشان [ایشون]، آنها [اونا] ← ند [ن]
are they/ those they

تمرین ۲۸

بشنوید و تکرار کنید:

I am. مَن + مَ ← مَنَم

You (sing.) are. تُو + ی ← تویی

He/ she is. او + ست (= اَست) ← اوست

He/ she/ it is. [اون] + ← [اونه]

1. You have noticed that '(he, she, it) is' is expressed by the addition of '- a/- st' to the words, other than the verbs. The rest of the series, e. g. (I) am, (you) are, etc. can be expressed in the same way but by different suffixes as the above. 2. The second person singular is only used in speaking to the inferior, intimate friends, or members of the family.

We are. ما + — یم ← مایم

You are. شما + — ید ← شماید

You are. [شما + — ین ← شمایین]

They are. ایشان + < — ند ← ایشانند

[ایشون + < — ن ← ایشونن]

They are. آنها + < — ند ← آنهایند

They are. [اونا + — ن ← اونان]

تمرین ۲۹

بشنوید و تکرار کنید:

(I) am well. خوب + م — ← خوبم

I am well. من خوبم

(you) are well. خوب + ی — ← خوبی

You are well. تو خوبی

1. The Personal Pronouns can be used with their corresponding suffixes to emphasize the subject.

(he/she/it) is well. خوب + ِست (= است) ← خوبست

(he/she/it) is well. [خوب + ِست ← خوبه]

He/she is well. او خوبست

He/she/it is well. [اون خوب + ِست ← اون خوبه]

(we) are well. خوب + یم ← خوبیم

We are well. ما خوبیم

(you) are well. خوب + ید ← خوبید

(you) are well. [خوب + ین ← خوبین]

You are well. شما خوبید [خوبین]

(they) are well. خوب + ند ← خوبند

They are well. ایشان خوبند

They are well. [ایشون خوب + ِن ← خوبَن]

They are well. [اونا خوبَن]

تمرین ۳۰

Write into Farsi:

به فارسی بنویسید:

- | | |
|--|--|
| 1. (it) is pretty. | 14. [What is that?] |
| 2. I am still young. | 15. The fruits are all unripe. |
| 3. (it) is bad. | 16. [Where am I now?] |
| 4. These clothes ¹ are clean. | 17. [This old tree is still green.] |
| 5. That old woman is still beautiful. | 18. [The old shoes ³ are here.] |
| 6. (a) dirty dress ² is very bad. | 19. Where is the wise old man? |
| 7. Where are (you)? | 20. We are all well. |
| 8. How is he? | 21. [You (sing.) are thirsty, not hungry.] |
| 9. [How is (it)?] | 22. [it (=the air) is cool today, not cold.] |
| 10. Which city? | 23. [You are still a little (too) fat.] |
| 11. [Which student is here?] | 24. Where is he now? |
| 12. Who is ugly? | 25. She was here (for) eight weeks. |
| 13. What is this? | |

بخش ۲

Genetive اضافه ۹.

اسم + { -ی } + اسم / ضمیر
pronoun

father's eye چشم پدر

his ear گوشی او

your eyebrow ابروی شما

Hassan's house خانه (= خانه‌ی) حسن

1. The genetive is formed by adding an -e (or -ye when the word ends in a vowel other than /) to the end of the governing noun, which precedes the governed word. This -e is similar in function to the English 'of' and 's'.

2. ی (- ye) is added to the noun when it ends in a vowel.

تمرین ۳۱

بشنوید و تکرار کنید :

mother's hand (= the hand of mother)

دَسْتِ مَادَرِ

my two feet (= the two feet of me)

دو پايِ مَن

مويِ پروين

your friend's pear

گلابي دوستِ شُما

قهوه (= ي) تَرْكِيه^۱

Miss / Mrs. Hassani

خانمِ حَسَنِي

Mr. Shakeri

آقایِ شاکِری

the country of Iran

کِشورِ ایران

شهرِ شیراز^۲

شوهرِ ایران^۳

زَنِ فَرهاد^۴

برگِ سبزِ درخت

whose horse?

اَسبِ کي؟

-
1. Turkey.
 2. A city in the south of Iran.
 3. A female name.
 4. A male name.

[اون اَسبِ كيه؟]

veal (= the meat of calf)

گوشتِ گوساله

beef (= the meat fo cow)

گوشتِ گاو

red colour (= the colour of red)

رَنگِ سُرخ

رَنگِ پُوستِ برادرِ من سیاهست [هه]

under the table (= under of table)

زیرِ میز

on the paper (= on top of paper)

رویِ کاغذ

به فارسی ترجمه کنید:

Translate into Farsi:

1. His wife.
2. Her husband.
3. My friends
4. Your (sing.) eyes.
5. Your students.
6. Our professor.
7. Your teacher's name.
8. My right hand.
9. His wife's left eye (= the left eye of his wife).
10. Mutton (= the meat of sheep).
11. The brown dress of Babak's teacher.
12. My son's tea.
13. The university of Tehran is very big.
14. That green tangerine is unripe.
15. Your fifteen cherries are all red.
16. Donkeys are good animals (= donkey is a good animal).

17. Esfahan is a beautiful big city.
18. Milk is white but coffee is brown.
19. Who are those thin women ?
20. Those fat men were here yesterday.
21. (the) small garden.
22. (the) walls of my friend's big garden.
23. The yellow cherries are very small (= tiny).
24. These sixteen peach trees (= the trees of peach).
25. (the) weather (=air) of Tabriz city (=city of Tabriz) is always cold.
26. Her sister's blue dress is still new, but your (sing.) wife's red dress is old.
27. Twelve students and seventeen university students.
28. This is a pear tree and that is an orange tree.
29. There is a white horse under the tree (= a white horse is under the tree).
30. Those five books are on the table, and that heavy clock is on the wall.
31. A black and white cat is on the tree.
32. Your left hand is on my right eye.
33. The colour of the hair of their son's teacher is red (= the colour of the hair of the teacher of the son of they).

تمرین ۳۳

بشنوید و تکرار کنید:

mine	۱۰. مالِ مَنْ
yours (sing.)	مالِ تُو
his, hers	مالِ او [اون]
ours	مالِ ما
yours	مالِ شما
theirs	مالِ آنها [اونا] ایشان [ایشون]
whose?	مالِ کی؟
Ali's	مالِ علی
	این مالِ من است.
	[این مالِ منْه]
	آن چایِ شیرین مالِ تُوست.
	[اون چایی شیرین مالِ تُوْس]
	این نان و کره مالِ اوست.
	[این نون و پنیر مالِ اونه]

آن قَهْوَه (= ی) تَلَخ مالِ کیست؟

[اون قَهْوَه تلخ مالِ کیه؟]

ماستِ تُرَش مالِ دوستِ ماست.

[ماستِ تُرَش مالِ دوستِ ماس]

آن میوه‌های شیرین مالِ باغِ پدرِ خانمِ شماست.

Those sweet fruits belong to the garden of your wife's father.

این صَندلیهای قَهْوَه‌یی مالِ اُتاقِ آنهاست.

[این صندلیای قَهْوَه‌یی مالِ اُتاقِ اوناس]

Put into Farsi and repeat:

به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. This is mine, but where is yours?
2. That big house is still theirs.
3. What is hers?
4. This book was yours (sing.) yesterday, but is his now.
5. This country is always ours.
6. All good things belong to your city.
7. These yellow peaches belong to Ali's garden.
8. That blue dress is Iran's.
9. Mine is yours, and hers is the children's.
10. Whose are these very light shoes?
11. Whose tea is this?
12. Whose sister is Sima?
13. These children are ours?
14. That black chair is hers.

بخش ۳

۱۱. ضمیرهای ملکی پیوسته Suffixed Possessive Pronouns

My book کتاب + م = کتاب من

Your (sing.) book کتاب + ت [ت] = کتاب تو

His / her book کتاب + ش [ش] = کتاب او

Our book کتاب + مان [مون] = کتاب ما

Your book کتاب + تان [تون] = کتاب شما

Their book کتاب + شان [شون] = کتاب ایشان

1. The possessive case can also be expressed by the possessive pronouns as the above. If, however, we wish to emphasize the fact of ownership of something the second structure is more frequently used.

When the preceding word ends with /i, á, o, u/a/y/ intervenes between the two vowels in the written form, e.g. *mu + .am* → *muyam*. But in the spoken form the first vowel of the suffix drops, e. g. *mu + et* → *mut*. And when the preceding word ends in e, the e changes into a together with the omission of the initial vowel of the suffix, e. g. *khune + emun* → *khunamun*. But this happens only in the spoken form.

تمرین ۳۵

بشنوید و تکرار کنید:

دَسْتِهائِیتان	پدرَم
[دَسْتاتون]	پدرِ من
رادیوِ پِشان	أبروِیت
[رادیوشون]	[أبروت]
دانشجویِیتان	ابرويِ تُو
دانشجویِ جَوَانِیتان ^۱	بَچَه آش
أَسبِ سفیدِ زیبايِم	[بَچَش]
پَنجرَه أَتاقِمان	گُلابِیمان (= گلابیِ مان)
لباسهایِ کثیف و کُهنه‌آت	[گُلابِیْمون]
[لباسایِ کثیف و کُهنَت]	پایِمان
	[پامون]

1. When the noun is accompanied by some other elements such as nouns, adjectives, etc. the pronoun joins the last part of the structure.

خُود + ضمیرِ ملکی / اسم^۱

myself خُود + م ← خُودَم = خُودِ من

yourself خُود + ت [ت] ← خُودَت = خُودِ تو

herself / himself خُود + ش [ش] ← خُودَش = خُودِ او

ourselves خُود + مان [مون] ← خُودِمان = خُودِ ما

yourselves خُود + تان [تون] ← خُودِتان = خُودِ شما

themselves خُود + شان [شون] ← خُودِشان = خُودِ ایشان / آنها

1. For further emphasis the word *khod* 'self' may be used with either the suffixed of the pronouns. It may also be used with a qualifying noun.

تمرین ۳۶

بشنوید و تکرار کنید:

Nasser himself	خودِ ناصر
the brothers themselves	خودِ برادرها
my father himself	خودِ پدرم
my father himself	پدرم خودش
I myself	من خودم
we ourselves	ما خودمان
you yourselves	شما خودتان
You yourself go!	تو خودت برو.
they themselves	آنها خودشان
My son himself came.	پسرِ من خودش آمد.
She herself went.	خودِ او رفت.
She herself went.	او خودش رفت.
They are themselves.	آنها خودشان هستند.
They are themselves.	[اونا خودِ شوئن.]
The sisters themselves went.	خواهرها خودشان رفتند.

The sisters themselves went.

[خواهرا خودشون رفتن.]

my own friend (= the friend of myself)

دوستِ خودِ من

your own son

پسرِ خودتان

our own house

[خونهٔ خودمون]

تمرین ۳۷

Put into Farsi:

به فارسی بنویسید:

1. My pretty and good girl.
2. Where are their children?
3. Where was your friend last night?
4. His foot is under the table.
5. Her eleven oranges are on the table.
6. [Our young son is (at) home.]
7. My sister's right ear.
8. Her husband's blue clothes.
9. Their old father's left eye.
10. The old door and window of our room.

11. His wife herself came.
12. Her husband himself went.
13. My daughter's teacher himself was here.
14. [All my sons themselves are there.]
15. I myself.
16. Farhad himself.
17. You yourselves.
18. They were themselves here yesterday.
19. Where is Jaleh herself?
20. Where are they themselves?

تمرین ۳۸

بشنوید و تکرار کنید:

ناصر: [سَلَامٌ عَلَیْکُمْ.^۱

پروین: سلام، حَالَتُون چَطُورِه؟

ن: مَمْنُونَم^۲، خِیلی خُوبِم، حَالِ شِمَا چَطُورِه؟

پ: مَنَم (= من هَم)^۳ خُوبِم، خِیلی مُتَشَكَّرَم.^۴

ن: حَالِ مَادِرَتُون چَطُورِه؟ ایشون حَالَا بَهْتَرَن^۵؟

پ: بَلَه، بَهْتَرَن خُدا رو شُکَر^۶.

پ: بَبَخْشید^۷، اون آقا و خانم کِین؟

ن: آقای ایزدی^۸ و خانمِشون.

پ: دوستِ شِمَا هستن؟

ن: بَلَه، دوستای خُوبِ من.

پ: دوستایِ خودتون یا دوستایِ برادرتون؟

ن: دوستایِ خودِمن.

ن: آقای ایزدی!، بَفَرمایید^۹ اینجا.

1. Hallo to you. 2. thank you (= I am grateful). 3. I too. 4. I am thankful. 5. It is a polite way to use plural pronoun and verb for a singular subject. 6. thank God.
7. Excuse me. 8. A surname. 9. or 10. A polite word for asking somebody to come, to go, to sit, to eat, to speak, etc. depending on the situation.

ن: ایشون آقاي ایزدی، خانم ایزدی.

پ: خوشوقتَم^۱، بِفرمایین.

ایزدی: خیلی مَمْنونَم^۲.

ن: ایشون خانم دُکُتُر^۳ پروین صفا^۴ هَسْتَن.

پ: بِبخشید، شُما بچه هم دارین؟

خانم ایزدی: بله، ما سه بچه داریم، دوپسر و یه دختر.

ن: چَند سال دارَن^۵؟

آقای ایزدی: پُسر امون، یکی شون بیس سال داره و اون یکی

هیوَدَه سال، دخترِ مون یازده سالِشه^۶.

پ: ببخشید، روزا کجا میرَن؟

خانم ایزدی: پسرِ بُزُرگِ مون میره دانشگاهِ تهران، پسرِ کوچکترِ

مون میره دبیرستانِ ابنِ سینا، و دخترِ مون دَستَنِ رازی.

آقای ایزدی: بِبخشید، ساعت چَنده؟

ن: نُه و بیست دَیقَه.

خانم ایزدی: خُداحافظ.

پ: خدانگهدار^۷!]

1. Nice to see you (= I am happy). 2. I am very grateful. 3. doctor, Dr.

4. A surname. 5. How old are they (= how many years have they?). 6. Our daughter is eleven (= is her eleven years). 7. Good bye.

درس ۶

بخش ۱

واژگان

flower	گل
vase	گلدان [گلدون]
blossom	شکوفه
leaf	برگ
jasmin	یاس
narcissus	نرگس
street, avenue, road	خیابان [خیابون]
lane, alley	کوچه
square	میدان [میدون]
road, way	راه

shop	مَغازه
shop	دُکَّان [دُکُون]
department store	فُروشگاه
butcher's shop	قَصَّابی
bakery	نانوایی [نونوایی]
dairy shop	لَبَنیاتی
grocery shop	خواربار فُروشی
green-grocery shop	سَبزی فُروشی
fruitmonger	میوه فُروشی
turkey	بو قَلَمون
chicken	مُرغ
fish	ماهی
onion	پیاز
potato	سیب زمینی
tomato	گُوجه فَرَنگی
lettuce	کاهو
cucumber	خیار
melon	خَرَبُزه

water melon	هِنْدِوانِه [هِنْدونِه]
banana	مُوز
rice	بِرِنج
cooking oil	رُوعَن
egg	تُخْمِ مُرغ
cheap	أَرزان [أَرزون]
expensive	گِران [گِرُون]
morning	صُبْح [صُب]
tomorrow morning	فَرْدَا صُبْح
yesterday morning	دِیروز صُبْح
this morning	اِمروز صُبْح
good morning!	صُبْح بِخیر
breakfast	صُبْحانِه
noon, midday	ظُهر
tomorrow midday	فَرْدَا ظُهر
lunch	ناهار
evening	عَصْر
tomorrow evening	فَرْدَا عَصْر

supper	شام
delicious	لَذِيذ
food	غَذا
people	مَرَدُم
season	فَصْل
spring	بَهار
summer	تابستان [تابِستون]
autumn, fall	پاییز
winter	زِمِستان [زِمِستون]
money	پول
Tuman (Iranian money)	تومان [تُومَن]
Rial (Iranian money)	ریال [اِزار]
Kilo	کیلو
little, few	کَم
a little	کَمی [یَه کَمی]
much, many, plenty	زیاد
more, greater	بیشتر
late	دیر

early, soon	زود
far, distant	دور
near	نزدیک
long	دراز
short	کوتاه
to buy	خریدن
to be	بودن
to go	رفتن
to come	آمدن [اومدن]
to sit	نشستن
of, from, since	از
till, to, as far as	تا
in, into, at	در
to	به
why?	چرا؟
every	هر
everyday	هر روز
everybody, anybody	هرکس، هرکسی

صِفَتِ + - تَر ← صِفَتِ بَرْتَر^۱
مردِ جوان مردِ جوانتر

۱ - ۱۳. صِفَتِ بَرْتَر + اَز^۲

این مرد جوانتر از آن مرد است.

تمرین ۳۹

بشنوید و تکرار کنید:

سیبِ شیرین

سیبِ شیرینتر

این سیب شیرینتر از آنست [اونه].

سیبِ شیرینتر مالِ شُماست [شُماس].

دیروز سردتر از امروز بود.

شُما پیرتر از همه‌اید [این].

کدام خانه بیشتر اُتاق دارد؟

[کُدام خونه بیشتر اُتاق داره؟]

1. The comparative adjective is formed by adding the suffix -tar to the adjective.

2. The English "than" is expressed by az "of, from" which follows the adjective.

این بهتر^۱ است یا آن؟ = این خوبتر است یا آن؟

[این بهتره یا اون؟]

پولِ کی کمتر است؟ مالِ من یا مالِ او؟ [پولِ کی کمتره؟]

کدام [کدوم] راهِ درازتر است [درازتره]؟ از تهران تا رشت^۲
یا از تهران تا کرمان^۳؟

امروز حالم بهتر است [بهتره].

در ایران گوشتِ گوسفندِ گرانتر از گوشتِ گاو است.

مرغِ ارزانتر از گوشتِ گوساله است [گوسالس].

ماهی لذیذتر از مرغ است [مرغه].

خیابانِ [خیابون] ری کوتاهتر از خیابانِ انقلاب است [انقلابه].

آنها دیرتر از ما آمدند و زودتر رفتند.

[اونا دیرتر از ما اومدن و زودتر رفتن].

امشب حالش خیلی بهتر است.

[امشب حالش خیلی بهتره].

اکبر^۴ هجده تومان بیشتر از ناهید^۵ دارد.

[اکبر هیژده تومن زیادتر از ناهید داره].

سه کیلو کاهو خیلی ارزانتر از دو کیلو موز است [موزه].

1. *khub* "good" has two comparative forms, i.e. *khubtar* and *behtar*. The latter is much more common. 2. A city in the north of Iran. 3. A city in the south of Iran.

4. A male name. 5. A female name.

بخش ۲

Superlative adjective صِفَتِ بَرْتَرِین

۱۴.

صِفَتِ + — تَرِین — صِفَتِ بَرْتَرِین^۱

جَوَان + تَرِین — جَوَانْتَرِین

جَوَانْتَرِین مَرَد

زِیْبَاتَرِین زَن

جَوَانْتَرِین مَرَدِهَا

زِیْبَاتَرِین زَنَهَا

1. The Superlative is formed by adding - tarin to the adjective. The superlative adjective always precedes the noun.

تمرین ۴۰

بشنوید و تکرار کنید:

شهرِ بزرگ

بزرگترین شهر

تهران بزرگترین شهرِ ایرانست.

میدانِ فردوسی کوچکترین میدانهای تهرانست.

Ferdowsi Square is the smallest of (all) squares in (= of) Tehran.

اینها کوچکترین میدانهای تهرانند

These are the smallest squares in Tehran.

تمرین ۴۱

بشنوید و تکرار کنید:

دیشب سردترین شبِ سال بود.

تابستان گرمترین فصل است [فصله].

حسنِ بهترین^۱ دانشجویِ دانشگاهِ تهرانست [تهرانه].

برادرِ شما بهترین دوستِ پسرِ من است [منه].

بهار زیباترین فصلِ سالست [ساله].

1. *khub* "good" has two superlative forms, i.e. *khubtarin* and *behtarin*. The latter is much more common.

زیباترین گلها کدام است [کدومه]؟

Which is the most beautiful of the flowers?

یاس قشنگترین گلهاست.

اینها قشنگترین شکوفه‌های باغ شما هستند [هستن].

مغازه (= ی) رضا نزدیکترین مغازه به کوچه ماست [س].

Reza's shop is the nearest one (= shop) to our alley.

[بیشترین پول مال کیه؟]

Whose is the geatest money?

این، بزرگترین اتاق خانه [خونه] من است [منه].

ماهی لذیذترین غذای اوست [اونه].

تمرین ۴۲

به فارسی بنویسید و تکرار کنید: Put into Farsi and repeat:

1. Banana is much more expensive than cucumber.
2. 4 kiloes (of) water-melon is cheaper than 6 kiloes (of) melon.
3. Winter is much colder than automn.
4. Spring is a little cooler than summer.
5. [Your food is much more delicious than mine.]

1. A male name.

6. Mordad is the warmest month of the summer.
7. The best breakfast is egg and butter.
8. [They have thirteen Rials more than you (sing.)]
9. Sepah store is the biggest store in (= of) your city.
10. He went earlier than everybody (= all).

Infinitive مَصْدَرُ ۱۵

۱۵ - ۱ مَصْدَرُ ۲ - ۱ ← سِتاکِ گُذشته^۳
past stem

(He / she) bought. خَرِید ← مَکَن خَرِیدَن

(He / she) went. رَفَت ← مَکَن رَفَتَن

(He / she) came. آمَد ← مَکَن آمَدَن

(He / she) was. بُوَد ← مَکَن بُوَدَن

(He / she) sat. نَشَسْت ← مَکَن نَشَسْتَن

1. The Infinitive of verbs ends in - an. When the - an is taken off the infinitive the remainder will be the Past stem (see also p. 106).¹ The past stem is equivalent to the 3rd. person singular of the simple past tense. 2. The sign (—) means minus. 3. The verbs in Farsi have two stems or roots: past and present. All tenses are derived from these two stems.

سِتاکِ گُذَشته + شِناسهٔ صَرْفی^۱ ← گُذَشته ساده

(I) went. رَفَت + م ← رَفْتَم

I went. مَن رَفْتَم^۲

(you, sing.) went. رَفَت + ی ← رَفْتِی

You went. تُو رَفْتِی

(he / she) went. رَفَت

He, she went. او رَفَت

(we) went. رَفَت + یم ← رَفْتِیم

We went. ما رَفْتِیم

(you) went. رَفَت + ید [ین] ← رَفْتِید [رَفْتِین]

You went. شما رَفْتِید [رَفْتِین]

(they) went. رَفَت + ند [ن] ← رَفْتَنَد [رَفْتَن]

They went. ایشان [ایشون] رَفْتَنَد [رَفْتَن]

They went. آنها [اونا] رَفْتَنَد [رَفْتَن]

1. The verb in Farsi is conjugated, i.e. each person of the verb has a particular ending except the 3rd. person singular in the simple past, which has no ending. The conjugational endings play the role of the subject, and they differ from the to-be suffixes (see p.67) in that they are peculiar to the verb only and have no special meaning. The former endings, on the other hand, can not be used with verbs, and imply the meaning of to be. 2. The personal pronouns (see p.67) can be used with the personal endings to emphasize the subject.

تمرین ۴۳

بشنوید و تکرار کنید :

دیروز سه کیلو سیب‌زمینی از سبزی‌فروشی خریدم.
شما دیروز صُبح دو کیلو گوشتِ گوسفند از قصابی خریدید.
او دیروز عصر دو مرغ و سه ماهی خرید.
امروز صُبح گمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خانه‌مان خریدیم.
[امروز صُبح یه گمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خونمون خریدیم].
پَرِیروز صُبح [صُبح] ساعتِ یازده کُجا بودید [بودین]؟
آنها دیشب ساعتِ نه به خانه‌مَن آمدند.
تُو رویِ این صندلیِ نشستی، ولی دوستت آنجا نشست.
کی به اینجا آمدید؟ و کی اینجا بود؟
چرا دیر آمدید؟
[ببخشید، فقط پنج دقیقه دیر اومدم].

تمرین ۴۴

به فارسی بنویسید:



- | | |
|------------------------|---|
| 1. You sat. | 16. They were. |
| 2. I sat. | 17. You bought. |
| 3. He was. | 18. (we) sat. |
| 4. [They were.] | 19. [They sat on the chairs.] |
| 5. [(they) bought.] | 20. I bought a water-melon. |
| 6. [We came.] | 21. They came from Tabriz ¹ . |
| 7. She went. | 22. I was at home. |
| 8. He came. | 23. Her father bought a small house
last year. |
| 9. You (sing.) bought. | 24. My sister went to Kerman this
morning. |
| 10. I came. | 25. It is a long way from Gilan ² to
Ahvaz ³ (= from Gilan to Ahvaz
is a long way.) |
| 11. You were here. | 26. To me (= to I.) |
| 12. (you) sat. | |
| 13. He sat. | |
| 14. We went. | |
| 15. We were. | |

1. A city in the north of Iran.

2. A northern province in Iran.

3. A city in the south of Iran.

27. To them.

28. To you.

29. To him.

30. To us.

31. To you (sing.).

32. From me (= from I) to you.

33. From us to them.

34. From you to my brother.

35. Since last night.

36. From ten to twelve

37. From 5 o'clock (= hour of five)

to 11 o'clock.

38. From the house to the store.

39. Sooner or later (= late or soon).

40. [All of them were (at) home.]

41. I sat on the chair near him

(= near of him).

می - + ستاکِ حال + شناسهٔ صرفی ← حالِ اخباری
present stem

رفتَن ← رَفْت ← رَو -

می - + رَو + م ← می رَوَم [میرَم]
(I) go.

می - + رَو + ی ← می رَوِی [میری]
(you) go.

می - + رَو + د ← می رَوَد [میره]
(he, she) goes.

می - + رَو + یم ← می رَوِیم [میریم]
(we) go.

می - + رَو + ید [ین] ← می رَوِید [میرین]
(you) go.

می - + رَو + ند [ن] ← می رَوَند [میرن]
(they) go.

1. The present stem is usually derived from the past stem by making some changes. But there are some cases in which the present stem is completely different from the past stem. However, to the present stem the prefix *mi* - and the conjugational endings are added, and this gives the present tense. The present of *budan* 'to be' and *dāshtan* 'to have', however, do not take the prefix *mi*. However, from now onwards the infinitive and the present stem of the verbs will be given.

تمرین ۴۵

بشنوید و تکرار کنید:

خَرِیدَن ← خَرِید ← خَر
 آمَدَن ← آمَد ← آ
 نِشَسْتَن ← نِشَسْت ← نِشِین

مَن هَر روزِ یک کیلو خیار از سبزی‌فروشی می‌خَرَم.
 تو هَر ماه پنج کیلو برنج از خواربارفروشی برادرت می‌خَری.
 پدرِ آفشین^۱ هَر سالِ یک گُلدانِ بزرگ می‌خَرَد.
 [پدرِ آفشین هَر سالِ یه گلدونِ بزرگ می‌خَرَه.]
 ما دَر زِمِستانِ بیشتر از تابستانِ شِگر و رُوغن می‌خَرِیم.
 شما فردا صُبَحِ یک خانۀ کوچِک دَر خیابانِ رِی می‌خَریَد.
 [شما فردا صُبِ یه خونۀ کوچِک تو^۲ خیابونِ رِی می‌خَریَن.]^۳
 مَرَدُم دَر فَصلِ تابستانِ میوه بیشتر می‌خَرَند.
 [مردم دَر فصلِ تابستونِ میوه بیشتر می‌خَرن.]
 چرا مردم دَر فصلِ تابستانِ میوه بیشتر می‌خَرَند [می‌خَرن]؟

1. A male name. 2. A colloquial word for در meaning "in, into". 3. Note that the present tense is usually used for future in colloquial style.

تمرین ۴۶

بشنوید و تکرار کنید:

من امشب به خانه می‌آیم.^۱

[من امشب میام خونه].

از کجا می‌آیی و به کجا می‌روی؟

[از کجا میای و کجا میری؟]

استادِ فارسی هر روز به دانشگاه می‌آید [میاد].

ما هر ماه به اینجا می‌آییم.

چرا ما هر ماه به اینجا می‌آییم؟

[ما هر ماه میایم اینجا].

شما هر هفته به شهر ما می‌آید [میاین].

آنها فردا ساعتِ هشتِ صبح به مشهد می‌آیند.

[اونا فردا ساعتِ هشتِ صُب میان مشهد].

من روی این صندلی می‌نشینم.

1. Persian orthography does not permit of two vowels coming together without a separating consonant. Thus when a suffix beginning with a vowel is to be added to a word ending in a vowel, or a prefix ending in a vowel has to be placed before a word beginning with a vowel, it is necessary to insert a *y* or a *hamze* (glottal stop). In certain cases, however, some other consonants are also used. This spelling is in general reflected in pronunciation. So, instead of *mīām* we write and pronounce *mīyāyam*.

بهزاد^۱ همیشه رویِ [رو] آن [اون] صندلی می‌نشیند [می‌نشین].
 شما کجا می‌نشینید [می‌نشین]؟
 ما زیرِ این درختِ گیلاس می‌نشینیم [می‌نشینیم].
 تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌نشینی]؟
 چرا تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌نشینی]؟
 آنها [اونا] دور از پنجره می‌نشینند [می‌نشینن].
 چرا شما همیشه رویِ این صندلی کوچک [کوچیک] می‌نشینید
 [می‌نشین]؟

1. A male name.

تمرین ۴۷

بشنوید و تکرار کنید:

هَسْتَنْ ← هَسْتِ / اَسْتِ^۱

بوَدَنْ ← بوَد

من فردا شب تا ساعتِ نُه در خانه هَسْتَم.

[من فردا شب تا ساعتِ نُه خونه هَسْتَم.]

تو چهار سال بزرگتر از من هَسْتی.

[تو چار سال بزرگتر از منی.]

چیزی آنجا [اونجا] هَسْت؟

[بله، یه چیزی اونجاس.]

من و آقای عَسْکَری^۲ دوست هَسْتیم [دوستیم].

شما و خانم پروین داوری^۳ خواهر هَسْتید [خواهرین].

بچه‌های آقای سالار^۴ زیبا هَسْتند [زیبان].

چرا لباسش کثیف است؟

چرا بابک ساعتِ یازده صبح خانه است؟

[چرا بابک ساعتِ یازده صُب خوَس؟]

1. This infinitive, which is actually an imaginary one, has rather the meaning of 'to exist', 'there is', etc. and is never used in its own right. 2. This form, being the only exception to rule (see p. 97), is the present stem of the verb 'to be' and is equivalent to the 3rd. person singular.

3. This form is only used in the 3rd. person singular.

4, 5, 6. A surname.

تمرین ۴۸

به فارسی بنویسید:

1. Where will you be (= are you) tomorrow evening?
2. When will he come to our house?
3. When will they be here?
4. When are you (sing.) at home?
5. My cat sits under the table.
6. When did you come from France¹?
7. When will (= does) she come from England²?
8. When do you go shopping³?
9. Where do you sit? Near the apple tree or far from it?
10. What does your friend buy? Chicken or fish or turkey?
11. My wife bought 3 kiloes of potato and one kilo of veal.

Potato was cheap but veal was very expensive.
12. Why is potato much cheaper than beef?
13. Why do they go to America⁴ every year?
14. Why do you come late, and go early (= soon)?

۱. فرانسه ۲. انگلیس ۳. خرید ۴. آمریکا

15. What are you going to sit on? (= on what do you sit?)
16. How did you come as far as here?
17. I was at the school¹ till 9 o'clock in the evening (= the hour of nine of night).
18. I will buy a little of butter from your father's shop.
19. Come (and) sit near me.
20. I am much shorter than your elder brother.

تمرین ۴۹

جمله بسازید:

۱. تومان، پیاز، دو کیلو، یازده، (هستن)
۲. شب، فردا، کجا، شما، (رفتن)
۳. کوچک، — تر، برادر، من، کی، (رفتن)
۴. حسن، پسر، دیروز، شش، کیلو، هندوانه، (خریدن)
۵. آقای، مغازه، حسنی، کدام، خیابان، در (هستن)
۶. پیر، — ترین، دانشگاه، شیراز، استاد، کی (هستن)
۷. او، کدام، زیر، درخت، (نشستن)

۸. ساعت، دیشب، هشت، کجا، آنها، (بودن)
۹. مال، من، قشنگ، یا، — تر، گربه، شما (بودن)
۱۰. کدام، از، کشور، تُو (آمدن)
۱۱. دیروز، بهزاد، ساعت، دُو، دیر، (آمدن)
۱۲. چرا، دیر، شب، هر، تُو، خانه، به، (آمدن)
۱۳. شهر، کدام، به، حالا، تُو، (رفتن)
۱۴. من، عصر، فردا، سینما، به، (رفتن)

تمرین ۵۰

جوابِ سؤالهای زیر را در یک جمله بنویسید:

Write a sentence in reply to the following questions.

۱. بزرگترین کشورِ جهان^۲ کدامست؟
۲. نام^۳ کشورِ شما چیست؟
۳. سردترین فصلِ سال کدامست؟
۴. فردا کجا میروید؟ (بازار^۴)
۵. [رنگِ لباسِتون چیه؟] (قهوه‌ای)
۶. اسم بزرگترین شهرِ کشورتان چیست؟

1. Cinema.

2. World.

3. Name.

4. Market, bazaar.

۷. [اسم خودتون چیه؟]
۸. روزها کجا هستید و شبها کجا؟ (اداره^۱، خانه)
۹. به نظر شما^۲ پاییز بهتر است یا بهار؟
۱۰. به نظر شما رنگ سفید قشنگتر است یا رنگ آبی؟
۱۱. شما در تابستان میوه بیشتر میخرید یا در زمستان؟
۱۲. میوه در چه مغازه‌ای هست؟
۱۳. از چه دگانی نان میخرید؟
۱۴. از چه فروشگاه‌های برنج و روغن میخرید؟
۱۵. در شهر شما گوشت گرانتر است یا تخم‌مرغ؟

تمرین ۵۱

بشنوید و تکرار کنید :

A telephone call

یک گفت و شنودِ تِلْفُنِی

احمد^۱ راجی^۲: دو... دو... هشت... یک... نه... یک... اَلُو...

منزلِ آقایِ مهندس^۳ کیوان^۴؟

:بله، بفرمایین.

احمد: آقایِ مهندس هستن؟

گوشی^۵...، کیوان، تِلْفُن...

کیوان: بنده^۶ مهندس کیوان، بفرمایین.

احمد: سلام، مهندس جان^۷، من احمدِ راجی.

کیوان: سلا...م احمد جان، حالتون چطوره؟ خوبین؟

احمد: آره^۸، خوبم، خیلی مُتَشَكَّرَم، شما چطورین؟، بچه‌ها خوبن؟

کیوان: مَمْنونم^۹، همه خوبن.

احمد: پسرِتون از ایتالیا^{۱۰} اومد؟

کیوان: آره، پریروز ساعتِ شیشِ صُب اومد.

1. A male name. 2. A surname. 3. Engineer. 4. A surname. 5. Hold on the line.
6. 'slave', a formal and humble expression for the pronoun I. 7. A very friendly expression, equivalent in meaning to 'dear', used after the names of intimate friends, children etc.
8. An informal word for 'yes', mostly used in Tehran. 9. Thank you. 10. Italy.

احمد: حُب (= خوب)، چشم شما روشن^۱.
 کیوان: مُتَشَكِّرَم. خائِمِ شما کی از هِنْد^۲ میان؟
 احمد: اوْنَم (= اون هَم) فردا شب ساعتِ ده میاد.
 کیوان: حُب^۳ (= خوب) چشمِ شُمام (= شما هَم) روشن. چه ساعتی
 میرین فرودگاه؟
 احمد: ما ساعتِ هَف میریم فرودگاه^۴.
 کیوان: ما هَم میاییم. ولی یه کمی دیرتر. هواپیما^۵ چه ساعتی
 می‌شیننه؟
 احمد: ساعتِ هَشْتِ شب. خوشبختانه^۶ زود میاد.
 کیوان: باشه^۷. ما ساعتِ نُه میاییم. شما کجا می‌شینین؟
 احمد: تا آمدنِ شما ما نزدیکِ اِطْلَاعات^۸ می‌شینیم.
 کیوان: خوبه^۹. تا فردا شب، خُداحافظ.
 احمد: قُربانِ شما^{۱۰}.

1. A complementary phrase, equivalent in meaning to "how nice it is! congratulations etc." addressed to some one who has had a passenger, dear guest, new born child, etc. 2. India.
 3. Well. 4. Airport. 5. Aircraft. 6. Fortunately. 7. O.K. 8. Information desk. 9. All right. 10. A complementary expression used for good bye, thank you, etc.

درس ۷

واژگان

spoon

قاشق

fork

چَنگال

knife

کارد

glass

لیوان

a small glass for tea

اِسْتِکان

cup

فَنجَان [فَنجُون]

saucer

نَعْلَبَکِی [نَلَبَکِی]

teapot

قوری

plate

بُشَقَاب

sock, stocking

جوراب

trousers	شلوار
jacket	کُت
shirt	پیراهَن [پیرَن]
tie	کِراوات
hat	کُلاه
vest	زیرپوش
pants, underpants	شُورت
pyjamas	پیژامه [پیجامه]
headdress, kerchief	روسری
Islamic headdress	مَقنَّعه
veil	چادر
skirt	دامَن
glove	دَسْتِکِش [دَسِکِش]
coat, overcoat	پالتو
handkerchief	دَسْتَمال [دَسمال]
pocket	جیب
button	دُکمه [دُگمه]
collar	یَخه [یَقه]

tight	تَنگ
loose, loose fitting	گُشاد
long, high	بُلند
size	اَندازه
thirty	سی
fourty	چهل [چل]
fifty	پَنجاه [پنجا]
sixty	شَصت [شَص]
seventy	هَفتاد
eighty	هَشتاد
ninety	نَوَد
hundred	صَد
thousand	هزار
million	میلیون [مِلیون]
matter, story, subject	مُوضوع
price	قِیمَت
pair	جُفت [جُف]
half	نصف

half	نیم
quarter (usually for time)	رُبْع [رُب]
sometimes	گاهی
often, very often	أَغْلَبَ
next, then	بَعْدَ
after	بَعْدَ أَزْ
afternoon	بَعْدَ أَزْ ظَهْر
ago, before	قَبْلَ
before	قَبْلَ أَزْ
later, then	بَعْدَ (= بَعْدَ)
already	قَبْلَ (= قَبْلَ)
usually	مَعْمُولاً (= مَعْمُولَ)
nearly, almost, about	تَقْرِیباً (= تَقْرِیبَ)
please	لُطْفاً (= لُطْفَ)
time	دَفْعَه [دَفْه]
time	بَار
once	یَکْ دَفْعَه / یَکْ بَار

1. Usually used for fragments of numbers, time, weight, and the like, e.g. *nohonim* "nine and (a) half", *hashto rob* "eight and (a) quarter", *nim kilu* "half (a) kilo", etc.

twice	دُوبار / دُو دفعه
few, how many?	چَند [چَن]
few, how many?	چَندتا [چَن تا] ^۱
several, many	چَندین
how much?	چَقدر [چَقَد]؟
in, into, inside	توی [تو]
with	با
for	برای [برا]
only	فَقَط
to eat, to drink	خُورَدَن
to give	دَاَدَن
to see	دِیدَن
to say, to tell	گُفَتَن
to have	دَاشَتَن

1. The word *chand* and also the Cardinal Numbers, other than *yek*, are usually followed by the particle *tâ* when used with tangible nouns. It can not, therefore, be used with units of time, weight, money, etc. This *tâ*, infact, helps the idea of plurality to become more concrete. This structure is, however, mostly used in the colloquial style.

۱۸. مفعولِ صریح و مفعولِ غیر صریح

۱۸-۱ اسم / ضمیر + را [رُ] ← مفعولِ صریح^۱

۱۸-۲ حرفِ اضافه + اسم / ضمیر ← مفعولِ غیر صریح^۲

خانه + را ← خانه را

شما + را ← شما را

به + شما ← به شما

1. The Direct Object of a verb is usually indicated by the use of the postposition *râ* (colloquially *ro*), which is suffixed to the word or to the last word of a word group constituting the object. The particle *râ* also gives the object a sense of definiteness if it has not already received *-i*, the indefinite suffix (see p. 48). The direct object will have a general or generic sense when it is used without *râ*.
2. The Indirect object is always preceded by a preposition.

تمرین ۵۲

بشنوید و تکرار کنید:

- | | |
|--|------------------------------------|
| I bought the book (already referred to). | کتاب را خریدم. |
| I bought a book. | کتابی را خریدم. |
| I bought book (s) (with) all my money. | تمام پولم را کتاب خریدم. |
| I saw him. | او را دیدم. |
| I bought their small house. | خانه کوچک آنها را خریدم. |
| My daughter came home with me. | دخترم با من به خانه آمد. |
| She told me her name. | اسمش را به من گفت. |
| (you) bought this headdress for | این روسری را برای مادرتان خریدید. |
| your mother. | [این روسری رو برا مادرتون خریدین.] |
| Where did you buy this pretty | این دامن قشنگ را از کجا خریدی؟ |
| skirt from? (= from where?) | |

مصدر	ستاكِ گذشته	ستاكِ حال
خُوردن	خورد	خور
دادَن	داد	ده
دیدَن	دید	بین
گُفتَن	گفت	گو
داشتَن	داشت	دار

تمرین ۵۳

بشنوید و تکرار کنید:

من بَعْداً شما را می بینم.

آقا و خانمِ راجی دیشب ساعتِ هفت و نیم به دیدنِ ما آمدند.

[شما اونارو اَغْلَب تو فروشگاهِ نزدیکِ خوئشون می بینین.]

اکبر همیشه یک دَسْتَمال توی جیبِ شلوارش دارد.^۱

[اکبر همیشه یه دَسْمال تو جیبِ شلوارش داره.]

1. See footnote 1, p. 102

شما چَند بچَه دارید؟
 شما چَند تا بچَه دارید؟
 [شما چن تا بچَه دارین؟]
 ما سه تا دختر و یک [یه] پسر داریم.
 من فقط یک [یه] بچَه دارم.
 شما چَند جُفت جوراب دارید؟
 [شما چن جُف جوراب دارین؟]
 آنها بیست و چهار^۱ جفت جوراب دارند.
 [اونا بیس و چار جف جوراب دارن].
 دیروز چَند بار او را دیدید؟
 [دیروز چن بار او رو دیدین؟]
 فقط یک دَفه او را دیدم.
 [فقط یه دَفه او رو دیدم].

1. Compound numerals (e.g. sixty three) are formed by expressing the largest numeral first and, then, adding the lesser ones with the conjunction ر (pronounced «O»), e.g. *hezaro sado haft - ádo panj* «1175».

تمرین ۵۴

جاهای خالی را پر کنید:

۱. شما... او... دیدید؟ (کی، را)
۲. او معمولاً... روزهایی... دیدنِ مادر... می‌رو...؟ (به، — ش، چه، — د)
۳. ما فردا عصر... آقای... به... می‌رو... (صفا، سینما، با، — یم)
۴. قبل... من... کسی... دید...؟ (چه، از، را، — ید)
۵. من پدر... شما... چند... قبل... اصفهان دید... (را، سال، بزرگ، در، — م)
۶. [اندازه... شوهر... چند...؟] (یقۀ، — ه، — تون)
۷. امروز... و... خردادِ هزار... سیصد^۲... شصت... یکِ هجری شمسی^۳... (چهار، و، بیست، و، است، و)
۸. ... صبح... کیلو... از... برادر... می‌خَر... (عَسَل، مغازۀ، نیم، تان، فردا، — یم)
۹. امروز بعد... ناهار... و برادرِ تان... در... دوستم... بین... (شما، از، خانۀ، را، — م، می —)
۱۰. ... بزرگِ شما... سال‌دار...؟ (چند، مادر، — د)

1. The third month of Iranian Calendar.
Calendar beginning with the Hegira.

2. Three hundred.

3. Hegira solar. Iranian

۱۱. او نصفِ غذايي... را... من... ده... (به، - ش، - د، می -)

۱۲. [او ... غذا... رو... من ... میده] (نصفِ -، - ش، به)

تمرین ۵۵

choose the right word:

واژه دُرُست را انتخاب کنید:

(نیم، نصفِ)

half of the orange.

۱. ... پرتقال

half an hour.

۲. ... ساعت

two and half an hour.

۳. دو ساعت و...

۴. ... مردم

۵. ... کتاب

۶. ... کیلو

۷. ... خانه

۸. ... شب

۹. ... پول

one hundred ninty five and a half.

۱۰. صدونود و پنج و...

۱۱. ... راه

۱۲. سه و...

۱۳. سه کیلو و...

۱۴. ... هفت

۱۵. ... سه، یک و... است

۱۶. ... موضوع

۱۷. ... قیمت

تمرین ۵۶

واژه درست را انتخاب کنید.

(چند، چَندتا، تا، چقدر)

۱. ... دقیقه.

a few hours.

۲. [یه... ساعت.]

۳. ... شاگرد؟

۴. ... تومان.

۵. ... روز؟

a few kiloes of pomegranate.

۶. [یه... کیلو انار.]

۷. [یه... فنجون.]

۸. [یه... سال.]

۹. ... دفعه.

۱۰. ... ماه.

۱۱. [یه ... بُشقاب.]

۱۲. سه ... گلابی.

۱۳. ... جُفت دستکش.

۱۴. چند ... سیب؟

۱۵. چهل ... قلم.

۱۶. ... شِکر؟

۱۷. ... پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان ... راه است؟

How far is Tehran from Kerman? (= how much way is)

۱۹. از شیراز تا اصفهان ... کیلومتر^۱ است؟

۲۰. ... قاشق و چنگال.

۲۱. ... آب؟

۲۲. ... لیوان آب.

۲۳. ... کیلو گوشت.

۲۴. [قیمتِ این پالتو ... ؟]

۲۵. برنج کیلویی ... است؟

1. Kilometer

بخش ۲

تمرین ۵۷

بشنوید و تکرار کنید.

او گاهی قبل از من غذايش را میخورد.

تو معمولاً روزی^۱ سه بار غذا میخوری.

[شما معمولاً بعد از ساعتِ دوازده و نیمِ ناهارِتون رو میخورین.]

آنها [اونا] معمولاً چه ساعتی شام میخورند [میخورن]؟

دیروز چه خوردید و حالا چه میخورید؟

[سه روز قبل چی خوردین؟]

هفته قبل به من چه گفتید و حالا چه میگویید؟

[هفته قبل به من چی گفتین و حالا چی میگین؟]

موضوع چیست [چیه]^۲؟

[جریان^۳ چیه؟]

بعداً جریان را به شما میگویم.

[بعداً موضوع رو به شما میگویم.]

[فقط به کمی از موضوع رو به پسرش گفت.]^۴

کی موضوع را [رو] به زنت میگویی [میگی]؟

1. A day 2. What is the matter? what is (it) about? 3. matter, story. 4. He told his son only a little of the story.

تمرین ۵۸

Choose the right word.

واژه درست را انتخاب کنید.

(قَبْل، قَبْل از، قَبْلًا)

Before supper.

۱. ... شام.

The night before.

۲. شبِ ...

Six months ago.

۳. شش ماهِ ...

۴. ... شما.

۵. ... نصفِ شب.

۶. هفتهٔ ...

I told you already.

۷. ... به شما گفتم.

۸. ... ساعتِ چهار.

Before everything.

۹. ... هر چیز.

Before we go (= before our going).

۱۰. ... رفتنِ ما.

۱۱. پنج سالِ ...

۱۲. ... به او می‌گویم.

(بَعْد، بَعْد از، بَعْدًا)

The next day.

۱۳. روز ...

After one week.

۱۴. ... یک هفته.

After me.

۱۵. ... من.

Six o'clock in the afternoon.

۱۶. ساعتِ شش ... ظُهر.

After 4 o'clock in the afternoon.

۱۷. ... ساعتِ چهار ... ظُهر.

I (will) eat my lunch later.

۱۸. ناهارم را ... می‌خورم.

After eating lunch.

۱۹. ... خوردنِ غذا.

Fifteen years later.

۲۰. پانزده سال ...

ب- + ستاکِ حال ← فعلی امر'

tell (sing.)

ب- + گو ← بگو

tell (pl.)

ب- + گو + یید ← بگویید

تمرین ۵۹

بشنوید و تکرار کنید:

Give me the book.

لطفاً کتاب را به من بده.

لطفاً یک [یه] لیوان آب به او بدهید [بدید، بدین].

لطفاً اسمتان را به پلیس^۲ بگویید [بگید، بگین].

آدرس^۳ خانه‌ات را به پلیس بگو.

امشب فقط سوپ^۴ بخور [بُخور].

1. The *Imperative* is formed by adding the prefix *be -* (or *bi-* before a vowel) to the present stem. It has two persons: singular and plural. The singular do not take any conjugational ending, but the plural takes *id [-in]*.

2. Police 3. Address 4. Soup

[أَوَّلُ سوپ بُخورین، بَعْدَ غذا].

سوپ را [رو] قَبْلَ از عَذا و چایی را [رو] بَعْدَ از غذا بُخور.

لطفاً امروز ظُهر بَرایِ نَهار به خانۀ ما بیایید.

[لطفاً امروز بَرِا نَهار بیاین خونۀ ما].

با من بیا.

با برادرت به خانۀ عَمو بُرو.

[با برادرت بُرو خونۀ عمو].

لطفاً از اینجا بِروید [بِرید، بِرین].

این پیراهن خِیلی آرزان است، آن را بِخَرید.

[این پیرَن خِیلی ارزونَه، اون رو بِخَرین].

تمرین ۶۰

به فارسی بنویسید و تکرار کنید.

1. Please tell (pl.) me the story.
2. Always tell (sing.) the truth.
3. [Dad! buy me (= for me) this green jacket, please. It is nice and cheap.]
4. Come (and) sit near me (= near to me), my son.
5. Sit only on this chair.
6. Eat (pl.) salad² first.
7. [Have (=eat) your tea ten minutes later.]
8. Eat (sing.) your food with spoon and fork.
9. Go (and) see who (it) is.
10. [Please give (pl.) me (= to me) your plate.]
11. Please give (pl.) me a cup (of) coffee.
12. [Please give (=to) my friend a glass (of) water.]
13. Please give (= to) him a small glass (of) tea.

تمرین ۶۱

جاهای خالی را پر کنید.

۱. [... آقا، ... این ... چَند ...؟] (کُلاه، قیمت، ببخشید، — ه)
۲. قبل ... شما دو ... خانم آمد ... اینجا و دو ... سیب زمینی ... — ند.
(کیلو، از، تا، خرید، — ند)
۳. [آقای فروشنده^۱، این ... برا ... خیلی ... — ه، لطفاً ...
کوچیک ... به ... بد ...] (گشاد، من، پالتو، یه، — تر، من، — ید)
۴. [ولی این ... ی^۲ یه ... تَنگ — ...، این ... پسرِ ... خوب ...] (کمی،
برا، یک —، من، ۴، ۴)
۵. [ببخش ... آقا ... فروشنده، این انگورا شیرین ... یا تُرش، ... یی
... ه؟] (ی، —ن، کیلو، چند، — ید)
۶. [خانم، ... خیلی خوبیه، اوّل ... خورین ... بخرین، کیلو ... بیست
... پنج ...] (ب —، بعد، انگور، — یی، و، تومن)

۷. [آقای ...، لطفاً ... که ... تَند... بِرو...، ... هشت و ...، فقط ...
ساعت وَقْتِ ' ... یم (یک، سی، ید، راننده، تر، نیمه، نیم،
ساعت، دار—)

۸. لطفاً ... تریا ... و ... این ... نزدیکِ ... تان ... ید. (صندلی،
بنشین —، نزدیک —، خواهر — یید، روی)

۹. ... جُفت ... و ... زیرپوش و سه ... دُکمه ... من ... — خر.
(تا، چند، چند تا، برای، جوراب، ب —)

۱۰. [این ... برای ... بُلند ...، ... شلوارِ ... — تر ... — خر —].
(شما، شلوار، — ه، کوتاه —، یه، — ین، ب —)

بخش ۳

۲۰. فعلی منفی Negative verb

{ نَ- } + فعل ← فعلی منفی^۱

(I) did not go. نَ + رَفْتَم ← نَرَفْتَم.

(I) do not go. نَ + مِ رَوَم ← نِمِ رَوَم.

You (sing.) do not go! نَ + رُو ← نَرُو.

You (pl.) do not go! نَ + رَوید ← نَرَوید.

تمرین ۶۲

بشنوید و تکرار کنید.

پریروز علی آمد ولی شما نیامدید.^۲

چرا امروز به مدرسه نرفتی؟

هیچکس^۳ در اداره نبود.^۴

هیچ چیز^۵ [هیچ چی] نخوردم.

1. The negative verb is obtained by adding the prefix *na* - to the past tense and imperative, and *ne* - to the present tense. The prefix *mi* - (of the present tense) is retained, but the prefix *be* - (of the imperative) must be dropped. 2. See footnote 1, p. 104. 3. Anybody, no one. 4. Unlike English, the negative expressions such as *hichkas* «no one» *hich chiz* «nothing» *hargez* «never» and the like require negative verbs. 5. Anything, nothing.

آنها دیروز به بازار رفتند ولی هیچ چیز نخریدند.

هیچ^۱ [هیچ چی] پول دارید؟

نخیر^۲، هیچ پول ندارم.

هیچکس^۳ را دیدید؟

نخیر، هیچکس را ندیدم.

این موضوع را [رو] به هیچکس نگو.

به من نگفتید هفته قبل کجا بودید.

هیچوقت^۴ دروغ^۵ نگویید^۶.

چرا غذایت را نمی خوری؟

مجید^۷ کتابهایش را به کسی^۸ نمیدهد.

[مجید کتاباش رو به کسی نمیده].

گرسنه هستی؟

نخیر، من گرسنه نیستم^۹.

تو هیچوقت در خانه نیستی.

مجید شاگرد زرنگی نیست.

ما برادر او نیستیم.

1. Any, none 2. No! 3. Anybody 4. Never (= no time) 5. Lie 6. Never tell lies (=lie)
7. A male name 8. Anybody 9. The negative form of hastam 'I am', hasti 'you (sing.)are'etc. is nistam 'I am not', nisti 'you are not', etc.

شما هنوز پیر نیستید.
 آنها هیچوقت شاد نیستند.
 احمد و ناصر هیچوقت با هم^۱ به مدرسه نمی‌روند.

تمرین ۶۳

Make the following verbs negative.

فعلهای زیر را منفی کنید.

زمان حال	زمان گذشته	امر
من می‌گویم ^۲ [میگم]	گفتم	
تو می‌گویی [میگی]	گفتی	بگو
او می‌گوید [میگه]	گفت	
ما می‌گوییم [میگیم]	گفتیم [گفتین]	
شما می‌گویید [میگید، میگین]	گفتید [گفتن]	بگویید، بگین
آنها می‌گویند [میگن]	گفتند	

1. Together 2. See footnote 1, p.104.

ستاک حال

ستاک گذشته

مصدر

آوردن^۱ ← آورد ← آور [— آر]

بردن^۲ ← برد ← بر

شستن^۳ ← شست ← شوی [— شور]

می‌آورم [می‌آرم]	آوردم [آوردم]
می‌آوری [می‌اری]	آوردی [آوردی]
می‌آورد [می‌آره]	آورد [آورد]
می‌آوریم [می‌آریم]	آوردیم [آوردیم]
می‌آورید [می‌آرید، می‌ارین]	آوردید [آوردین]
می‌آورند [می‌آرن]	آوردند [آوردن]

1. To bring

2. To take away, to carry,

3. To wash

4. See footnote 1, p. 104.

می برَم	بُرَدَم	
می بَرِی	بُرَدِی	
می بَرَد [مِیَرَه]	بُرَد	بِیَر
می بَرِیم	بُرَدِیم	
می بَرِید [مِیَرِین]	بُرَدِید [بُرَدِین]	
می بَرَنَد [مِیَرَن]	بُرَدَنَد [بُرَدَن]	بِیَرِید [بِیَرِین]
شُستَم	می شویم [مِیشورَم]	
شُستی	می شوی [مِیشوری]	
شُست	می شوید [مِیشوره]	بِشوی [بِشور]
شُستیم	می شویم [مِیشوریم]	
شُستید [شستین]	می شوید [مِیشورین]	بشوید [بشورین]
شُستند [شستن]	می شویند [مِیشورَن]	

تمرین ۶۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. مُعَلِّم هَر سَاعَتِ یَک می.....

(سیب، دَه، ما، روز، — خورد)

۲. عَلِی گوشتِ ن خور

(هیچوقت، — می، خوک^۱، — د)

۳. رویِ صندلیِ نشیند، است.

(کثیف، این، ن —، — ید)

۴. چرا یَت با ن شو؟

(صابون^۲، — می، دستها، — یی، را)

۵. مادرِ هر او به می

(روز، را، مدرسه، حمید^۳، — بَرَد)

۶. بچه را خودِ به ن بَر؟

(— می، ها، — تان، سینما، با، — ید، چرا)

۷. هفته او بیش از بار دید.....

(را، یک، قبل، — تر، — م، ن —)

۸. فردا تان برایِ می‌آور

(— م، — تان، کتاب —، را)

۹. پسر به دُرُوغ — می ید.

(— گو —، ن —، من، — م)

۱۰. شما روزی بار ها را شو؟

(چند، معمولاً، می، دست —، — ید، یتان)

1. Pig. 2. Soap. 3. A male name.

تمرین ۶۵

به فارسی بنویسید.

1. How much money do you have?
2. I have two thousand¹ five hundred² and seventy six Tomans.
3. How much time do we have?
4. You have only half an hour (= half hour time).
5. Where does he take his son to (= to where)?
6. [Why don't you bring my food for me?]
7. How many times a week do you see your mother?
8. [Go (and) wash your hands and face with soap.]
9. [Come (sing.) and eat (= come eat), then, go and sit (= go sit).]
10. Take your son with you (= with yourself).
11. Why doesn't she eat this delicious dish³?
12. They sometimes go to see their grand father.
13. How old (= how many years) is (= has) your elder (= big) daughter?
14. Why don't you buy this nice skirt for your wife?

۳. خوراک (Khorâk)

۲. پانصد (Pânsad)

۱. دو هزار (do hezâr)

15. Why didn't you bring your sister with you?

16. How many buttons does his coat have?

17. What are you washing (= do you wash) your hands with? (= with what?)

18. Why doesn't he tell me (= to me) his friend's name?

19. Where are you (sing.) taking (= do you take) these dirty plates?

20. What time (= hour) do you usually eat breakfast?

تمرین ۶۶

بشنوید و تکرار کنید.

سیما خانم و مِهری خانم با هم به خَرید می‌روند.

Miss Sima and Miss Mehri go shopping together.

صدای زنگِ دَرِ خانهٔ مِهری خانم

مِهری: کیه؟

سیما: منم، مِهری خانم.

مِهری: او مَدَم.

مِهری: سلام, به به^۱، خوش آمدین^۲.

1. Oh, lovely.

2. You are welcome.

سیمّا: سلام مہری خانم، حالتون چطورہ؟
 مہری: متشکرم، حال شما چطورہ؟ بفرمایین تو^۱.
 سیمّا: نہ، نیام تو، دیرہ، میرم خرید، شما میایین؟
 مہری: آره، منم (= من ہم) میام، چن دیکہ بیایین تو، یہ استکان چایی
 بخورین، بعد با ہم میریم.
 مہری: خیلی خوش اومدین، چی میخورین؟ چایی یا آب پرتقال^۲؟
 سیمّا: هوا یہ کمی گرمہ، آب پرتقال خنک بہترہ، ممنونم.
 سیمّا: بہ بہ چہ خنکہ! دستِ شما درد نکنہ^۳.
 مہری: خُب. حالا من حاضرَم^۴، پریم^۵.
 مہری: کدوم فروشگاه میریم؟
 سیمّا: فروشگاهِ قدس، ہمہ چیز دارہ.
 مہری: با تاکسی^۶ میریم یا با اُتوبوس^۷؟
 سیمّا: با ہیچکدوم^۸، پیادہ^۹ میریم، نزدیکہ. فقط دہ دیکہ راہہ^{۱۰}.
 مہری: باشہ، پس تندرِ پریم، یہ کمی دیرہ.
 مہری: امروز چی میخرین؟
 سیمّا: خیلی چیزا، یہ جُف کفش، براخودم، شیش تا لیوان، چن تا

1. Come in. 2. Orange juice. 3. Thank you very much (= may your hand not be hurt).
 4. (I) am ready. 5. Let us go. 6. Taxi. 7. Bus. 8. With none of them. 9. On foot.
 10. (it) is ten minutes walk (= way)

کارد و چنگال، چَن تا شُورت و زیرپوش برا پسرَم. شُما چی
میخرین؟

مهری: من فقط یه روسری برا خودم میخرَم، یه دامن هم برا فریده،
دخترم. خیلی پول ندارَم.
سیما: من پول دارَم، حَقْد میخواین^۱ (= میخاین)
مهری: نه، خیلی مَمْنون، هیچ چی.
(در فروشگاه)

سیما: ببخشید آقا، یه جُف کفش برا خودم میخوام^۲.
فروشنده: اندازه تون چنده؟ چه رَنگ میخواین؟
سیما: اندازه پای من چهلَه، رَنگ سفید میخوام.
فروشنده: متأسفانه رَنگ سفید نداریم. صورتی^۳ داریم.
سیما: باشه، بدین لطفاً، قِیمَتش چنده؟
فروشنده: سیصد و هشتاد و پنج تومن.
سیما: خوبه، بفرمایین.
فروشنده: مُبارَکَه^۴!

1. How much do you want?

2. (I) Want.

3. Pink.

4. Congratulation.

درس ۸

دوره Review

تمرین ۶۷

دیکته Dictation

Write in persian letters

با حروف فارسی بنویسید.

1. Pariruz havâ garm bud vali emshab khonak ast.
2. in asbhâ sefid hastand vali ân olâghhâ siâhand.
3. in mâdare javân se bachcheye kuckake tamiz dârad.
4. havâye tehrân dar tâbestân garm va dar zemestân sard ast.
5. in khânome pir yek pesare bist sâle dârad.
6. u hasht hafte injâ bud. 7. ân châyê shirin mâle kist?
8. in sandalihâye ghahvei mâle otâghe ânhâst.
9. ishân khânome doktor parvine safâ hastand.
10. gole narges ghashangtarine golhâst.

تمرین ۶۸

به فارسی بنویسید.

- | | |
|------------------------|--------------------|
| 1. This man. | 17. Go home. |
| 2. Which woman? | 18. A night. |
| 3. From that boy. | 19. One night. |
| 4. To which girl? | 20. Eleven nights. |
| 5. To that room. | 21. A man. |
| 6. In this book. | 22. One man. |
| 7. Which pencil? | 23. Four men. |
| 8. Which gentelman? | 24. To what place? |
| 9. What place? | 25. A woman. |
| 10. On what table? | 26. One woman. |
| 11. Under which table? | 27. Five women. |
| 12. Who to? | 28. ten girls. |
| 13. Where from? | 29. thirteen boys. |
| 14. In this garden. | 30. One hour. |
| 15. Come here. | 31. Six hours. |
| 16. Sit there. | 32. Where is he? |

33. Where is Ali?

37. That dog is in the house.

34. What is on the table?

38. The pen is under the chair.

35. Where is that man?

39. These two pens.

36. That man is here.

40. These two men and three women.

تمرین ۶۹

به فارسی بنویسید.

1. This mother.

12. Who is that lady?

2. Those nine mothers.

13. She is Mrs. Safa.

3. This father.

14. What house?

4. These eight fathers.

15. What city is this?

5. What cat?

16. This is Shiraz.

6. These cats.

17. Come here now.

7. These three cats.

18. Babak is here today.

8. What is this?

19. There is a child here.

9. This is a pen.

20. A man came here.

10. Who is that?

21. There was a horse over there

11. That is a man.

(= a horse was there).

22. There was a flower
under the chair.
23. A window was open.
24. A door was shut.
25. The door of the house.

26. The window of the room.
27. These windows.
28. The windows of the rooms.
29. There is a vase on the table.
30. From this house to that house.

تمرین ۷۰

به فارسی بنویسید.

- | | |
|---|---|
| 1. The children. | 9. The clever driver ⁵ . |
| 2. The clean children. | 10. Which clever driver? |
| 3. These dirty hands. | 11. A fast train ⁶ . |
| 4. These girls. | 12. A close ⁷ friend. |
| 5. These intelligent ¹ girls. | 13. Which fast train goes to Ahvâz? |
| 6. Three intelligent and
clever ² students. | 14. The angry ⁸ driver came again. |
| 7. This new and fast ³ car ⁴ . | 15. Who came again? |
| 8. Which red car? | 16. Yesterday and today. |
| | 17. Come fast and go slowly. |

۱. باهوش ۲. زَرَنگ ۳. سَرِیع ۴. ماشین ۵. رائَنده ۶. قَطَّار
۷. نَزْدِیک ۸. عَصَبانی

18. The sour grapes and the sweet pomegranates.

19. A thirsty dog and a hungry cat.

20. Cold air and warm water.

21. A kind¹ and learned² teacher.

تمرین ۷۱

به فارسی بنویسید.

1. I am healthy.³

8. (Her) aunt⁹ is always sad¹⁰.

2. You are sick (= ill)⁴

9. (My) grandfather¹¹ is very old

3. We are tired⁵.

but still healthy.

4. They are sick and tired.

10. How is (your) grandmother¹²?

5. She is well and happy⁶.

11. (I) am sorry¹³.

6. (His) uncle⁷ is still young

12. His aunt¹⁴ was in the hospital¹⁵

and chearful.⁸

yesterday.

7. Where are (you)?

13. Your uncle¹⁶ is here now.

۱. مهربان [مهربان] ۲. باسواد ۳. سالم ۴. مریض، بیمار ۵. خسته ۶. خوشحال ۷. عمو
(father's brother) ۸. شاد، شاداب ۹. خاله (mother's sister) ۱۰. غمگین ۱۱. پدر بزرگ ۱۲.
مادر بزرگ ۱۳. مُتأسف (moteassef) ۱۴. عَمّه (father's sister) ۱۵. بیمارستان ۱۶. دایی
(mother's brother)

تمرین ۷۲

به فارسی بنویسید.

1. What a lovely¹ day!
2. How fat she is!
3. What a long and tiresome² road!
4. How heavy this table is!
5. How nice it is!
6. You bought two kiloes (of) honey.³
7. What book did (you) buy?
8. Which car goes faster?
9. Which shop is nearer to your office.
10. Whose is this unripe pear?
11. This intelligent young man is Mr. Hassani's son.
12. These sour apples belong to my uncle's garden.
13. Whose are these old shoes, yours or his?
14. From which fruitmonger do they buy fruits (= fruit)
15. How far (= as far as where) do we go?

۳. غسل

۲. خسته کننده

۱. خوب

تمرین ۷۳

جاهای خالی را پر کنید.

۱. من خود ... آنجا بودم.
۲. شما خودتان آمد...
۳. ما خود ... در بیمارستان بود ...
۴. علی خود ... روی این صندلی می‌نشینه ...
۵. تو خود ... به یزد^۱ آمد ...
۶. آنها خود ... به کرمان رفته ...
۷. خودِ تو ... لبنیاتی نزدیکِ خانه‌تان شیر ... گره خرید ...
۸. آقای دکتر صفا خودتان هسته ...؟
۹. صندلی شما رنگ ... سفید ...
۱۰. خانهٔ خودِ او در آبادان^۲ ... ولی مالِ برادر ... در چه شهر ...
است؟

1. A city in the center of Iran.

2. A city in the south of Iran.

تمرین ۷۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. پسرَم هر روز به مدرسه رَو
۲. من کی؟
۳. او مادر بیمار
۴. پدرِ تو پیر از پدرِ من
۵. خواهرِ زهرا زیبا از لیلّا
۶. سیما فداکار^۲ زنِ روستا^۳ی ما
۷. این دو برادر هر هفته مغازه^۴ من آ
۸. شما و دخترتان دیروز از نُه و ده دقیقه ساعتِ ده
بیست در اداره^۵ من بود.....
۹. من و پسرَم به آنجا رفت- و در حدود^۶ یک ساعت نشسته
۱۰. دیروز چه کس اینجا بود؟
۱۱. مُتأسّفانه^۷ بیشترِ مردمِ جهان بی سواد^۷
۱۲. چه جا بهتر اینجا؟
۱۳. چرا شما همیشه از این فروشگاه کفش خر.....؟

1. A female name.

2. devoted.

3. village.

4. about, nearly (= in the limits of).

5. unfortunately.

6. most of.

7 illiterate.

دیگته

با حروف فارسی بنویسید.

1. nâser behtarin dâneshjuye dânesghahe ahvâz ast.
2. maghâzeeye akbar durtarin dokkân be khiâbâne mâst.
3. mordâd garmtarin mâhe sâl ast.
4. forushgâhe ghods bozorgtarin maghâzeeye in shahr ast.
5. mardom dar fasle zemestân khormâ bishtar mikharand.
6. behzâd hamishe ruye in sandali mineshinad.
7. to davâzdah sâl kuchaktar az man hasti.
8. khiâre man talkh ast.
9. bebakhshid, nâme keshvare shomâ chist?
10. âghâye izadi va khânomeshân duste mâ hastand.

تمرین ۷۶

تمرین ۶۶ را بخوانید و بعد جواب سؤالهای زیر را بنویسید.

Read exercise 66 and then answer the following questions.

۱. سیما خانم مادرِ مهری خاتم است؟
۲. مهری خانم برایِ سیما خانم چه /چی آورد؟
۳. سیما و مهری کجا رفتند؟
۴. آنها با تاکسی رفتند یا با اتوبوس؟
۵. سیما در خانهٔ مهری چه /چی خورد؟
۶. سیما برایِ پسرش چه /چی خرید؟
۷. اسمِ دخترِ مهری چیست؟
۸. سیما بیشتر پول داشت یا مهری؟
۹. سیما به مهری چقدر پول داد؟
۱۰. سیما برایِ خودش چه /چی خرید؟
۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چند است؟
۱۲. سیما کفشِ سفید خرید یا کفشِ صورتی؟
۱۳. چرا سیما کفشِ صورتی خرید؟
۱۴. قیمتِ کفشِ صورتی چند بود؟

کلیدِ تمرینها

Key to exercises

تمرین ۳

برادر، ضرر، دانا، نادان، ندارد، بابا، عادت، تابان، نازا،
باران، آزاد، آزار، زبان، ابزار، پرتاب.

تمرین ۵

قنّداغ، قندان، مهماندار، ضدّ، نظام، نظم، زندان، اضطراب،
آزدها، همه، ارزان، اعاده، احتضار، ذره، مقدار.

تمرین ۷

فاعل، سهل، ثمره، ثابت، سرفه، استاد، شاهد، وقف، مفعول،
موشها، نوزده، صاعقه، سوت، وراثت، صلح، ثروت.

تمرین ۱۰

ایشان، شما، شکایت، کوچه، خیابان، کمک، کیف، چراغ،

ایکاش، گُل، گردِش، قاضی، صَحیح، نَخیر، خوب، جَوان،
مُوعِظہ، مُوقِع، اُوصاف، نُوزاد، صَندوق، عید.

تمرین ۱۱

سَخْت، شیرین، بیابان، پسر، دُختر، مرد، خانہ، کِتاب، بُزرگ،
اینجا، آنجا، امروز، دیروز، ژولیدہ، اِمشَب، دیشَب، گُرسنہ،
دوبارہ، پَنجرہ، قَشَنگ خُنک، کوچک، آہستہ، ہمیشہ، مادر،
مداد، رُوشن، عینک.

تمرین ۱۲

دریمی، لَند، بیوتیفول، پردیکیت، یَلو، پیمَنَت، کاراوان،
گارانَتی، ہالیدی، مِرر، موومَنَت، پِلرر، ستیوپیدیتی، ہاسپیتال،
سُسپَن، زیگزاگ، اَترنس، بوچر، شِیمِلِسلِی، اینویرِبل،
اگریکلچر، لارج، ویوید، جِنْتِلْمَن، پراسپِکت.

تمرین ۱۴

۱. آن اُتاق

۲. این کِتاب
۳. این پِدر
۴. آن مادر
۵. این بچه
۶. آن خواهر
۷. آن برادر
۸. این ساعت
۹. این خانم و این آقا
۱۰. مرد و زن
۱۱. آن مرد و این زن
۱۲. سه صندلی
۱۳. یک [یه] صندلی
۱۴. هفت [هَف] کِتاب و هشت [هَش] قَلَم
۱۵. یک [یه] کِتاب و یک [یه] قَلَم
۱۶. این دو بچه
۱۷. آن نه میز
۱۸. این میز و آن ده مداد
۱۹. پِدر و پسر

۲۰. این مادر و دختر
۲۱. آن خواهر و برادر
۲۲. پنج برادر و چهار خواهر
۲۳. یک روز و شب
۲۴. آن یک اتاق
۲۵. آن ده اتاق
۲۶. هشت ساعت

تمرین ۱۶

۱. آن مرد کیست؟
۲. این خانم سه بچه دارد.
۳. او امروز گجاست؟ / امروز او گجاست؟
۴. او امشب آنجاست. / امشب او آنجاست.
۵. شش کتاب و هشت دفتر اینجاست.
۶. آن نه مرد و ده زن گجا هستند.
۷. آن آقا پنج برادر و یک خواهر دارد.
۸. این مرد و آن زن کی هستند؟
۹. این خانه چهار اتاق دارد.

۱۰. آن دو میز و ده صندلی آنجا هستند.
۱۱. علی پسر دارد؟
۱۲. بله، او دو پسر دارد.
۱۳. این مرد علیست (= علی است) و آن خانم پروین است.
۱۴. این شش زن کی هستند؟
۱۵. نادر کجاست؟
۱۶. او اینجا است.
۱۷. او حالا کجاست؟
۱۸. امشب بیا اینجا.
۱۹. حالا برو خانه.
۲۰. ساعت چهار است.
۲۱. ژاله سه ساعت دارد.

تمرین ۲۰

۱. در بسته بود.
۲. دری بسته بود / یک در بسته بود / یک دری بسته بود.
۳. تمام درها بسته بودند / همه درها بسته بودند.
۴. تمام / همه این درها بسته بودند.

۵. دَرهائی بَسته بودند.
۶. دیروز مردی / یک مرد / یک مردی اینجا بود.
۷. هَمه / تمام مردها همیشه آنجا بودند.
۸. پَریروز مردهایی اینجا بودند.
۹. تمام / هَمه بَچه‌ها آمدند.
۱۰. آن سه خانم پَریروز رفتند و دیروز آمدند.
۱۱. آن پسر کی اینجا آمد؟ / کی آن پسر اینجا آمد؟

تمرین ۲۶

۱. گربه سیاه آنجاست (= آنجا است).
۲. این آب گرم است.
۳. او تشنه و گرسنه است.
۴. آن سگ زرد پنج بچه دارد.
۵. این خانم جوان یک پسر دارد.
۶. انگور ترش بد است.
۷. پنجره کهنه و کثیف است / پنجره کثیف و کهنه است.
۸. بیا اینجا و بنشین / بیا و بنشین اینجا.
۹. دیوار کثیف زشت است.

۱۰. مَرَدِ پیر و تَمیزی اینجا بود / مَرَدِ تَمیز و پیری اینجا بود.

تمرین ۳۰

۱. قَشَنگ است.
۲. مَن هَنوز جَوَانَم.
۳. بَد است.
۴. این لِباسها تَمیزند.
۵. آن زنِ پیر هَنوز زیباست.
۶. لباس کَثیف خِیلی بَد است.
۷. کُجایید؟
۸. او چَطُور است؟
۹. [چَطُوره؟]
۱۰. کُدام شَهر؟
۱۱. [کُدوم شاگِرد اینجا س؟]
۱۲. کی زِشت است؟
۱۳. این چِست؟
۱۴. [اون چیه؟]
۱۵. میوه‌ها هَمه کَالَند / نارَسَنَد.

۱۶. [حالا من کُجام / من حالا کُجام؟]

۱۷. [این درختِ پیر هنوز سَبزه.]

۱۸. [کَفشهایِ کهنه اینجا.]

۱۹. مَرِدِ پیرِ دانا کُجاست؟

۲۰. ما همه خوییم.

۲۱. [تو تشنه‌ای (= یی)، نه گُرُسنه / گُشنه.]

۲۲. [امروز هوا خُنک، نه سَرَد.]

۲۳. [شما هنوز یه کمی چاقین.]

۲۴. او حالا کُجاست / حالا او کُجاست؟

۲۵. او هشت هفته اینجا بود.

تمرین ۳۲

۱. زَنِ او.

۲. شوهرِ او.

۳. دوستهایِ من.

۴. چَشْمهایِ تو.

۵. شاگردهایِ شما.

۶. اُسْتادِ ما.

۷. اسمِ مُعَلِّمِ شما.
۸. دَسْتِ رَاسْتِ مَن.
۹. چَشْمِ چَپِ زَنِ او.
۱۰. گوشتِ گوسفند.
۱۱. لِبَاسِ قَهْوَه‌ایِ مُعَلِّمِ بابک.
۱۲. چایِ پَسَرِ مَن.
۱۳. دَانِشگاهِ تَهْرانِ خِیلی بُزُرگِ است.
۱۴. آن نارِنگیِ سَبزِ نارَس / کال است.
۱۵. پانزده گِیلاسِ شُما هَمه قِرْمِزِند / سُرْخَند.
۱۶. خَر حِیوانِ خویِست (= خوبی است).
۱۷. اصفهانِ شَهرِ بُزُرگِ زیبائِست (= زیبائی است).
۱۸. شیرِ سِفید است وَلِی قَهْوَه قَهْوَه‌ایست (= قَهْوَه‌ای است).
۱۹. آن زَنهایِ لَأغر کی‌آند (= کی ے ند)؟
۲۰. آن مَردهایِ چاقِ دیروز اینجا بودَند.
۲۱. باغِ کوچَک.
۲۲. دیوارهایِ باغِ بُزُرگِ دوستِ مَن.
۲۳. گِیلاسهایِ زَرَدِ خِیلی ریزَند.
۲۴. این شانزده درختِ هُلُو.

۲۵. هَوایِ شهرِ تَبْرِیزِ همیشه سَرَد است.
۲۶. لباسِ آبیِ خواهرِ او هَنوز نُو است، ولیِ لباسِ قِرْمِزِ خانمِ /
زَنِ تو کُهنه است.
۲۷. دَوازده شاگرد و هِفده دانشجو.
۲۸. این یک درختِ گلابیست و آن یک درختِ پُرتقال است.
۲۹. یک اسبِ سفید / اسبِ سفید ی / یک اسبِ سفید ی زیر
درخت است.
۳۰. آن پنج کتابِ رویِ میزند. آن ساعتِ سنگینِ رویِ دیوار
است.
۳۱. یک گربهٔ سیاه و سفید / گربهٔ سیاه و سفیدی / یک گربهٔ
سیاه و سفیدی رویِ درخت است.
۳۲. دستِ چپِ شما رویِ چشمِ راستِ من است.
۳۳. رَنگِ مویِ مُعَلِّمِ پَسَرِ آنها قِرْمِزِ / سُرخ است.

تمرین ۳۴

۱. این مالِ من است، ولی مالِ شما کجاست؟
۲. آن خانهٔ بزرگِ هَنوز مالِ آنها / ایشان است.
۳. چی مالِ اوست؟

۴. این کتاب دیروز مالِ تو بود، ولی حالا مالِ اوست.
۵. این کشور همیشه مالِ ماست.
۶. همه / تمام چیزهای خوب مالِ شهرِ شماست.
۷. این هُلوهای زرد مالِ باغِ علی‌آند / است.
۸. آن لباسِ آبی مالِ ایرانست.
۹. مالِ من مالِ شماست و مالِ او مالِ بچه‌هاست.
۱۰. این کفشهایِ خیلی سُبُک مالِ کی‌آند / هستند.
۱۱. این چای مالِ کیست؟
۱۲. سیما خواهرِ کیست؟
۱۳. این بچه‌ها مالِ ما هستند.
۱۴. آن صندَلِ سیاه مالِ اوست.

تمرین ۳۷

۱. دخترِ خوب و قَشَنگم.
۲. بچه‌هایشان کُجا هستند؟
۳. دوستتان دیشب کُجا بود؟

۴. پایش زیرِ میز است.
۵. یازده پُرتقالش رویِ میزند / میز هستند.
۶. [پسرِ جوونمون خونه‌اس].
۷. گوشِ راستِ خواهرم.
۸. لباسهایِ آبیِ شوهرش.
۹. چشمِ چپِ پدرِ پیرشان.
۱۰. در و پنجرهٔ کهنهٔ اُتاقمان.
۱۱. خانم / زنِ او خودش آمد.
۱۲. شوهرِ او خودش رفت.
۱۳. مُعلّمِ دخترم خودش اینجا بود.
۱۴. [همهٔ / تمامِ پسرانِ خودِشون اونجان / اونجا هستن].
۱۵. من خودم / خودِ من.
۱۶. فرهادِ خودش / خودِ فرهاد.
۱۷. شما خودتان / خودِ شما.
۱۸. آنها خودشان / خودِ آنها دیروز اینجا بودند.
۱۹. ژاله خودش / خودِ ژاله کُجاست؟
۲۰. [اونا خودِشون / خودِ اونا کُجا هستن؟]

تمرین ۴۲

۱. موز خیلی گرانتر از خیار است.
۲. چهار کیلو هندوانه ارزانتر از شش کیلو خربزه است.
۳. زمستان خیلی سردتر از پائیز است.
۴. بهار کمی / یک کمی خنکتر از تابستان است.
۵. [غذای شما / غذاتون خیلی لذیذتر از مال منه.]
۶. مرداد گرمترین ماه تابستان است.
۷. بهترین / خوبترین صبحانه تخم مرغ و کره است.
۸. [اوناسیزده هزار / ریال بیشتر / زیادتر از تو دارن.]
۹. فروشگاه سپه بزرگترین فروشگاه شهر شماست.
۱۰. او زودتر از همه رفت.

تمرین ۴۴

۱. شما نشستید.
۲. من نشستم.
۳. او بود.
۴. [اونا بودن.]
۵. [خریدن.]

۶. [ما او مَدیم.]
۷. او رَفَت.
۸. او آمَد.
۹. تو خَریدی.
۱۰. من آمَدَم.
۱۱. شما اینجا بودید.
۱۲. نِشَسْتید.
۱۳. او نِشَسْت.
۱۴. ما رَفَتیم.
۱۵. ما بودیم.
۱۶. آنها بوَدَند.
۱۷. شما خَریدید.
۱۸. نِشَسْتیم.
۱۹. [اونا روی صندلیها / صندلیا نِشَسْتَن.]
۲۰. من یک هندوانه / یک هندوانه‌ای خَریدَم.
۲۱. آنها از تبریز آمَدَند.
۲۲. من در خانه بوَدَم.
۲۳. پدرش / پدر او پارسال یک خانه کوچک / کوچکی خَرید.

۲۴. خواهرِ من / خواهرَمِ امروز صُبْح به کرمان رَفَت.
۲۵. از گیلان تا اهواز راهِ دِرازیست (= درازی است).
۲۶. به من.
۲۷. به آنها / به ایشان.
۲۸. به شما.
۲۹. به او.
۳۰. به ما.
۳۱. به تو.
۳۲. از من به شما.
۳۳. از ما به آنها / ایشان.
۳۴. از شما به برادرِ من.
۳۵. از دیشب.
۳۶. از ده تا دوازده.
۳۷. از ساعتِ پنج تا ساعتِ یازده.
۳۸. از خانه تا فروشگاه.
۳۹. دیر یا زود.
۴۰. [هَمَه / تَمَام اونا خونه بودن].
۴۱. من رویِ صندلیِ نزدیکِ او نشستم.

۱. شما فردا شَب کُجا هَستید؟
۲. او کی به خانۀ ما میآید؟
۳. [اونا کی اینجا هَستن؟]
۴. تو کی خانه هَستی؟
۵. گُربۀ من زیرِ میز می‌نشیند.
۶. شما کی از فرانسه آمَدید؟
۷. او کی از اِنگلیس میآید؟
۸. شما کی خَرید میروید؟
۹. شما کُجا می‌نشینید؟ نزدیکِ درختِ سیب یا دور از آن؟
۱۰. دوستِ شما چی میخَرَد؟ مُرغ یا ماهی یا بوقلمون؟
۱۱. زنِ / خانُم من سه کیلو سیب‌زَمینی و یک کیلو گوشتِ گوساله خَرید. سیب‌زَمینی ارزان بود ولی گوشتِ گوساله خیلی گران بود.
۱۲. چرا سیب‌زَمینی خیلی ارزانتر از گوشتِ گاو است؟
۱۳. چرا آنها هرسال به آمریکا میروند؟
۱۴. چرا شما دیر میآید و زود میروید؟
۱۵. شما رویِ چه / چی می‌نشینید؟

۱۶. شما چطور تا اینجا آمدید؟

۱۷. من تا ساعتِ نه شب در مدرسه بودم.

۱۸. من کمی / یک کمی گره از مغازه پدر شما / پدرتان

میخرم.

۱۹. بیا نزدیک من بنشین / بیا بنشین نزدیک من.

۲۰. من خیلی کوتاهتر از برادرِ بزرگ شما / بزرگتان هستم.

تمرین ۴۹

۱. دو کیلو پیاز یازده تومان است.

۲. شما فردا شب کجا میروید؟

۳. برادرِ کوچکترِ من کی رفت / می‌رود؟

۴. پسرِ حسن دیروز شش کیلو هندوانه خرید.

۵. مغازه آقایِ حسنی در کدام خیابان است؟

۶. پیرترین استادِ دانشگاهِ شیراز کیست؟

۷. او زیرِ کدام درخت نشست / می‌نشیند؟

۸. آنها دیشب ساعتِ هشت کجا بودند؟

۹. گربهٔ من / شما قشنگتر است یا مالِ شما / من؟

۱۰. تو از کدام کشور میایی / آمدی؟

۱۱. دیروز بهزاد دو ساعت دیر آمد.
۱۲. چرا تو هر شب دیر به خانه میایی؟
۱۳. تو حالا به کدام شهر می روی؟
۱۴. من فردا عصر به سینما می روم.

تمرین ۵۰

۱. — بزرگترین کشور جهان است.
۲. نام کشور من — است.
۳. زمستان سردترین فصل سال است.
۴. من فردا به بازار میروم / فردا به بازار میروم.
۵. [رنگ لباس من / لباسم قهوه‌ایه.]
۶. اسم بزرگترین شهر کشور من — است.
۷. [اسم خودم — ۴.]
۸. روزها در اداره هستم و شبها در خانه.
۹. به نظر من بهار / پائیز بهتر است.
۱۰. به نظر من رنگ آبی / سفید قشنگتر از رنگ سفید / آبی است.

۱۱. من در تابستان بیشتر از زمستان میوه میخرم. من در تابستان بیشتر میوه میخرم. من در تابستان بیشتر میوه میخرم.
۱۲. میوه در مغازه میوه‌فروشی است.
۱۳. من از دُگان/ مغازه نانوائی نان میخرم.
۱۴. من از خواربار فروشی/ مغازه خواربار فروشی برنج و روغن میخرم.
۱۵. در شهر ما گوشت/ تخم مرغ گرانتر از تخم مرغ/ گوشت است.

تمرین ۵۴

۱. شما کی او را دیدید؟
۲. او معمولاً چه روزهایی به دیدن مادرش می‌رود.
۳. ما فردا عصر با آقای صفا به سینما می‌رویم.
۴. قبل از من چه کسی را دیدید؟
۵. من پدر بزرگ شما را چند سال قبل در اصفهان دیدم.
۶. [اندازه یقه شوهرتون چنده؟]
۷. امروز بیست و چهار خرداد هزار و سیصد و شصت و یک هجری شمسی است.

۸. فردا صُبح نیم کیلو عَسَل از مَغَازَه برادرِتان میخریم.
۹. امروز بَعْد از ناهار شما و برادرِتان را در خانَه دوستم

می بینم.

۱۰. مادر بُزُرگِ شما چند سال دارد؟
۱۱. او نِصفِ غذایش را به من می‌دهد.
۱۲. [او نِصفِ غذاش رو به من می‌دهد.]

تمرین ۵۵

۱. نِصفِ پرتقال.
۲. نیم ساعت.
۳. دو ساعت و نیم.
۴. نِصفِ مَرْدُم.
۵. نِصفِ کتاب.
۶. نیم کیلو.
۷. نِصفِ خانَه.
۸. نِصفِ شب.
۹. نِصفِ پول.
۱۰. صد و نود و پنج و نیم.

۱۱. نصفِ راه.
۱۲. سه و نیم.
۱۳. سه کیلو و نیم.
۱۴. نصفِ هفت.
۱۵. نصفِ سه، یک و نیم است.
۱۶. نصفِ موضوع.
۱۷. نصفِ قیمت.

تمرین ۵۶

۱. چند دقیقه.
۲. [یه چند ساعت].
۳. چند تا شاگرد؟
۴. چند تومان.
۵. چند روز؟
۶. [یه چند کیلو آنار].
۷. یه چند تا فنجون.
۸. [یه چند سال].
۹. چند دفعه.

۱۰. چند ماه.
۱۱. [یه چند تا بشقاب.]
۱۲. سه تا گلابی.
۱۳. چند جفت دستکش.
۱۴. چند تا سیب؟
۱۵. چهل تا قلم.
۱۶. چقدر شکر؟
۱۷. چقدر پول؟
۱۸. از تهران تا کرمان چقدر راه است؟
۱۹. از شیراز تا اصفهان چند کیلومتر است؟
۲۰. چند تا قاشق و چنگال.
۲۱. چقدر آب؟
۲۲. چند تا لیوان آب.
۲۳. چند کیلو گوشت.
۲۴. [قیمتِ این پالتو چنده؟]
۲۵. برنج کیلویی چند است؟

تمرین ۵۸

۱. قبل از شام.
۲. شبِ قبل.
۳. شش ماهِ قبل.
۴. قبل از شما.
۵. قبل از نصفِ شب.
۶. هفتهٔ قبل.
۷. قبلاً به شما گفتم.
۸. قبل از ساعتِ چهار.
۹. قبل از هر چیز.
۱۰. قبل از رفتن ما.
۱۱. پنج سالِ قبل.
۱۲. قبلاً به او می‌گویم.
۱۳. روزِ بعد.
۱۴. بعد از یک هفته.
۱۵. بعد از من.
- ۱۶ — ساعتِ شش بعد از ظهر.
۱۷. بعد از ساعتِ چهارِ بعد از ظهر.

۱۸. نَاهَارَم را بعداً می خورَم.

۱۹. بعد از خوردنِ غذا.

۲۰. پانزده سالِ بعد.

تمرین ۶۰

۱. لطفاً موضوع را به من بگویید.

۲. همیشه راست بگو.

۳. [بابا، لطفاً این کُتِ سَبزِ رو بَرِا من / بَرِامِ بَخَر، قَشَنگ و

ارزونه.]

۴. پَسَرَم، بیا نَزْدِیکِ من بَنشین.

۵. فقط رُویِ این صندلی بنشینید / بنشین.

۶. اوّل سالادِ بَخورید.

۷. [دَه دَیْقَه بَعد چایی تون رو بَخورین.]

۸. غِذائَت را با قاشق و چَنگال بخور.

۹. برو بیین کیست.

۱۰. [لطفاً بُشقاِبَتون رو به من بدین.]

۱۱. لُطفاً یک فَنجان قَهِوه به من بَدَهِید.

۱۲. [لطفاً یه لیوان آب به دوستِ من / دوستم بدین.]

۱۳. لطفاً یک اِسِتکان چای به او بده.

تمرین ۶۱

۱. [ببخشید آقا، قیمتِ این کُلاه چنده؟]
۲. قَبْل از شُما دو تا خائِم آمدَنَد اینجا و دو کیلو سیب زمینی خریدَنَد.
۳. [آقایِ فروشَنده، این پالتو بَرای من خِیلی گُشاده، لطفاً یِه کوچیکتر به من بِدید.]
۴. [وَلی این یکی یِه کَمی تَنگه، این بَرای پسرِ من خوبه.]
۵. [ببخشید آقایِ فروشَنده، این آنگورا شیرینَن یا تُرش، کیلویی چنده؟]
۶. [خائِم، آنگورِ خِیلی خوبیه، اوّل بِخورین بعدِ بِخرید، کیلویی بیست و پَنج تومن.]
۷. [آقایِ راننده، لطفاً یک کَمی تُندتر بِرید، ساعت هشت و نیمه، فقط نیم ساعت وَقت داریم.]
۸. لطفاً نزدیکتر بیایید وَ رُوی این صَندلی نزدیکِ خواهرتان بنشینید.
۹. چند جُفت جوراب و چند تا زیرپوش و سه تا دُکمه برای من بِخر.
۱۰. [این شلوار بَرایِ شما بُلَنده، یِه شلوارِ کوتاهترِ بِخرین.]

تمرین ۶۴

۱. مُعَلِّمَ ما هر روز ساعتِ ده یک سیب می‌خورد.
۲. عَلی هیچوقت گوشتِ خوک نمی‌خورد.
۳. رویِ این صندلی نِشینید، کثیف است.
۴. چرا دستهایت را با صابون نمی‌شویی؟
۵. مادرِ حمید هر روز او را به مدرسه می‌برد.
۶. چرا بچه‌ها را با خودتان به سینما نمی‌برید؟
۷. هفته قبل او را بیشتر از یک بار ندیدم.
۸. فردا کتابتان را برایتان می‌آورم.
۹. پسرَم به من دُرُوغ نمی‌گوید.
۱۰. شما معمولاً روزی چند بار دستهایتان را می‌شوید؟

تمرین ۶۵

۱. چقدر پول دارید؟
۲. من دو هزار و پانصد و هفتاد و شش تومان دارم.
۳. ما چقدر وقت داریم؟
۴. شما فقط نیم ساعت وقت دارید.
۵. او پسرش را به کجا می‌برد؟

۶. [چرا شما غذایِ مَن رو بَرَامِ نِمی‌آرین؟]
۷. شما هفته‌ای چند بار مادرتان را می‌بینید؟
۸. [بَرین دَستا و صورتتون رو با صابون بِشورین.]
۹. [بِیا بُخور، بعد، بُرو بِشین.]
۱۰. پَسرتان را با خودتان بِبرید.
۱۱. چرا او این غذایِ لَذیذ را نِمی‌خوَرَد؟
۱۲. آنها گاهی به دیدنِ پَدَرِ بُزُرگشان می‌روند.
۱۳. دُخترِ بُزُرگتان چَند سال دارد؟
۱۴. چرا شما این دامنِ قَشَنگ را بَرایِ خانِمَتانِ نِمی‌خرید؟
۱۵. چرا شما خواهرتان را با خودتان نِیاوَردید؟
۱۶. پالتوِ شما چَند تا دُکمه دارد؟
۱۷. شما دستهایتان را با چِه / چی می‌شوید؟
۱۸. چرا او نامِ / اسمِ دوستش را به مَن نِمی‌گوید؟
۱۹. تو این بشقابهایِ کثیف را کُجا می‌بری؟
۲۰. شما مَعمولاً چِه ساعتی صُبْحانه می‌خورید؟

تمرین ۶۷

۱. پَرِروز هَوا گَرم بود ولی اِمشب خُنک اَست.

۲. این آسبها سفید هستند ولی آن آلاغها سیاهند.
۳. این مادرِ جوان سه بچهٔ کوچکِ تمیز دارد.
۴. هوایِ تهران در تابستان گرم و در زمستان سرد است.
۵. این خانمِ پیر یک پسرِ بیست ساله دارد.
۶. او هشت هفته اینجا بود.
۷. آن چایِ شیرین مالِ کیست؟
۸. این صندلیهای قهوه‌ای مالِ اتاق آنهاست.
۹. ایشان خانمِ دُکترِ پروین صفا هستند.
۱۰. گلِ نرگس قشنگترین گُلهاست.

تمرین ۶۸

۱. این مرد.
۲. کدام زن؟
۳. از آن پسر.
۴. به کدام دختر؟ [به کدام دختر؟]
۵. به آن اتاق.
۶. در این کتاب. / [تو این کتاب.]
۷. کدام مداد؟ / [کدام مداد؟]

۸. کدام آقا؟
۹. چه جایی؟
۱۰. رویِ چه میزی؟
۱۱. زیرِ کدام میز؟
۱۲. به کی / به چه کسی؟
۱۳. از کجا؟
۱۴. در این باغ.
۱۵. بیا اینجا.
۱۶. بنشین آنجا / آنجا بنشین.
۱۷. بُرو به خانه / [بُرو خونه]
۱۸. یک شَب / شَبی / یک شبی / [یه شب، یه شبی].
۱۹. یک شَب.
۲۰. یازده شب.
۲۱. مَرَدی / یک مرد / یک مَرَدی / [یه مَرَد، یه مَرَدی]
۲۲. یک مَرَد.
۲۳. چهار مرد.
۲۴. به چه جایی؟
۲۵. یک زَن / زَنی / یک زنی.

۲۶. یک زن.
۲۷. پنج زن.
۲۸. ده دختر.
۲۹. سیزده پسر.
۳۰. یک ساعت.
۳۱. شش ساعت.
۳۲. او کجاست؟
۳۳. علی کجاست؟
۳۴. روی میز چیست؟ / چی روی میز است؟
۳۵. آن مرد کجاست؟
۳۶. آن مرد اینجا است؟
۳۷. سنگ در خانه است.
۳۸. قلم زیر صندلی است.
۳۹. این دو قلم.
۴۰. این دو مرد و سه زن.

تمرین ۶۹

۱. این مادر.

۲. آن نُه مادر.
۳. این پدر.
۴. این هَشت پدر.
۵. چه گُربه‌ای؟
۶. این گربه‌ها.
۷. این سه گربه.
۸. این چیست؟
۹. این یک قَلَم است.
۱۰. آن کیست؟
۱۱. آن یک مرد است.
۱۲. آن خائِم کیست؟
۱۳. او خائِم صَفاست.
۱۴. چه خانه‌ای؟
۱۵. این چه شهری است؟
۱۶. این شیراز است.
۱۷. حالا بیا اینجا.
۱۸. بابک امروز اینجا است. / امروز بابک اینجا است.
۱۹. یک بچّه / بچّه‌ای اینجا است.

۲۰. یک مرد / مردی اینجا آمد.
۲۱. اسبی / یک اسب آنجا بود.
۲۲. یک گل / گلی زیر صندلی بود.
۲۳. پنجره‌ای / یک پنجره باز بود.
۲۴. یک در / دری بسته بود.
۲۵. درِ خانه.
۲۶. پنجرهٔ اتاق.
۲۷. این پنجره‌ها.
۲۸. پنجره‌هایِ اتاقها.
۲۹. یک گلدان / گلدانی رویِ میز است.
۳۰. از این خانه به آن خانه / از این خانه تا آن خانه.

تمرین ۷۰

۱. بچه‌ها.
۲. بچه‌هایِ تمیز.
۳. این دستهایِ کثیف.
۴. این دخترها.
۵. این دخترهایِ باهوش.

۶. سه شاگردِ زرَنگ و باهوش.
۷. این ماشینِ سَرِیع و نُو.
۸. کدام ماشینِ قِرْمِز؟
۹. رانندهٔ زرَنگ.
۱۰. کدام رانندهٔ زرَنگ؟
۱۱. یک قَطَارِ سَرِیع / قَطَارِ سَرِیعی / یک قَطَارِ سَرِیعی.
۱۲. یک دوستِ نَزْدِیک.
۱۳. کدام قَطَارِ سَرِیع به آهواز می‌رود؟
۱۴. رانندهٔ عَصَبانی دوباره آمد.
۱۵. کی دوباره آمد؟
۱۶. دیروز و امروز.
۱۷. تُند / سَرِیع بیا و آهسته برو.
۱۸. انگورهای تُرش و آنارهای شیرین.
۱۹. یک سَگِ تَشَنه و یک گَرَبهٔ گُرْسَنه / سَگِ تَشَنه‌ای و گَرَبهٔ گُرْسَنه‌ای.
۲۰. هَوای سَرَد و آب گرم.
۲۱. یک معلّم باسَواد و مِهْرَبان / معلّم باسَواد و مِهْرَبانی.

تمرین ۷۱

۱. من سَالِم هستم / من سَالِمَم.
۲. شما مَرِیضید / شما مَرِیض هستید.
۳. ما خَسْتِه‌ایم / ما خَسْتِه هستیم.
۴. آنها مَرِیض و خَسْتِه هستند / آنها مَرِیض و خَسْتِه‌اند.
۵. او خوب و خوشحال است.
۶. عَمَوِش هنوز جَوَان و شاداب / شاد است.
۷. کجایید؟ / کجا هستید؟
۸. خاله‌اش همیشه غَمگین است.
۹. پدر بُزُرگَم خیلی پیر ولی هنوز سَالِم است.
۱۰. مادر بُزُرگَتان چَطُور است؟
۱۱. مُتَأَسِّفَم / مُتَأَسِّف هستم.
۱۲. عمه او دیروز در بیمارستان بود.
۱۳. دایی شما حالا اینجاست.

تمرین ۷۲

۱. چه / عَجَب رُوزِ خوبی!
۲. او چه / عَجَب چاق است!

۳. عَجَب / چه راه خسته‌کننده و درازی!
۴. این میز چه / عَجَب سنگین است!
۵. چه خوب است!
۶. شما دو کیلو عَسَل خریدید.
۷. چه کتابی خریدید؟
۸. کدام ماشین تَنَدَتَر می‌رود؟
۹. کدام مَغازه به اداره شما نزدیکتر است؟
۱۰. این گلابی کال / نارس مال کیست؟
۱۱. این مرد جوانِ باهوش پسرِ آقایِ حَسَنی است.
۱۲. این سیبهای تُرش مالِ باغِ عَموی / دایی من است.
۱۳. این کَفشهای کهنه مالِ کی‌اند / کی هستند، مالِ شما یا مالِ او؟
۱۴. آنها از کدام میوه‌فروشی میوه می‌خرند؟
۱۵. ما تا کجا می‌رویم؟

تمرین ۷۳

۱. من خودم آنجا بودم.
۲. شما خودتان آمدید.

۳. ما خودمان در بیمارستان بودیم.
۴. علی خودش روی این صندلی می‌نشیند.
۵. تو خودت به یزد آمدی.
۶. آنها خودشان به کرمان رفتند.
۷. خود تو از لبنیاتی نزدیک خانه‌تان شیر و کره خریدی.
۸. آقای دکتر صفا خودتان هستید؟
۹. صندلی شما رنگش سفید است.
۱۰. خانه خود او در آبادان است ولی مال برادرش در چه شهری است؟

تمرین ۷۴

۱. پسرَم هرروز به مدرسه می‌رود.
۲. من کی هستم / من کیَم؟
۳. او مادرش بیمار است.
۴. پدر تو پیرتر از پدر من است.
۵. خواهر زهرا زیباتر از لیلاست.
۶. سیمافداکارترین زن روستای ماست.
۷. این دو برادر هر هفته به مغازه من می‌آیند.

۸. شما و دخترتان دیروز از ساعتِ نُه و ده دقیقه تا ساعتِ ده و بیست دقیقه در ادارهٔ من بودید.
۹. من و پسرَم به آنجا رفتیم و درِ حُودِ یک ساعتِ نشستیم.
۱۰. دیروز چه کسی اینجا بود؟
۱۱. مُتأسّفانه بیشترِ مردمِ جَهان بی‌سوادند / بی‌سواد هستند.
۱۲. چه جایی بهتر از اینجا است؟
۱۳. چرا شما همیشه از این فروشگاه کفش می‌خرید؟

تمرین ۷۵

۱. ناصرِ بهترین دانشجویِ دانشگاهِ آهواز است.
۲. مَغازهٔ اکبرِ دورترین دُکان به خیابانِ ماست.
۳. مُرداد گرمترین ماهِ سال است.
۴. فروشگاهِ قدسِ بزرگترین مَغازهٔ این شهر است.
۵. مردم در فصلِ زمستان خُرمای بیشتر می‌خرند.
۶. بهزاد همیشه رویِ این صندلی می‌نشیند.
۷. تو دوازده سال کوچکتر از من هستی.
۸. خیارِ من تلخ است.
۹. ببخشید، نامِ کشورِ شما چیست؟

۱۰. آقای ایزدی و خائیشان دوستِ ما هستند.

تمرین ۷۶

۱. نه، او دوستِ مهری خانم است.
۲. مهری خانم برای سیمما خانم آب پُرتقال خُنک آورد.
۳. آنها به فروشگاه قدس رفتند.
۴. با هیچکدام، آنها پیاده رفتند.
۵. سیمما در خانه مهری آب پُرتقال خورد.
۶. سیمما چند تا شورت و زیرپوش برای پسرش خرید.
۷. اسم دخترِ مهری فریده است.
۸. سیمما بیشتر از مهری پول داشت.
۹. او به مهری هیچ پول نداد.
۱۰. او یک جفت کفش برای خودش خرید.
۱۱. اندازه پای سیمما چهل است.
۱۲. او کفشی صورتی خرید.
۱۳. فروشگاهِ قدس کفش سفید نداشت / فروشگاه کفش سفید نداشت.
۱۴. قیمت آن کفش سیصد و هشتاد و پنج تومن بود.

واژه‌نامه

Vocabulary

فارسی — انگلیسی

آ

greed	آز	water	آب
free	آزاد	habitable	آباد
freedom	آزادی	A city in the south of Iran	آبادان
harm	آزار	orange juice	آب پُرتقال
gentleman, sir, Mr.	آقا	juicy	آبدار
to come	آمدن	blue	آبی
America	آمریکا	address	آدرس
that, it	آن [اون]	qth. Iranian month	آذر
there	آنجا [اونجا]	votes	آراء
to bring	آوردن	flour	آرد
sigh	آه	yes	[آره]

dragon	أَزْدَهَا	slow, slowly, gently	أَهْسَتْه
horse	أَسْب	iron	أَهَن
professor	أُسْتَاد		
A small cup for tea	إِسْتِكَان	refusal	إِبَا
noun, name	إِسْم	cloud	أَبْر
genitive	إِضَافَه	eyebrow	أَبْرُو
disturbance of mind	إِضْطِرَاب	tools	أَبْزَار
information	إِطْلَاعَات	room	أُتَاق
returning, return	إِعَادَه	bus	أُتُوبُوس
often, very often	أَغْلَبَ	furniture	أَثَاث
A male name	أَفْشِين	respect	إِحْتِرَام
horizon	أُفُق	point of death	إِحْتِضَار
A male name	أَكْبَر	A male name	أَحْمَد
ass, donkey	أَلَاغ	office	إِدَارَه
alphabet	أَلْفَبَا	employer	أَرْبَاب
today	إِمْرُوز	cheap	أَرْزَان [أَرْزُون]
this morning	إِمْرُوز صُبْح	from, of, since	أَز
this year	إِمْسَال	torpedo	أَزْدَر

here	اینجا	tonight	امشب
portico	ایوان [ایوون]	pomegranate	انار
	ب	size, measurement	اندازه
with	با	England	انگلیس
fit	باب	grape	انگور
dad	بابا	he, she	او
A male name	بابک	descriptions	اوصاف
wind	باد	state of affairs	اوضاع
time (s)	بار	times	اوقات
rain	باران [بارون]	first	اوّل
open	باز [واز]	A city in the south of Iran	اهواز
hawk	باز	Italy	ایتالیا
bazaar, market	بازار	creation	ایجاد
learned, literate	باسواد	objection	ایراد
O. K.	باشه	Iran	ایران
garden	باغ	they	ایشان [ایشون]
together	باهم	if only!	ایکاش!
intelligent	باهوش	this	این

later, then	بَعْدَ	Excuse me. [ببخشین]	بِبخشید
after	بَعْدَاز	child	بَچَه
afternoon	بَعْدَازظَهْر	bad	بَد
long, high	بُلند	brother	بِرادر
yes	بَلَه	shining	بِرَاق
I	بَنده	for	بِرَای
to be	بُودَن	acquittance	بِرَائت
turkey	بوقلمون	to take away, to carry	بُرَدَن
to	بِه	snow	بِرَف
spring	بَهَار	electricity	بِرَق
lovely, how nice!	بِهَبَه!	leaf	بِرَگ
A male name	بِهزاد	rice	بِرِنج
in your opinion	بِه نَظَرِ شُما	go	بُرُو
come	بِیا	big, large, great	بُرُزگ
helpless	بِیچاره	feast	بَزَم
twenty	بِیست [بیس]	closed, shut	بَسْتَه
illiterate	بِیسَواد	plate	بُشقاب
more	بِیشتر	next, then	بَعَد

police	پُلِیس	most of	بیشتر
five	پَنج	sick, ill	بیمار
fifty	پَنجاه	hospital	بیمارستان
window	پَنجره	پ	
hidden	پَنهان		
cheese	پَنیر	foot	پا
skin	پوست	last year	پارسال
money	پول	coat, overcoat	پالتو
on foot	پیاده	fifteen	پانزده
onion	پیاز	five hundred	پانصد
screw	پیچ	autumn	پاییز
old	پیر	father	پدر
shirt	پیراهن [پیرن]	grandfather	پدر بزرگ
pyjamas	پیژامه	violent throw	پرتاب
ت		orange	پرتقال
		A female name	پروین
till, to, so that	تا	the day before yesterday	پریروز
shining	تابان	son, boy	پسر
summer	تابستان [تابستون]	the day after tomorrow	پس فردا

birth	تَوَلَّدَ	dark	تار
Toman (Iranian currency)	تومان [تومَن]	fresh	تازه
in, into, inside	توي [تو]	taxi	تاکسی
ث	ثابت	A city in the north of Iran	تبریز
		egg	تُخْمِ مُرْغ
		sour	تُرْش
		Turkey	تُرْکیه
		thirsty	تَشْنَه
		nearly, almost, about	تَقْرِیباً
		bitter	تَلَخ
ج	جا	all	تَمَام
		all of	تَمَام
		exercise	تَمْرین
		clean, tidy	تَمیز
		fast, quick, quickly	تُنْد
		tight	تَنَگ
		you (sing.)	تُو
		in, into, inside	تو
			۱۹۸
constant	ثَابِت		
second	ثَانِیه		
wealth	ثَرَوَت		
one third	ثُلُث		
offspring	ثَمَرَه		
spiritual reward	ثَوَاب		
place	جَا		
dear (after proper names)	جَان		
matter, story	جَرِیَان		
pair	جُفْت [جُف]		
plural	جَمْع		
sentence	جُمْلَه		
answer	جَوَاب		

how? حَظُّور؟

how much? حَقْدَر [حَقْدَر؟]

fourty چهل [چل]

what? چی؟

thing چیز

what is (it)? چیست؟

ready حاضر ح

condition (of health), present حال

now حالا

present indicative tense حالِ اِخباری

possessing حائِز

heat حرارت

greed حرص

preposition حَرْفِ اِضافه

bathroom حَمَّام

A male name حَمید

animal حیوان [حیوون]

young, youth جَوان [جَوون]

sock, stocking جوراب

world جَهان

pocket جیب

چ

veil چادر

fat چاق

tea چای [چایی]

left چپ

why? چرا؟

lamp چراغ

eye چَشم [چشم]

few, how many? چَند [چَن]

few, how many? چَند تا [چَن تا]

several, many چَندین

fork چَنگال

what? چه؟

four چَهار [چار]

grocery shop خوار بار فروشی

sister خواهر

good, well, nice خوب [خُب]

all right [خوبه]

self خود

dish خوراک

to eat خوردن

You are welcome! خوش آمدید!

fortunately خوشبختانه

happy خوشحال

happy, pleased خوشوقت

pig خوک

relative خویش

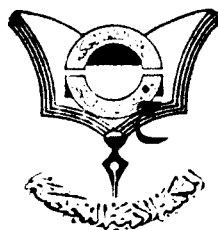
street, avenue, road خیابان [خیابون]

cucumber خیار

soaked خیس

ploughshare خیش

very, very much, a lot خیلی



thorn خار

aunt (maternal) خاله

lady, madam, wife خانم

house, home خانه [خونه]

good bye خدا حافظ

thank God! [خدا رو شکر]

good bye خدا نگهدار

donkey, ass خر

melon خربزه

3 rd. Iranian month خرداد

date (fruit) خرما

shopping خرید

to buy خریدن

tired خسته

tiresome خسته کننده

cool خنک

humble خوار

tree	دِرخت	د	
pain	درد	to give	دادَن
lesson	دَرس	gallows	دار
lie	دُروغ	to have	داشتَن
hand	دَست	hot	داغ
glove	دَستکِش [دَسکِش]	skirt	دامَن
handkerchief	دَستمال [دَسَمال]	wise	دانا
notebook	دَفتَر	university student	دانشجو
time (s)	دَفه [دَفه]	university	دانشگاه
minute	دَقِقه [دِقه]	A surname	داوَری
shop	دُکان [دُکون]	uncle (maternal)	دایی
doctor, Dr.	دُکتر	elementary school	دَپِستان
button	دُکمه [دُگمه]	secondary school	دَپیرِستان
tooth	دندان	daughter, girl	دُختر
two	دو	in, into, at	دَر
medicine, drug	دوا	door	دَر
twelve	دوازده	long	دِراز
twice	دوبار	about, nearly	دَر حُدودِ

secret	راز	again	دوباره
faithful to a secret	رازدار	twice	دو دفعه
right, truth	راست	cycle	دور
driver	راننده	far away, distant	دور
road, way	راه	review	دوره
quarter	رُبع	friend	دوست
fight	رزم	ten	ده
A city in the north of Iran	رشت	to see	دیدن
A male name	رضا	late	دیر
to go	رَفْتَن	yesterday	دیروز
colour	رَنگ	yesterday morning	دیروز صُبح
top, surface	رو	last night	دیشب
day	روز	dictation	دیکته
village	روستا	ذ	ذَرَه
headdress	روسری		
cooking oil	رُوغَن	ر	را
on	روی [رو]		
Rial (Iranian currency)	ریال	direct object postposition	را
		A surname	راجی

ژ
A female name ژاله

shabby ژنده

س
hour, watch, clock ساعت

year سال

salad سالاد

A surname سالار

healthy سالم

green سبز

green grocery shop سبزی‌فروشی

light (weight) سبک

stem, root ستاک

present stem ستاکِ حال

past stem ستاکِ گذشته

head سر

red سرخ

cold سرد

tiny, very small ریز

ز

miserable زار

language زبان [زبون]

gold زر

yellow زرد

clever زیرنگ

ugly زشت

winter زمستان [زِمِستون]

woman, wife زن

prison زندان [زِندون]

early, quick زود

A female name زهرا

much, many, plenty زیاد

beautiful زیبا

underneath زیر

under, beneath زیر

vest زیرپوش

thirteen	سیزده	cough	سُرفه
cinema	سینما	fast, quick	سَرِیع
tray	سینی	effort	سَعی
	ش	white	سِفید
cheerful	شاد	dog	سَگ
cheerful, joyful	شاداب	hello!	سَلام
student, pupil	شاگرد	hello!	سلام عَلَیْکُم
supper	شام	heavy	سَنَگین
sixteen	شانزده [شونزده]	soup	سوپ
witness	شاهد	whistle	سوت
night, evening	شَب	hole	سوراخ
wicked	شَرور	needle	سوزَن
to wash	شُستن	three	سه
six	شِش [شیش]	easy	سَهَل
sixty	شَصَت	thirty	سی
complaint	شِکایت	black	سیاه
sugar	شِکر	apple	سیب
blossom	شِکوفه	potato	سیب زمینی

hundred	صَد
sound	صِدا
adjective	صِفَت
comparative adjective	صِفَتِ بَرْتَر
superlative adjective	صِفَتِ بَرْتَرِين
peace	صُلح
chair	صَنْدَلِي
face	صَوْرَت
pink	صَوْرَتِي

ض

opposed	ضِدّ
multiplication	ضَرْب
loss	ضَرَر
pronoun	ضَمِير
possessive pronoun	ضَمِيرِ مِلْكِي

ط

designer	طَرّاح
reject	طَرْد

trousers	شَلّوار
you	شُما
conjugational ending	شِنَاسَةُ صَرْفِي
salty	شُور
consultation	شُور
pants	شُورَت
rebellion	شُورِش
husband	شُوهَر
city	شَهَر
milk	شِير
sweet	شِيرِين

ص

soap	صابون
thunderbolt	صاعِقَه
morning	صُبْح [صُب]
breakfast	صُبْحَانَه
good morning	صُبْح بِخِير
correct, true	صَحِيح [صَحِي]

	غ	
food	غَذا	
sad	غَمِگین	
	ف	
Persian	فارسی	
agent	فاعِل	
devoted	فداکار	
France	فرانسه	
tomorrow	فَرِدا	
tomorrow morning	فَرِدا صُبح	
tomorrow midday	فَرِدا ظُهر	
tomorrow evening	فَرِدا عَصِر	
airport	فُرودگاه	
departmental stores	فُرُوشگاه	
seller	فُرُوشنده	
A male name	فَرهاد	
A female name	فَریده	
verb	فِعَل	

mode	طَرز	
	ظ	
appearance	ظَاهِر	
noon, midday	ظُهر	
	ع	
ivory	عاج	
habit	عَادَت	
shame	عار	
A surname	عَسْکَری	
honey	عَسَل	
angry	عَصَبانی	
evening	عَصِر	
A male name	علی	
building	عِمَارَت	
uncle (paternal)	عَمُو	
aunt (paternal)	عَمَّه	
festival	عَید	

cutting	قَطَعَ	imperative	فِعْلِي أَمْر
piece	قِطْعَه	only	فَقَطْ
pen	قَلَم	cup	فِنْجَان [فِنْجُون]
confectioner	قَنَّاد	eruption	فَوْرَان
cube – sugar	قَنْد	ق	قَارِج
hot water with sugar	قَنْدَاغ		
sugarbowl	قَنْدَان [قَنْدُون]	mushroom	قَاشُقُ
teapot	قُورِي	spoon	قَاضِي
coffee	قَهْوَه	judge	قَبْل
brown	قَهْوَه آي	ago, before	قَبْلًا
price	قِيَمَت	already	قَبْلَ أَز
ک	کَار	before	قَرَأَت
		reading	قُرْبَانِ شُما
work	کَارْد	good bye, thank you	قِرْمِز
knife	کَاغَذ	red	قَشَنگ
paper	کَال	pretty, nice, beautiful	قَصَابِي
unripe	کَاهُو	butcher's shop	قَضَا
lettuce	کُت	fate	قَطَار
Jacket		train	

small	کوچک [کوچیک]	book	کتاب
lane, alley	کوچه	dirty	کثیف
dull	کُودَن	where?	کُجا؟
blind	کور	which?	کدام [کدوم]؟
wound up	کوک	tie	کراوات
star	کوکب	soft wool	کُرک
old	کُهنه	worm	کِرم
when?	کی؟	A city in the south of Iran	کِرمَن
who?	کی؟	butter	کَره
who is (it)	کیست؟	anybody	کسی
kilo	کیلو	country	کِشور
kilometer	کیلومتر	shoe	کفش
A surname	کیوان	hat	کُلاه
		key	کِلید
	گ	little, few	کَم
cow	گاو	help	کُمک
sometimes	گاهی	a little	کمی
simple past tense	گذشته ساده	short	کوتاه
expensive	گران [گرون]		

ear	گوش	cat	گربه
meat	گوشت	walking	گردش
beef	گوشتِ گاو	neck	گردن
veal	گوشتِ گوساله	walnut	گردو
mutton	گوشتِ گوسفند	hungry	گرسنه
hold on	گوشی	wolf	گرگ
cherry	گیلاس	warm	گرم
A northern province in Iran	گیلان	loose, loose – fitting	گشاد
		to say, to tell	گفتن
thin	لاغر	dialogue	گفت و شنود
dumb	لال	flower	گل
tulip	لاله	pear	گلابی
lip	لب	vase	گلدان
dress, clothe(s)	لباس	tomato	گوجه فرنگی
dairy shop	لبنیاتی	deep	گود
delicious	لذیذ	pit	گودال
kindness	لطف	calf	گوساله
please	لطفأ	sheep	گوسفند

favour	مَرَحَمَت	spoiled	لوس
man	مَرَد	lemon	ليمو
people	مَرْدُم	glass	ليوان
disease	مَرَض		
chicken	مُرْغ	me	ما م
sick, ill	مَرِيض	mother	مادر
infinitive	مَصْدَر	grandmother	مادر بزرگ
definite	مَعْرِفَه	yoghurt	ماست [ماس]
teacher	مُعَلِّم	car	ماشين
usually	مَعْمُولاً	month, moon	ماه
shop, store	مَغَاذَه	fish	ماهى
brain	مَغْز	congratulation!	مباركه!
singular	مُفْرَد	sorry	مُتَأَسِّف
object (of the verb)	مَفْعُول	unfortunately	مُتَأَسِّفانه
direct object	مَفْعُولِ صَرِيح	thankful	مُتَشَكِّر
indirect object	مَفْعُولِ غَيْرِ صَرِيح	A male name	مَجِيد
quantity	مِقْدَار	pencil	مِدَاد
sheet	مِلَافَه	school	مَدْرِسَه

square	میدان [میدون]	grateful	ممنون
table	میز	ا	من
million	میلیون [مليون]	home, house	منزل
fruit	میوه	prohibition	منع
		negative	منفی
	ن		
pure	ناب	vine	مُو
unfit	ناباب	hair	مو
ignorant	نادان	agreeable	مُوافق
A male name	نادر	agreement	مُوافقت
unripe	نارس	banana	مُوز
tangerine	نارنگی	matter, story, subject	مُوضوع
barren	نازا	preaching	مُوعظه
A male name	ناصر	occasion, time	مُوقع
name	نام	kind	مِهْرَبان [مِهْرَبون]
letter	نامه	guest	مِهْمَان [مِهْمون]
bread	نان [نون]	hostess	مِهْمَاندار
bakery	نانوایی [نونوایی]	engineer	مُهَنْدِس
lunch	ناهار	nail	میخ

flute, cane	نِی	A female name	ناہید
half	نیم	narcissus	نَرِگِس
		near, close	نَزْدِیک
and	وَ	to sit	نِشَسْتَن
vocabulary	واژگان	half	نِصْف
word	واژه	discipline	نِظَام
vowel	واکه	order	نَظْم
inheritance	وِراثت	roar	نَعره
time	وَقْت	saucer	نَعْلَبَکی [نَلَبَکی]
pious foundation	وَقْف	spearmint	نَعْناع
but	وَلِی	indefinite	نَکَرَه
		new	نُو
eighteen	هَجْدَه	ninety	نَوَد
Hegira – solar	هَجْرِی شَمْسِی	new born child	نُوْزاد
every	هَر	nineteen	نوزْدَه
everyday	هَر رُوز	nine	نُه
everybody, anybody	هَر کَسِی	no	نَه
thousand	هَزار	no	نَخیر

weather, air	هَوَا	to exist, to be	هَسْتَن
aircraft	هَوَاپیما	eight	هَشْت
none, any	هیچ	eighty	هَشْتاد
nothing, anything	هیچ چیز	seven	هَفْت
none of them	هیچکدام	seventy	هَفْتاد
no one, anybody	هیچکس	week	هَفْتَه
never	هیچوقت	seventeen	هِفْدَه [هیودَه]
or	یا	peach	هَلُو
assistance	یاری	too, also	هَم
eleven	یازده	consonant	هَمخوان
jasmin	یاس	all	هَمه
collar	یَخِه [یقَه]	always	هَمیشه
A city in the center of Iran	یَزْد	uproar	هَمهمه
namely	یعنی	the same	هَمین
one, a	یک	India	هِنْد
once	یک بار	water-melon	هِنْدوانه [هِنْدونه]
once	یک دفعه	art	هَنَر
slowly, gently	یَواش	still, yet	هَنوز

واژه‌نامه

Vocabulary

انگلیسی - فارسی

A

ago	قَبْل	a	پِک
agreeable	مُوافِق	Abadan (city)	آبادان
agreement	مُوافَقَت	about	دَر حُدُودِ، تَقْرِیباً
Ahmad (name)	أَحْمَد	acquittance	بَرائت
Ahvaz (city)	أَهْوَاز	address	أَدْرِس
air	هَوَا	adjective	صِفَت
aircraft	هَوَاپیما	Afshin (name)	أَفْشِین
airport	فُرُودْگَاه	after	بَعْدَاز
Akbar (name)	أَكْبَر	afternoon	بَعْدَاز ظَهْر
Ali (name)	عَلِی	again	دوباره
a little	کَمی	agent	فَاعِل

art	هَنَر	all	همه، تمام
ass	خَر، اُلاغ	all of	همه، تمام
assistance	یاری	all right	[خوبه]
at	دَر	almost	تقریباً
aunt	عمّه، خاله	alphabet	اَلِفبا
autumn	پاییز	already	قبلاً
avenue	خیابان	also	هم
Azar (month)	آذر	always	همیشه

B

Babak (name)	بابَک	America	آمریکا
bad	بَد	and	وَ
bakery	نانوایی [نونوایی]	angry	عَصَبانی
barren	نازا	animal	حِیوان [حِیوون]
bathroom	حَمّام	answer	جَوَاب
bazaar	بازار	any	هیچ
beautiful	زیبا، قَشَنگ	anybody	هیچکس، کَسی
beef	گوشتِ گاو	anything	هیچ چیز
before	قَبْل، قَبْلَ از	appearance	ظاهِر
		apple	سیب

butcher's shop	قَصَّابِي	Behzad (name)	بِهَزَاد
butter	کَرِه	banana	مُوز
button	دُکمه	big	بُزُرگ
		birth	تَوُلْد
		bitter	تَلخ
		black	سیاه
		blind	کور
		blossom	شِکوفه
		blue	آبی
		book	کِتَاب
		boy	پَسَر
		brain	مَغز
		brother	بَرَادَر
		bread	نان [نون]
		breakfast	صُبْحانه
		brown	قَهوه ای
		bus	اُتوبوس
		but	وَلی

C

calf	گوساله		
cane	نِی		
car	ماشین		
cat	گُرَبه		
chair	صَنَدَلِی		
cheap	اَرزان [اَرزون]		
cheerful	شاداب، شاد		
cheese	پَنیر		
cherry	گیلاس		
chicken	مُرغ		
child	بَچه		
cinema	سِنِما		
city	شَهر		
clean	تَمیز		

consonant	هَمْخَوَان	clever	زِرَنگ
constant	ثَابِت	clock	سَاعَت
consultation	شُور	close	نَزْدِيک
cooking oil	رُوغَن	closed	بَسْتِه
cool	خُنک	clothe	لِبَاس
correct	صَحِيح	cloud	أَبَر
cough	سُرْفِه	coat	پَالْتو
country	کِشُور	coffee	قَهْوِه
cow	گاو	cold	سَرْد
creation	اِیْجَاد	collar	يَخِه [يَقِه]
cube-sugar	قَنْد	colour	رَنگ
cucumber	خِيَار	come	بِيا
cup	فِنْجَان [فِنْجُون]	comparative adjective	صِفَتِ بَرْتَر
cutting	قَطْع	complaint	شِکَايَت
cycle	دُور	condition (of health)	حَال
		confectioner	قَنَّاد
dad	بَابَا	congratulation!	مُبَارَكِه!
dairy shop	لَبْنِيَاتِي	conjugational ending	شِنَاسِه صَرْفِي

D

discipline	نِظام	dark	تار
dish	خوراک	date (fruit)	خُرما
distant	دور	daughter	دُختر
disturbance of mind	اضطراب	Davari (surname)	داوری
dog	سگ	day	روز
doctor, Dr.	دکتر	dear (after names)	جان
donkey	أُلاغ، خَر	deep	گود
door	دَر	definite	مَعْرِفَه
dragon	اَزْدِها	delicious	لَذِید
dress	لباس	departmental store	فُروشگاه
driver	راننده	description	أوصاف
dull	کُودَن	designer	طَرّاح
dumb	لال	devotion	ارادت
ear	گوش	dialogue	گفت و شنود
		dictation	دیکته
		direct object	مَفْعُولِ صَرِیح
		dirty	کَثِیف
		disease	مَرَض
early	زود		
easy	سَهْل		
effort	سَعی		

E

egg	تُخْمِ مُرْغ	eye	چَشَم [چشم]
eight	هَشْت	eyebrow	أَبْرُو
eighteen	هَجْدَه [هیزده]	F	صَوْرَت
eighty	هَشْتَاد		
electricity	بَرْق	face	رَاذْدَار
elementary school	دَبِسْتَان	faithful (to a secret)	دُور
eleven	يَاذَدَه	far away	فَرِهَاد (name)
employer	أَرْبَاب	Faride (name)	فَرِيدَه
engineer	مُهَنْدِس	fast	سَرِيع، تُنْد
England	إِنْغِلِيس	fat	چاق
eruption	فَوْرَان	fate	قَضَا
evening	عَصْر، شَب	father	پَدَر
every	هَر	favour	مَرَحْمَت
everybody	هَر كَس، هَر كَسِي	feast	بَزْم
everyday	هَر رُوز	festival	عِيد
excuse me!	بِخْشِيد!	few	چَنْد، چَنْد تا [چَن، چَن تا]
exercise	تَمْرِين	fifteen	پَاَنْزَدَه [پونزده]
expensive	گِرَان [گِرون]	fifty	پَنْجَاه

friend	دوست	fight	رزم
free	آزاد	first	اول
freedom	آزادی	fish	ماهی
from	از	fit	باب
fruit	میوه	five	پنج
furniture	آثاث	five hundred	پانصد [پونصد]
G		flour	آرد
	دار	flower	گل
	باغ	flute	نی
	إضافه	food	غذا
	آقا	foot	پا
	گیلان	for	برای
	دُختر	fork	چنگال
	لیوان	fortunately	خوشبختانه
	دستکش [دسکش]	four	چهار [چار]
	برو	fourty	چهل [چل]
glass		France	فرانسه
glove		fresh	تازه
go	ذَر		
gold	خوب		
good			

hand	دست
handkerchief	دَسْتَمال [دَسْمال]
happy	خوشحال، خوشوقت
harm	آزار
hat	کلاه
he	او
head	سر
headdress	روسری
healthy	سالم
heat	حرارت
heavy	سنگین
Hegira-solar	هجری شمسی
hello!	سلام! سَلامْ عَلَیکُمْ!
help	کُمک
helpless	بیچاره
here	اینجا
hidden	پنهان
high	بلند

good bye	خُداحافظ، خُدانگهدار
good morning	صُبحِ بَخیر
grandfather	پَدَر بُزُرگ
grandmother	مادَر بُزُرگ
grape	اَنگور
grateful	مَمْنون
great	بُزُرگ
greed	حِرص، آز
green	سَبز
green-grocery shop	سَبزی فُروش
grocery shop	خواربار فُروشی
guest	مِهمان [مِهمون]

H

habit	عادت
habitable	آباد
hair	مو
half	نِصف، نیم
Hamid (name)	حَمید

I

I	مَن، بَنده	hold on!	گوشی!
if only!	ایکاش	hole	سوراخ
ignorant	نادان	home	خانه [خونه]، مَنزِل
ill	بیمار، مریض	honey	عَسَل
illiterate	بیسواد	horizon	أُفُق
imperative	فِعْلِ أَمْر	horse	أَسْب
in	دَر، [تو]	hospital	بیمارستان
indefinite	نَکَرِه	hostess	مِهماندار
India	هِنْد	hot	داغ
indirect object	مَفْعُولِ غَیْرِ صَرِیح	hour	سَاعَت
infinitive	مَصْدَر	house	خانه [خونه]
information	إِطْلَاعَات	how?	چَطُور
inheritance	وِرَاثَت	how many?	چَند؟ چَندتا؟
intelligent	باهوش	how much?	چَقدر [چَقد]؟
into	دَر، [تو]	humble	خوار
Iran (name)	ایران	hundred	صَد
		hungry	گُرُسَنه [گُشنه]
		husband	شُوهَر

L

lady	خانم
lamp	چراغ
lane	کوچه
language	زبان
large	بزرگ
last night	دیشب
last year	پارسال
late	دیر
later	بعداً
leaf	برگ
learned	باسواد
left	چپ
lemon	لیمو
lesson	درس
letter	نامه
lettuce	کاهو
lie	دروغ

آهن iron

آن [اون] it

ایتالیا Italy

عاج ivory

J

کت jacket

یاس jasmin

آبدار juicy

K

کِرمَن Kerman (city)

کلید key

کیوان Keyvan (surname)

خرداد Khordad (month)

کیلو kilo

کیلومتر kilometer

مِهْرَبان [مِهْرَبون] kind

لُطف kindness

کارد knife

light	سَبُک	milk	شیر
lip	لَب	million	میلیون [مِلیون]
literate	باسَواد	minute	دَقِيقَه [دَیقَه]
little	کَم	miserable	زار
long	دِرَاز، بُلند	mode	طَرز
loose, loose-fitting	گُشاد	money	پول
loss	ضَرَر	month	ماه
lovely!	خوب، بَه بَه	moon	ماه
lunch	ناهار	more	بیشتر

M

madam	خائِم	morning	صُبَح [صُب]
Majid (name)	مَجدید	most of	بیشتر، اَغْلَب
man	مَرَد	mother	مادَر
many	زیاد، چَندین	much	زیاد، خِیلی
matter	جَریان، مَوْضوع	multiplication	ضَرَب
meat	گوشت	mushroom	قارچ
medicine	دَوا	mutton	گوشتِ گوسفند
melon	خَرَبُزَه	Nader (name)	نادِر

N

nineteen	نوزده	Nahid (name)	ناهید
ninty	نود	nail	میخ
no	نه، نخیر	name	نام، اسم
none	هیچ	namely	یعنی
none of them	هیچکدام	narcessus	نرگس
noon	ظهر	Naser (name)	ناصر
no one	هیچکس	near	نزدیک
notebook	دفتر	nearly	تقریباً، در حدود
nothing	هیچ چیز	neck	گردن
now	حالا	needle	سوزن
O object (of the verb)		negative	منفی
		never	هیچوقت
objection	ایراد	new	نو
occasion	موقع	new – born child	نوزاد
of	از	next	بعد
office	اداره	nice	خوب، قشنگ
offspring	ثمره	night	شب
O.K.	باشه	nine	نه

pants	شُورت	often	أَغْلَبَ
paper	کاغذ	old	پیر، کهنه
particle	ذَرَّه	on	روی
Parvin (name)	پروین	once	یک بار، [یه بار]، یک دفعه
past stem	سِتاکِ گُذشته	one	یک
peach	هَلُو	one third	ثُلث
peace	صُلح	on foot	پیاده
pear	گُلابی	onion	پیاز
pen	قَلَم	only	فَقَط
pencil	مِداد	open	باز [واز]
people	مَرَدُم	opposed	ضِدّ
Persian	فارسی	or	یا
piece	قِطعه	orange	پُرِتقال
pig	خوک	orange juice	آبِ پُرِتقال
pink	صورتی	order	نَظَم
pit	گودال	P	
place	جا		دَرَد
plate	بُشقاب		جُفت [جُف]

prison	زندان [زندون]
professor	اُستاد
prohibition	مَنع
pronoun	ضَمیر
pupil	شاگرد
pure	ناب
pyjamas	پیژامه [پیجامه]

Q

quantity	مقدار
quarter	رُبُع
quick	تُند، سَرِیع
quickly	تُند

R

rain	باران [بارون]
Raji (surname)	راجی
Rasht (city)	رَشت
reading	قَرائت
ready	حاضِر

please!	لُطفاً
pleased	خوشوقت
plenty	زیاد، خِیلی
ploughshare	خِیش
plural	جَمع
pocket	جیب
police	پُلِیس
pomegranate	آنار
portico	ایوان [ایوون]
possessing	حائِز
possessive pronoun	ضَمیرِ مِلکی
potato	سیبِ زَمینی
preaching	مُوعِظه
preposition	حَرَفِ اِضافه
present indicative	حالِ اِخباری
present stem	سِتاکِ حال
pretty	قَشَنگ
price	قِیمَت

salad	سالاد	rebellion	شورش
Salar (surname)	سالار	red	قرمز، سُرخ
salty	شور	refusal	اِبا
saucer	نعلبکی [نَلَبْکی]	reject	طرد
school	مدرسه	relative	خویش
screw	پیچ	request	تقاضا
second	ثانیه	respect	احترام
secondary school	دبیرستان	returning	اعاده
secret	راز	review	دوره
self	خود	Reza (name)	رضا
seller	فروشنده	Rial	ریال
sentence	جمله	rice	برنج
seven	هفت [هَف]	right	راست
seventeen	هفده [هیوده]	road	راه، خیابان [خیابون]
seventy	هفتاد	roar	نعره
several	چندین	room	اتاق
shabby	ژنده	S	
shame	عار		
		sad	غمگین

sixty	شَصَت	she	او
size	أَندازَه	sheep	گوسفند
skin	پوست	shining	بَرّاق
skirt	دامَن	shirt	پیراهَن [پیرَن]
slow	آهِسْتَه، یَواش	shoe	کفش
slowly	یَواش	shop	دُکّان [دُکون]، مَغازَه
small	کوچَک [کوچیک]	shopping	خَرید
snow	بَرَف	short	کوتاه
soaked	خیس	shut	بَسْتَه
soap	صابون	sick	بیمار، مَرِیض
soft wool	کُرک	sigh	آه
sometimes	گاهی	simple past tense	گذشتۀ ساده
son	پَسَر	since	از
sorry	مَتَأَسَف	singular	مُفَرَد
sound	صِدَا	sir!	آقا!
soup	سوپ	sister	خواهر
sour	تُرش	six	شِش [شیش]
spearmint	نَعناع	sixteen	شانزده [شونزده]

surface رو

sweet شیرین

T

table میز

Tabriz (city) تبریز

tangerine نارنگی

taxi تاکسی

tea چای [چایی]

teacher مُعَلِّم

teapot قوری

ten ده

thankful مُتَشَكِّر، مَمْنُون

that آن [اون]

the day after tomorrow پس فردا

the day before yesterday دیروز

then بعد، بعداً

there آنجا [اونجا]

the same همین

spoiled لوس

spoon قاشق

spring بهار

square میدان [میدون]

state of affairs اوضاع

stem سِتاک

still هَنُوز

stocking جوراب

store مَغَازَه، دُکَان، فُروشگاه

story جَرِیان، مَوْضُوع

street خیابان [خیابون]

student شاگرد

subject مَوْضُوع

sugar شِکر

sugarbowl قَنَدان [قندون]

summer تابستان [تابستون]

superlative adjective صِفَتِ بَرْتَرِین

supper شام

time (s)	بار، دفعه [دَفه]	they	ایشان [ایشون]، آنها [اونا]
tiny	ریز	thin	لاغر
tired	خسته	thing	چیز
tiresome	خسته کننده	thirsty	تشنه
to	به، تا	thirteen	سیزده
to be	بودن، هستن	thirty	سی
to bring	آوردن	this	این
to buy	خریدن	this morning	امروز صبح
to carry	بردن	this year	امسال
to come	آمدن	thorn	خار
today	امروز	thousand	هزار
to eat	خوردن	three	سه
to exist	هستن	thunderbolt	صاعقه
together	با هم	tidy	تمیز
to give	دادن	tie	کراوات
to go	رفتن	tight	تنگ
to have	داشتن	till	تا
Toman (money)	تومان [تومن]	time	وقت، موقع

trousers	شلوار	tomato	گوجه فرنگی
true	راست، صحیح	tomorrow	فردا
tulip	لاله	tomorrow evening	فردا عصر، یا شب
Turkey (country)	ترکیه	tomorrow morning	فردا صبح
turkey	بو قلمون	tomorrow noon	فردا ظهر
twelve	دوازده	tonight	امشب
twenty	بیست [یس]	too	هم
twice	دوبار، دو دفعه [دو دفعه]	tooth	دندان
two	دو	torpedo	آژدر
U		to say	گفتن
		to see	دیدن
ugly	زشت	to sit	نشستن
uncle (maternal)	دایی	to take away	بردن
uncle (paternal)	عمو	to tell	گفتن
under	زیر	to wash	شستن
unfit	ناباب	train	قطار
unfortunately	متأسفانه	tray	سینی
university	دانشگاه	tree	درخت
university student	دانشجو		

walnut	گردو
warm	گرم
watch	ساعت
water	آب
water – melon	هندوانه [هندونه]
way	راه
we	ما
wealth	ثروت
weather	هوا
week	هفته
well	خوب
what?	چه؟، چی؟
when?	کی؟
where?	کجا؟
which?	کدام [کدوم]
whistle	سوت
white	سفید
who?	کی، چه کسی؟

unripe	کال، نارس
uproar	همهمه
usually	معمولاً

V

vase	گلدان [گلدون]
veal	گوشت گوساله
veil	چادر
verb	فعل
very	خیلی
very much	خیلی، خیلی زیاد
vest	زیرپوش
village	روستا
vine	مو
vocabulary	واژگان
votes	آراء
vowel	واکه

W

walking	گردش
---------	------

yellow	زَرَد
yes	بَلَه، [آره]
yesterday	دَيروز
yesterday morning	دَيروز صُبَح
yet	هَنوز
yoghurt	ماسَت [ماس]
you (sing.)	تُو
you (pl.)	شُما
young	جَوان [جَوون]
youth	جَوان

Z

Zahra (name)	زَهرا
Zhale (name)	ژاله

why?	چَرَا
wicked	شَرور
wife	زَن
wind	باد
window	پَنجرِه
winter	زِمِستان
wise	دانا
with	با
witness	شاهِد
wolf	گُرگ
woman	زَن
word	واژه
work	کار
world	جَهان
worm	کِرِم

Y

Yazd (city)	يَزَد
year	سال

واژه‌ها، عبارتها و جمله‌های اصطلاحی^۱

Idiomatic words, Phrases, and Sentences.

اصطلاح	صفحه	اصطلاح	صفحه
ببخشید [ببخشین]!	۸۵	خوشوقتَم.	۸۶
بفرماید [بفرمایین]!	۸۵	خوش آمدید [آمدین]!	۱۴۱
بنده	۱۱۱	دستِ شما درد نکند [نکته]!	۱۴۲
به به	۵۶	سَلامُ عَلَیکُم.	۸۵
به نظرِ شما	۱۱۰	صُبْح به خیر.	۸۹
جریان چیست [چیه]؟	۱۲۶	قربانِ شما.	۱۱۲
چشم [چشم] شما روشن.	۱۱۲	گوشی!	۱۱۱
خوب [خُب].	۱۱۲	مُبارکست [مُبارکه].	۱۴۳
خدا حافظ.	۶۱	مُتَشکِّرم.	۸۵
خدا را [رُو] شکر.	۸۵	مَمْنوَم.	۸۵
خدا نگهدار.	۸۶	موضوع چیست [چیه]؟	۱۲۶

1. For the usage and meaning, see the relevant pages.

Notes on how to use the book as a self-tuition device

1. The symbols used are as follows:

- a) [] shows the colloquial form.
- b) () indicates what exists in English but not in Persian.
- c) (=) indicates what exists in Persian but not in English.
e.g. (it) is pretty.
It (= the air) is cold.
- d) { } means equal choice.
- e) / means "or".

2. The book comprises eight lessons, which can be covered in about 8 weeks at a rate of 6 hours in the class and at least 6 hours of work at home for doing the exercises and listening to the tapes.

3. The first 2 lessons, which include the sounds and alphabet, are of special importance, and must not be left behind until the correct pronunciation of the sounds is attained.

4. There is a vocabulary at the beginning of each lesson. The learner should first listen to the tape and then try to imitate the pronunciation of the words with a loud voice a few times.

5. The pattern sentences marked by "listen and repeat" show grammatical points, and must be studied carefully. The learner should first hear them from the tape and then repeat again and again.

6. There is a "key to exercises" at the end of the book. But on the tape, the key has been recorded instead of the exercise itself. The learner can correct his mistakes by referring to the keys.

7. Try to use the tapes as much as you can, because the more repetition the quicker learning.

8. Finally, there is a word list at the end of the book for the learner's reference.

Ferdowssi, Mowlavi, Saadi, Hafez, and many others have presented their immortal masterpieces in this language. Learning Farsi and gaining command of it is, therefore, a key to a very rich and wonderful treasure. And it is hoped that the AZFA series would serve to make the learning of the language easier and more delightful for the learner.

I would like to take this opportunity to express my gratitude to Dr. Jaleh Amuzegar, the professor of Ancient Languages at the University of Tehran, for reading the manuscript of this book and making very useful comments and suggestions. Finally, I am indebted to my wife, Dr. Iran Kalbassi, for the peace of mind I enjoyed during the compilation of this book.

Yadollah Samareh Ph.D.

university's Professor of Tehran

words, verbs, and the sentences are given.

From amongst the various dialects Tehrani accent, which is regarded as "standard" and is used in radio, television and cinema films, has been chosen.

The grammar is dealt with through phrases and sentences, just in the same manner a child learns his mother tongue. But, since the user of this book is already familiar with the grammatical concepts of his own mother tongue, an extract of every grammatical subject has been presented in the shape of a formula, and a short explanatory footnote in English is given. Every grammatical subject is supplied with many examples and different, sometimes long, exercises all of which are in daily common use to make the learner feel himself in a Persian environment so that his desire for learning would continue.

English is used as a medium only to the extent of necessity. But, of course, the English equivalent of the words and the English translation of the pattern sentences have been given. The translation is mostly word-for-word because Persian, and not English, is the target, and a literally translation can better show the grammatical characteristics of the Persian sentences. This is why some of the English sentences might sound non-English.

Since the correct pronunciation of the words, phrases, sentences, as well as the intonation carry vital importance in speaking, every effort has been made to make maximum use of audio-visual aids so that the task of learning could be easier and more delightful and, at the same time, maximum result would be obtained in minimum time. Accordingly, all the content of the book has been recorded on magnetic tape or cassetts, which should be used in conjunction with the book itself. In addition, some short video films on the basis of the dialogues in the book have been provided, which has, no doubt, good effect upon the task of language acquisition.

It is noteworthy that the book and the corresponding tapes may be used as a self-tuition device when the Persian-speaking teacher is not available, provided that the tapes are so sufficiently heard and repeated that the words and the sentences can be pronounced as they are heard. But, in any case, the Iranian teacher will be very useful in assessing and correcting the learner's pronunciation.

As you know, Persian language has played an invaluable role in manifesting the most magnificent thoughts and in stating the finest humane feelings and sentiments during the centuries. Literary giants such as

Preface

This book is the first part of the Elementary course of the "Persian Language Teaching" (AZFA). The whole AZFA series comprises three courses: Elementary, Intermediate, and Advance. The aim of the AZFA series is to teach Persian (Farsi) to foreigners from the beginning to the end, i.e. reading, writing, as well as speaking so that the learner could make use of radio, television, newspapers, and the literary texts, poetry and prose.

The Elementary Course consists of two books by which the learner will get acquainted with the spoken and written styles of Persian to the extent of daily practical needs. At the end of this course he will be able to establish linguistic communication with the Farsi speakers, to read the elementary school texts, to understand and use the idiomatic phrases and grammatical structures of the colloquial Persian.

Farsi, like any other language, has two colloquial and formal styles. The difference between the two varieties, in some cases, is so great that the non-native speaker would confront difficulty in understanding, and will find himself obliged to learn. The colloquial style is characterized by shortening some words and verbs by means of elisions, assimilations, and certain vocalic changes; the word order is not so fixed and, in some cases, some elements of the sentence may be omitted. To illustrate the type of differences between the two styles, consider the following examples of which the first form is formal and the second is colloquial:

mineshinam mishinam "I sit"

miravand miran "They go"

nân nun "Bread"

U be khâne âmad un umad khune "He came home"

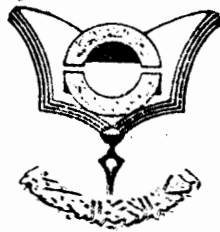
Both varieties of the language have been dealt with during the elementary course, and parallel to the written form the spoken form of the

foreign students of the Persian language. With the help of five books and 20 cassettes, Samareh has made a noteworthy contribution to learning and teaching Farsi.

The task of this new edition, compiled and published jointly by Al Hoda International Publications and Iran's Ministry of Culture and Islamic Guidance (International Relations Dept.), is to make Persian learning easy and interesting for non - Iranians.

We hope this initiative will help foreign students attain excellence in terms of studying about Iranian society, education, science, literature and art.

Publisher



From The Publisher

We are at the threshold of the 21st century. The relevance of peace and cooperation among peoples will be marked more by knowledge, understanding and study of cultures than anything else. Social scientists have subscribed to the notion that a clash of cultures and civilizations will be inevitable in the not too distant future.

It is easy to see that Iran and its Persian language is one of the engines that is and will be required to function in the pursuit of cultural development. The demands of today and tomorrow have called upon us to effectively participate in the process of maintaining and spreading our cultural sagacity.

The five - volume Persian Language Teaching (AZFA) is an important step to acquaint foreigners with the Farsi (Persian) language. It is natural that those who wish to learn comprehensively about Iran's civilization, heritage, traditions, culture and how this nation thinks and works, must first acquaint themselves with its language.

Yadollah Samareh's AZFA is the best available guide for

National Library Index card No. M66 – 580.

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form or by any means without permission in writing from the publisher.

Name: Persian Language Teaching (AZFA), book 1,
Elementary Course, Series No.1

By: Yadollah Samareh, Ph.D.

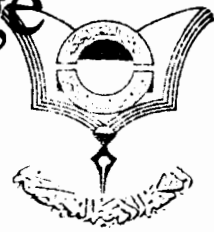
Publisher: ALHODA Publisher and Distributors
International Relations Department, Ministry of Culture
and Islamic Guidance

Third edition: 1993

Printed by: Publisher Elmi & Farhangi Incorporation This book was
printed in Iran.

AZFA
1

Persian Language
Teaching
Elementary Course



BOOK 1

by

Yadollah Samareh ph. D.

university's Professor of Tehran